

فصلنامه اطلاع‌رسانی و اطلاع‌شناسی

اندیشه‌نامه ادبیات پایداری

شماره سوم | فروردین ۱۴۰۱

صاحب امتیاز: حوزه هنری انقلاب اسلامی

مدیر مسئول: دکتر محمدرضا سنگری

سردبیر: دکتر جواد کامور بخشایش

مدیر داخلی: مسعود امیرخانی

ویراستار: پروین نوری

همکاران این شماره: فاطمه سنگری، هنگامه امیرپور، مریم نوری، زهرا قاسمی، لیلا باقری، جواد سمعانی.

طراح گرافیک: محمدعلی غفاری زاد

نشانی: تهران، انتهای خیابان سمیه، حوزه هنری انقلاب اسلامی، طبقه چهارم، اندیشه‌نامه ادبیات پایداری

تلفن: ۸۸۹۱۸۱۲۱

رایانامه:

andishkadeh.paydari@gmail.com

اندیشه‌نامه پایداری آمادگی دارد گزارش نشست‌های تخصصی، اخبار همایش‌های علمی-پژوهشی، معرفی و نقد آثار شاخص ادبی و پژوهشی در حوزه ادبیات پایداری داخل و خارج از ایران را منتشر کند. علاقه‌مندان می‌توانند نسخه ورد مطالب را به رایانامه ارسال کنند. مطالب ارسالی پس از بررسی در هیئت تحریریه منتشر خواهد شد.

اندیشه‌نامه پایداری در تلخیص و ویرایش مطالب آزاد است.

فهرست

یادداشت سردبیر..... ۴

پرونده ویژه | ادبیات مقاومت

گفت‌وگو با دکتر مجتبی رحماندوست..... ۵

سیستان، پیشاهنگ پایداری ایرانی پس از عاشورا..... ۲۶

املی نصرالله راوی نبرد و پایداری در لبنان..... ۳۰

پژوهشی در ادب مقاومت و ادب صهیونیستی

از منظر غسان کنفانی..... ۴۶

نبرد برای عدالت در فلسطین..... ۵۲

نشست‌های تخصصی..... ۵۵

کتابخانه تخصصی شهید سوداگر..... ۶۴

انتشارات موزه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس..... ۷۳

تازه‌ها..... ۷۹

اخبار..... ۹۱

یاد درگذشتگان..... ۱۰۴



دکتر جواد کامور بخشایش

اصطلاح ادبیات مقاومت یا «ادب المقاومة»، که از نیمهٔ دوم قرن بیستم رواج یافت و در ایران هم عنوان «ادبیات پایداری» به خود گرفت، ادبیاتی است انسانی و فراگیر که تبیین‌کنندهٔ مظلومیت و تحت‌ظلم قرار گرفتن انسان‌های بی‌دفاع و مظلوم است و می‌کوشد روح مقاومت را در سرزمین‌هایی چون فلسطین اشغالی، لبنان، یمن، عراق و سوریه و دیگر کشورهای مظلوم و تحت ستم زنده نگه دارد و فلسفهٔ مقاومت را در این سرزمین‌ها تبیین نماید. تمامی مردمان این سرزمین‌ها می‌کوشند حریم، هویت، آزادی و ارزش‌های والای انسانی خود را در برابر هرگونه تجاوز حفظ کنند و در برابر ظلم و زور و تجاوز بایستند. ادبیات مقاومت صدای بلند تک‌تک آنانی است که با سنگ به مبارزه با اهریمن زور و تجاوز می‌روند و همچنان در مبارزه و دفاع از اصول و آرمان‌ها استوارند.

غسان کنفانی، راشد حسن، محمود درویش، عبدالکریم الکریمی، سمیح القاسم و دیگران از جمله نویسندگان و شاعرانی هستند که صدای مقاومت مردمان مظلوم عرب را در آثارشان بازتاب می‌دهند و این مقاومت و پایداری تا پیروزی نهایی تداوم خواهد یافت.

پروندهٔ ویژهٔ این شماره از فصلنامه را به ادبیات مقاومت اختصاص داده‌ایم و درصددیم مفهوم پایداری و مقاومت در سرزمین‌های اشغالی را بیشتر تبیین کنیم و به تلاش‌های انجام‌شده در این موضوع بپردازیم. گفت‌وگو با دکتر مجتبی رحماندوست، مردی که نامش با ادبیات مقاومت فلسطین گره خورده، مقالهٔ املی نصرالله و معرفی دو کتاب در این حوزه در راستای پروندهٔ ویژهٔ این شماره است.

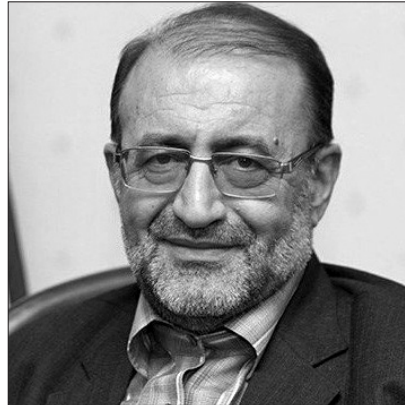
آن روز که رژیم صهیونیستی-موساد- غسان کنفانی را در بیروت به شهادت رساند (۸ ژوئیه ۱۹۷۲)، نمی‌دانست که با مرگ او صدای غسان کنفانی بازتابانندهٔ صدای مقاومت مردم مظلوم سرزمین‌های اشغالی خواهد شد و روح مقاومت را در این سرزمین‌ها زنده نگه خواهد داشت و «مقاومت» را به یک «مکتب» تبدیل خواهد کرد.

فصلنامه اطلاع‌رسانی و اطلاع‌شناسی
انديشكده ادبيات پايداري
شماره سوم، فروردین ۱۴۰۱

ادبیات معتناومت



بگفت و گوا



دکتر محبتی رحماندوست

دکتر محبتی رحماندوست زادهٔ سرزمین شاعرخیز و ادیب پرور همدان هستند، سرزمینی که ادیبانش در عصر انقلاب به خصوص در حوزهٔ خاطره نگاری و حفظ ارزش های ادبی انقلاب اسلامی و دفاع مقدس سهمی بزرگ و قابل اعتنا و توجه داشته اند. ایشان شاعر، نویسنده و پژوهشگر هستند و آثار ارزشمندشان گواه روشن این مسئله است. دکترای تخصصی ادبیات عربی و مهندسی راه و ساختمان (عمران) دارند و سال ها در عرصه های گوناگون اجرایی حضور داشته و تأثیرگذار بوده اند. دکتر رحماندوست جانباز ۷۰ درصد جبهه های جنگ هستند. در سال ۱۳۶۲ به درجهٔ جانبازی رسیده اند و دفاع مقدس را با تمام وجود همراه خود دارند.

آثار ارزندهٔ دکتر رحماندوست نشانگر شناخت ایشان از حوزه های پژوهشی و عرصه های گوناگون ادبیات است که از آن جمله می توان به مفتاح التفاسیر (۱۳۷۰)، مسافر (۱۳۷۴)، یک جفت ونیم (۱۳۸۱)، میل لیلی (۱۳۸۳)، سفر غریب (۱۳۸۵)، روشی نو در آموزش مبادی العربیه (۱۳۸۶)، تفاسیر قرآن کریم (۱۳۸۶)، تفسیر به رأی (۱۳۸۶)، نگهبان غار (۱۳۸۷)، مفقود سوم (۱۳۸۷)، سه پدیده در آینه رمان (۱۳۸۸) اشاره کرد.

مدیریت مرکز آفرینش های ادبی حوزه هنری، معاونت فرهنگی و هنری بنیاد مستضعفان و جانبازان، دبیر کلی جمعیت دفاع از ملت فلسطین، مدیرعاملی مجمع خیرین کشور، مشاورت رئیس جمهور در امور ایثارگران، عضویت در فرهنگستان هنر و هیئت امنای اندیشکدهٔ ادبیات پایداری از جمله مسئولیت های گذشته و حال ایشان است.

تحریریهٔ اندیشه نامه پایداری گفت و گویی با ایشان ترتیب داده است که تقدیم نگاه خوانندگان فرهیخته می شود.

دکتر محمدرضا سنگری:

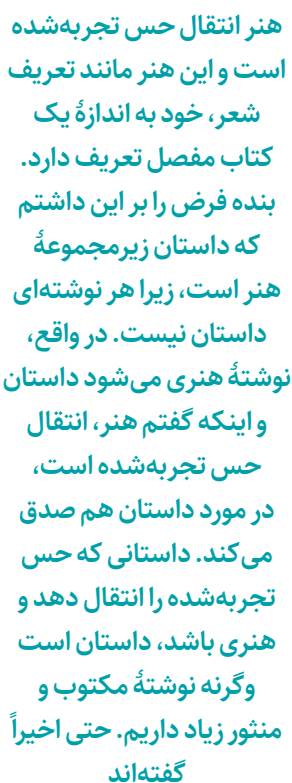
اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم. شب ولادت باسعادت رسول اکرم خاتم الانبیاء (ص) و امام صادق (ع) را خدمت شما تبریک عرض می‌کنم و از شما سپاسگزارم که محبت و لطف فرمودید در محضر شما باشیم و از این مجال که فراهم آمده بهره‌گیری کنیم و در باب موضوع ادبیات انقلاب اسلامی و دفاع مقدس، ادبیات پایداری، ادبیات محور مقاومت به‌ویژه ادبیات فلسطین از محضر حضرتعالی استفاده کنیم. با این توضیحات و زمینه‌ها، اگر اجازه بفرمایید به سراغ پرسش‌های خود برویم. اولین پرسشی که خدمت شما مطرح می‌کنیم این است که اگر قرار باشد شما ادبیات انقلاب اسلامی را تعریف کنید، تعریف شما چیست؟ در حال حاضر یکی از بزرگ‌ترین چالش‌هایی که پیش رو داریم بحث تعریف است و با نوعی تشنگی و تکرار در حوزه تعریف مواجه هستیم؛ بعضی از این تعریف‌ها ذوقی است که طبیعی هم هست و هر مقوله‌ای به‌خصوص در حوزه هنر همیشه با تکرار تعریف مواجه است. شاید اگر قرار باشد همه تعاریف شعرا جمع‌آوری کنند، چند مجلد کتاب شود که بعضی از آنها کاملاً ذوقی است. به عنوان مثال، زنده‌یاد دکتر سید حسن حسینی می‌گوید: «شعر شیرجه رفتن در یک شب‌نم و احیاناً غرق شدن است.»

تقاضا داریم تعریف خود را از ادبیات انقلاب اسلامی و در کنارش ادبیات دفاع مقدس بفرمایید تا بعد از آن به بحث مشخصات این حوزه بپردازیم. به زعم شما ادبیات دفاع مقدس و انقلاب اسلامی با چه شاخصه‌هایی شناخته می‌شوند؟ اگرچه شما در آثارتان تعاریفی عرضه داشته‌اید، ولی دور نیست که هرچه ما پیش‌تر می‌آییم این تعاریف ترک بردارند و ما به تعاریف تازه برسیم، یعنی پدیده‌های تازه‌ای که در عرصه یک حوزه ادبی خلق می‌شود به تغییر تعریف می‌انجامد. بنده بارها گفته‌ام که صد سال پیش شعر را یک گونه تعریف می‌کردند و امروز دیگر آن تعریف مشهور خواجه نصرالدین طوسی پذیرفته نیست. چون پدیده‌ها و اتفاقات تازه‌ای در شعر رقم خورده و باعث شده است تعریف شعر عوض شود. امروزه شعر نیمایی و شعر سپید را همه پذیرفته‌اند و با پذیرش این حوزه‌ها، دیگر آن تعریف از شعر که بگوییم پدیده‌ای است مختل و موزون و مقفی پذیرفته نیست. مختلش مانده است، اما موزون و مقفی بودنش تغییر پیدا کرده است.

دکتر مجتبی رحماندوست:

بسم الله الرحمن الرحیم. خدمت جمع سلام عرض می‌کنم و این ایام را تبریک می‌گوییم و امیدوارم پیروان واقعی رسول اکرم (ص) و امام صادق (ع) باشیم و ان شاء الله که خدا شهادت را قسمت این جمع کند.





حدود هزار عنوان رمان جنگ از کشورهای مختلف عرضه شد که باعث تعجب و حیرت نویسندگان شده بود.

مسائل ادبیات جنگ و انقلاب
به درستی متوجه نشدم.
احساس کردم باید مسئله را
مساوی شئی بگیرم: لَا تَسْأَلُوا
عَنْ أَشْيَاءٍ إِنْ تَبَدَّلَ لَكُمْ تَسْوُكُمْ.
یعنی داستان چه شیئی است
و چه عناصری دارد؟ وقتی در
جلسات درباره هنر صحبت
می شود، من می گویم: هنر انتقال
حس تجربه شده است و این
هنر مانند تعریف شعر، خود به
اندازه یک کتاب مفصل تعریف
دارد. بنده فرض را بر این داشتم
که داستان زیرمجموعه هنر
است، زیرا هر نوشته ای داستان
نیست. در واقع، نوشته هنری
می شود داستان و اینکه گفتم
هنر، انتقال حس تجربه شده
است، در مورد داستان هم صدق
می کند. داستانی که حس تجربه شده را انتقال دهد
و هنری باشد، داستان است و گرنه نوشته مکتوب و
منثور زیاد داریم. حتی اخیراً گفته اند که در به کار بردن
کلمه رمان تردید وجود دارد که آیا رمان همان تعبیر

ادبیات داستانی چهارصد سال اخیر اروپا است؟ خب این کلمه بیگانه است، چون پشتوانه و مصداقش نیز بیگانه است. جدیداً مصاحبه‌ای تحت عنوان «روایت ایرانی» داشتیم؛ در آنجا گفتم چیزی مثل شاهنامه و... که از هزار سال پیش داریم به این معنی رمان نیست، ولی دست رمان را از پشت بسته است و بنده با همین ذهنیت و زاویه دید رایج، اسم یکی از کتاب‌هایم را گذاشتم سه پدیده در آیین رمان که البته می‌تواند جای تجدیدنظر داشته باشد.

دکتر سنگری:

خود این یک مسئله است. اینکه نام‌ها و نام‌گذاری‌ها تا چه اندازه دقیق و درست هستند، یک نکته قابل تأمل و توجه و یک مسئله است. نام گاهی اوقات مسیر را هم تعیین می‌کند؛ اگر نام را تغییر دهیم، ممکن است که یک روش، یک رویکرد و یک جهت‌گیری دیگر داشته باشیم. نام‌هایی که در حوزه ادبیات می‌گذاریم عمدتاً قرضی و وارداتی است در حالی که می‌توانیم نام‌ها را حتی از داخل فرهنگ خودمان برگیریم. من بارها خدمت دوستانمان مطرح کردم که یک بار کنار هم بنشینیم

و تصمیم بگیریم که داستان را در حوزه ادبیات خودمان به چه نام و با چه عناصری معرفی کنیم. بر فرض، عنصری به نام «عبرت» در داستان داریم که هم در حوزه داستان قرآنی مطرح است و هم در حوزه داستان ایرانی. شما اصلاً این عنوان را در ادبیات غرب نمی‌بینید و این خودبه‌خود به جهت‌گیری نویسنده کمک می‌کند. باید داستانی بگویی که پایان

آن مخاطب را از سطح عبور بدهد و به عمق برساند، چون عبرت به معنی عبور است. حتی در زبان عربی اشک را عبور می‌گویند. درباره اباعبدالله می‌گویند: «انا قتیل العبره». زمانی که آمدیم و داستان خودمان را به این شکل تعریف کردیم، کل آن شاکله تعریفی که از داستان غرب داریم فرو خواهد ریخت. این یک عنصر است. حال عناصر دیگری هم وجود دارد. بنده فقط می‌خواستم عرض کنم که این نکته بسیار کلیدی و اساسی که شما مطرح کردید یک مسئله است.

دکتر رحماندوست:

اجازه بدهید در مورد نکته شما به دو نکته دیگر اشاره کنم. آیه‌ای در قرآن داریم بدین معنا که بحث قصه‌گویی برای این است که آرامش قلب بیاورد. طرف قصه می‌نویسد و بقیه را بیچاره می‌کند و می‌گوید داستان همین است. به قول سید حسن حسینی ممکن است شعر غرق هم بکند ولی داستان باید ثبات قلب و آرامش قلب داشته باشد. نکته دیگر اینکه، بنده مقاله‌ای نوشته‌ام به نام «سبک‌شناسی تاریخ شفاهی رمان ایرانی» که ترکیب نام‌نویسی است. شنیده‌ام بسیاری از این

تاریخ شفاهی‌ها چاپ‌های پنجاه یا صد و پنجاه خورده است و بعضی از آنها اصلاً تاریخ شفاهی هم نیست بلکه خاطره‌ای با رگه‌های داستانی است،

به زعم من، در کنار سایر عناصر داستانی مثل دیالوگ، صحنه، شخصیت‌پردازی و مانند آن، یک مورد هم جاذبه است. مقدار زیادی روی این قضیه کار کردم و معتقدم رمان یک عنصر بیشتر ندارد و آن هم جاذبه است و دیالوگ و صحنه و روایت و شخصیت‌پردازی و نثر همه باید در خدمت ایجاد جاذبه باشد. اگر سایر عناصر خیلی قوی به کار برود، ولی از جاذبه خواندن بکاهد قطعاً رمان نبوده است

۱. وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ الْقُرْآنُ جُمْلَةً وَاحِدَةً كَذَلِكَ لِنُثَبِّتَ بِهِ فُؤَادَكَ وَرَتَّلْنَاهُ تَرْتِيلاً (و کسانی که کافر شدند گفتند چرا قرآن یکجا بر او نازل نشده است این گونه [مان را] به تدریج نازل کردیم) تا قلبت را به وسیله آن استوار گردانیم و آن را به آرامی [بر تو] خواندیم؛ سوره فرقان، آیه ۳۲

مستندات و اسم آدم‌ها و حوادث و سال‌های سال هم می‌درخشند.

خاطره‌ای نقل کنم از دوره‌ای که مشاور رئیس‌جمهور بودم. آقای احمدی‌نژاد در یک سخنرانی نامی از رمان دابه میان آورده بود؛ آقای کمری مرادپند گفتند به ایشان بگویم که دارمان نیست. من خدمت آقای کمری گفتم اتفاقاً رمان است. وقتی اثری جاذبه دارد و خوانده می‌شود، چرا نباید رمان باشد که ایشان فرمودند مشکل ما با شماست پس؟!

به همین علت است که باید در مبانی رمان و تعریف رمان کلاسیک غربی تفاوت‌هایی ایجاد کنیم تا بشود تاریخ دفاع مقدس را در آن قالب یا ژانر تعریف کنیم، بنابراین تاریخ شفاهی می‌تواند رمان باشد و می‌توانیم بگوییم رمان داستان انقلاب یا رمان داستان دفاع مقدس.

خوب، بهتر است برسیم به تعریف‌ها. بنده معتقدم شرح و تصویر هنرمندانه‌ی منثور از دو تحول اجتماعی (همان انقلاب اسلامی و دفاع مقدس) می‌تواند تعریف تلقی شود. می‌توانیم انقلاب اسلامی را از ۱۵ خرداد ۴۲ تا سال ۵۷ یا سال ۵۶ تا ۵۷ که همان داغی سال آخرش هست بگیریم و دفاع مقدس هم که مشخص است.

دکتر سنگری:

شما تاریخ شروع ادبیات انقلاب اسلامی را از چه زمانی می‌دانید؟

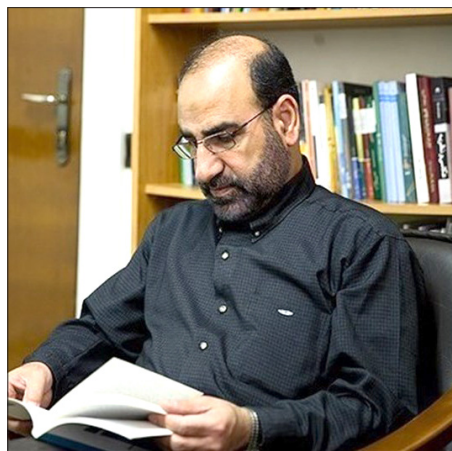
دکتر رحماندوست:

از سال ۱۳۴۲. دفاع مقدس هم که مشخص است، از ۵۹/۶/۳۱ تا تابستان ۶۷ و بعد از عملیات مرصاد.

دکتر سنگری:

شما ادبیات دفاع مقدس را جزء ادبیات انقلاب اسلامی می‌دانید یا یک مرحله‌ی متفاوت و جداگانه بررسی می‌کنید؟ یعنی ادبیات انقلاب اسلامی در سیر و حرکت خود، حوادث و وقایعی دارد؛ یکی جنگ هشت

اما جاذبه دارد. به زعم من، در کنار سایر عناصر داستانی مثل دیالوگ، صحنه، شخصیت‌پردازی و مانند آن، یک مورد هم جاذبه است. مقدار زیادی روی این قضیه کار کردم و معتقدم رمان یک عنصر بیشتر ندارد و آن هم جاذبه است و دیالوگ و صحنه و روایت و شخصیت‌پردازی و نثر همه باید در خدمت ایجاد جاذبه باشد. اگر سایر عناصر خیلی قوی به کار برود، ولی از جاذبه خواندن بکاهد قطعاً رمان نبوده است. آدم می‌رود کتاب فلسفی یا درسی و دانشگاهی یا مقاله می‌خواند، دیگر داستان نمی‌خواند.



به همین علت بنده اعتقاد دارم که بسیاری از این تاریخ شفاهی‌ها - به این تعریفی که من برایش درست کردم و مساوی است با جاذبه - رمان هستند. چرا؟ چون جاذبه‌ی اثر خواننده را ترغیب به خواندن می‌کند، مانند کتاب بامداد خمار که اگر کسی بگیرد تا صبح می‌خواند و تمامش کند زیرا عنصر اصلی آن جاذبه است. حال اگر یک کتاب تاریخ شفاهی همین نقش را ایجاد کرد، اسمش رمان است. فرق رمان با خاطره و تاریخ و تاریخ شفاهی این است که سه عنصر آدم‌ها، مکان‌ها، و حادثه‌ها در رمان مستند نیست و در آنها مستند است. البته در رمان‌های بزرگ تاریخ دنیا مثل جنگ و صلح تولستوی پر است از این

آن برمی‌شمایید. به هر حال وقتی انقلاب اتفاق افتاد، انقلاب فصل است. هم وصل است هم فصل؛ با گذشته‌هایش پیوندی دارد و از گذشته هم فاصله‌ای می‌گیرد و تفاوت‌هایی دارد. اگر روزی از حضرتعالی سؤال کنند که ادبیات انقلاب اسلامی به عنوان فصلی جدید در تاریخ ادبیات ما به کدام مشخصات شناخته می‌شود، حضرتعالی چه توضیحی می‌فرمایید؟

دکتر رحماندوست:

در همان مقدمه‌ای که برای تعریف این ادبیات عنوان کردم، مشخصاتی را نیز بیان کردم. مثلاً بازه زمانی ۴۲ تا ۵۷ یا از شهریور ۵۹ تا ۶۷ یکی از مشخصات تاریخی این ادبیات است. یکی دیگر اینکه قهرمان‌هایش قهرمان‌های انقلاب اسلامی و دفاع مقدس باشند. اگر آدم دیگری در جایی دیگر اینها را تحلیل و برایش کار ادبی کرده است، ما آن را به عنوان عناصر اصلی شخصیت‌های انقلاب اسلامی و دفاع مقدس نمی‌خوانیم. به طور مثال، در سال ۷۲ که بنده برای خرید رمان جنگ به انگلیس رفته بودم، به دنبال

کتابی بودم که انگلیسی‌ها تهیه کرده بودند و آن فهرست کتاب‌هایی بود که در دنیا در مورد جنگ ایران و عراق نوشته شده بود که متأسفانه پیدایش نکردم. ما آن کتاب‌ها را کتاب دفاع مقدس نمی‌دانیم. تعریف جنگ در سخنان حضرت امام (ره) به عنوان فرمانده کل قوا این بود که تکلیف مدارانه است نه جهان‌خوارانه. پس، از این زاویه دید و با این مشخصات هرکس که در این جنگ شرکت می‌کند تا چیزی غیر از اهداف و آرمان‌های دفاع مقدس یا انقلاب اسلامی محقق بشود ولو اینکه در آن جنگ کشته یا جانباز یا

ساله که به آن ادبیات دفاع مقدس می‌گوییم. یا دفاع از حرم اتفاق افتاده که می‌گوییم ادبیات مدافعان حرم. یا فرض کنید در درون کشور رویدادهایی مثل مدافعان سلامت رخ داده است که همه اینها را جزء ادبیات انقلاب اسلامی است.

دکتر رحماندوست:

بله، همه اینها حلقات زنجیره ادبیات انقلاب اسلامی است. این دو تحول، دو تحول جزئی و قابل اغماض نبوده‌اند بلکه بسیار بزرگ بوده و در جامعه

حل و به تدریج مُندمج شده‌اند و جامعه ما بعد از این حل شدن طعم و رنگ و بوی جدیدی به خود گرفته است. تحقق این دو تحول در پایدار شدن آن و تغییر ممیزات اجتماعی حاصل از این تحقق و پایدار و حل شدن و این تغییر رنگ و طعم و بوی مختصات جامعه بعد از انقلاب اسلامی از یک سو و جامعه در خلال هشت ساله دفاع مقدس و بعد از آن به سادگی به دست نیامد. جنگ برای به دست آوردن این تحولات می‌شود همان دفاع و انقلاب و پرداختن به ادبیات آنها

می‌شود ادبیات این دو عنصر و پدیده. برای تحقق این تحول، انواع مجاهدت‌های فردی و اجتماعی انجام شد تا اولی، یعنی انقلاب، به ثمر رسید و دومی، یعنی دفاع مقدس، طی شد و به ثمر رسید. بنابراین، شرح هنرمندانه این دو مقطع را، اولاً از طی مراحلش و ثانیاً توصیف جامعه بعد از تحققش، ادبیات انقلاب و دفاع مقدس نامیده‌ام.

دکتر سنگری:

حال اگر قرار باشد مشخصات ادبیات انقلاب اسلامی را بیان کنید، حضرتعالی چه ویژگی‌هایی را برای

**برای تحقق این تحول،
انواع مجاهدت‌های
فردی و اجتماعی انجام
شد تا اولی، یعنی انقلاب،
به ثمر رسید و دومی،
یعنی دفاع مقدس،
طی شد و به ثمر رسید.
بنابراین، شرح هنرمندانه
این دو مقطع را، اولاً
از طی مراحلش و ثانیاً
توصیف جامعه بعد از
تحققش، ادبیات انقلاب
و دفاع مقدس نامیده‌ام**

اسیر شود، طبیعتاً توصیف آن فرد را نمی‌توان ادبیات انقلاب یا ادبیات دفاع مقدس تلقی کرد. از این نوع مختصات و مشخصات اگر بخواهیم برشماریم متعدد می‌شود.

دکتر جواد کامور بخشایش:

استاد سه ویژگی مهم را برشمردند که بسیار جالب بود: بحث انسان انقلاب اسلامی و دفاع مقدس. قهرمان این نبرد انسان انقلاب اسلامی و انسان تراز انقلاب اسلامی و دفاع مقدس است که به نظر بنده ادبیات انقلاب از این جنبه جای بحث دارد.

دکتر سنگری:

بله، انسانی است که هویت انقلاب اسلامی و دفاع مقدس را با خویش دارد. چه آنهایی که این آثار را خلق می‌کنند و چه شخصیت‌هایی که درون این آثار و انسان برخاسته از درون فرهنگ انقلاب اسلامی هستند. ویژگی دیگری که ایشان فرمودند همان ویژگی تاریخی است که شروع ادبیات انقلاب اسلامی از سال ۴۲ یا حتی عقب‌تر سال ۴۱ بوده است و ما آن بازه زمانی ۴۲ تا ۵۷ را هم خوب ندیده‌ایم. از خصوصیات ادبیات دفاع مقدس و انقلاب اسلامی این است که ادبیات مردمی است؛ اینکه مردم در آن حضور دارند و مردم آن را خلق می‌کنند و به تعبیر یکی از دوستان: ادبیات رزمنده داستان نویس و رزمنده شاعر، یعنی نویسنده و شاعرش رزمنده است که حضور دارد و عنصر حضور را به عنوان یک خصوصیت بیان کرده‌اند. دوستی در جلسه دفاع از پایان‌نامه‌اش گفته بود که در جنگ ایران و روس اصلاً مردم را نمی‌بینیم و مردم حضور ندارند و شگفت‌آور اینکه آن شاعری هم که جنگ را توصیف می‌کند، خود در جنگ نبوده است، اما زمانی که به دفاع مقدس می‌رسیم، اینها در جنگ شرکت می‌کنند، جنگ را از نزدیک حس می‌کنند، در انقلاب بوده‌اند و لحظات انقلاب را زیسته‌اند و برای همین تصویری روشن‌تر دارند.

دکتر کامور بخشایش:

در ارتباط با این بحث يك سؤال ببرسم. آقای دکتر اشاره‌ای به سال ۴۲ تا ۵۷ و ۵۹ تا ۶۷ کردند، میانه این مقطع تاریخی یعنی ۵۷ تا ۵۹ را اشاره نفرمودند که به نظر من این مقطع را می‌توان دفاع برای تثبیت آرمان‌های انقلاب نامید؛ در این مقطع در بحرانی‌ترین شرایط تاریخی به سر می‌بریم و بخش عمده‌ای از آن داخلی و مباحث تجزیه‌طلبی‌ها است و بخشی دیگر خارجی است.

دکتر سنگری:

بله، يك مقطع همان ۱۵ ماه مبارزه است تا پیروزی انقلاب. از پیروزی انقلاب در بهمن‌ماه تا شهریور ۵۹ که به جنگ می‌رسیم، يك مقطع دیگر است. بعد هم که جنگ است که بعضی افراد جنگ را هم مقطع بندی می‌کنند و می‌گویند سه مرحله دارد.

دکتر رحماندوست:

بله، این فاصله ۵۷ تا ۵۹ را هم، که انواع توطئه‌ها برای زمین زدن انقلاب صورت گرفت، می‌توان جزء انقلاب اسلامی آورد.

دکتر سنگری:

پرسش بعدی این است که در ادبیات انقلاب اسلامی و دفاع مقدس با چه مسئله‌هایی مواجه هستیم؟ چه مسائلی را پیش رو داریم؟ به خصوص در ادبیات داستانی انقلاب اسلامی که حضرتعالی در آن کار کرده‌اید، مطالعه داشته‌اید و اثرآفرین و حتی درگیر مباحث اجرایی این حوزه هم بوده‌اید.

دکتر رحماندوست:

بنده به «مسئله» به معنی «شیء» نگاه کردم نه «دغدغه‌ها». دغدغه‌ها خیلی محدودتر از این اشیای پیرامون انقلاب اسلامی و دفاع مقدس هستند. نمونه‌هایی از مسائل ادبیات انقلاب اسلامی را براساس همان نگاه اشیائی بیان می‌کنم: ۱. موضوعات: ۲. موانع و چالش‌ها؛ ۳. عوامل تأثیرگذار؛

دکتر سنگری:

اینها می‌توان ریزتر هم کرد. در حین بررسی ادبیات داستانی در دهه ۶۰، دیدیم مسجد خیلی جایگاه و پایگاه دارد. حتی مسجد در زمین سوخته احمد محمود محور است، مثل جریان آن زن که يك نفر را اعدام می‌کند همه به مسجد مربوط می‌شود. ولی در دهه هفتاد مسجد وجود ندارد و خیلی عجیب است که در ادبیات داستانی این دهه مسجد حذف می‌شود.

دکتر رحماندوست:

اعتقاد شخصی بنده این است که در ۴۵ روز منتهی به پیروزی انقلاب اسلامی، کشور را امام زمان اداره می‌کرد، این قدر که همه چیز الهی، خالص و معنوی بود. در واقع، هیچ‌کس خودش را نمی‌دید. از آن طرف رژیم بریده بود و سخن از رفتن شاه بود و بعد هم که رفت، مردم همه به فکر دیگری بودند. مثل اینکه خود امام عصر جامعه ما را اداره می‌کرد. نمونه این مقطع از ۲۶ دی ۵۷ تا ۲۲ بهمن ۵۷ را قبلاً

در تاریخ ایران نداشته‌ایم.

دکتر رحماندوست:

مسئله دوم موانع و چالش‌های ادبیات انقلاب اسلامی است: یک، عدم اقبال روشنفکران و ادیبان رسمی کشور از موضوع ادبیات انقلاب اسلامی ایران است. دوم، عادت اجتماعی مردم ایران مبنی بر رایج نبودن نوشتن و ثبت حوادث است. سوم، در معرض خطر بودن مکتوبات و نویسندگان مکتوبات است. کسانی که قبل از انقلاب چیزهایی می‌نوشتند ممکن بود گیر بیفتند، مثلاً مادر باغچه خانه خودمان یک سری کتاب‌ها را در کیسه‌هایی دفن می‌کردیم یا یک جایی در سقف آشپزخانه جاسازی می‌کردیم که

۴. قالب‌های ارائه و گونه‌های ادبی هنری: ۵. برخورد با نظریه گذر از زمان عصر انقلاب؛ ۶. ادبیات تطبیقی. برای هر کدام از اینها چند کلمه‌ای نوشته‌ام که توضیح می‌دهم. در مورد موضوعات، مراحل انقلاب خودش یکی از موضوعات ادبیات انقلاب اسلامی است که می‌توان تا قبل از ۴۱، فاصله ۴۱ تا ۱۵ خرداد ۴۲، ۱۵ خرداد ۴۲ تا ۵۶، ۵۶ تا ۵۷ و بعد از ۵۷ را مراحل انقلاب اسلامی نام برد. شخصیت‌های تأثیرگذار را دومین موضوع بیان کرده‌ام که کتاب ادبیات انقلاب اسلامی می‌تواند به شخصیت‌های تأثیرگذار بپردازد یا کتاب دیگری می‌تواند نقش مردم را بیان کند که این قسم آثار را مردم محور می‌نامیم. موضوع دیگر نقش عقاید

دینی در ادبیات انقلاب اسلامی است که مهم‌ترین رکن است. موضوع پنجم نقش وحدت است که اگر مردم وحدت نداشتند، این انقلاب محقق نمی‌شد. موضوع ششم نقش امام خمینی (ره): امام در تبعید، امام در یک سال آخر انقلاب، امام در روزهای ۱۲ تا ۲۲ بهمن که خودشان در ایران حضور

داشتند است و متأسفانه در کتاب‌های داستان انقلاب اسلامی ایران به نقش امام کمتر و در دفاع مقدس تقریباً پرداخته نشده است. موضوع هفتم تأثیر شرایط سیاسی اجتماعی وقت است که در زمان انقلاب اسلامی به عنوان موضوع قرار گرفته است. موضوع هشتم مختصات رژیم حاکم از زاویه دید سیاسی، اقتصادی، امنیتی و مانند آن است. موضوع نهم جایگاه نخبگان و روشنفکران در ادبیات انقلاب اسلامی که طبیعتاً در ایران کم‌رنگ است. دهم نقش اقشار خاص مثل روحانیان و بازاریان و دانشجویان و دانش‌آموزان در انقلاب اسلامی است. و یازدهم نقش مساجد.

وقتی ساواک برای بازدید می‌آمد چیزی پیدا نکند. یا عکس امام (ره) را پشت عکس یک منظره قرار داده بودیم و آن را به نیت عکس امام نگاه می‌کردیم. بنابراین، اصلاً جرئت نوشتن نداشتیم، هر صفحه از آن نوشته‌ها مساوی با این بود که باید همه آدم‌های در نوشته را معرفی می‌کردیم و بیچاره می‌شدیم. چهارم، تبلیغ نظریه «باید از درون انقلاب گذشت تا بتوان آن را نگاشت»؛ همین الان هم در مورد دفاع مقدس و موضوعات دیگر می‌گویند که در دل و وسط حادثه نمی‌توان از آن نوشت و باید یک نسل بگذرد و آب‌ها از آسیاب بیفتد تا بتوان ادبیات انقلاب را تولید کرد. ادبیات انقلاب و ادبیات دفاع مقدس در بحبوحه داغ انقلاب و دفاع مقدس قابل نوشتن نیست. گرایش‌ها چپ خیلی روی این نظریه کار می‌کنند.

انقلاب باشد. بیشتر جسته‌گریخته و موردی انجام می‌شد. ششم، توطئه‌های زنجیره‌ای ضد انقلاب در کشور و فرصت ندادن به اهل قلم برای پرداختن به ادبیات انقلاب. هفتم، به فراست نیفتادن و عدم توجه اهل قلم به این مهم، حتی در مقاطع آرامش نسبی خود، چون مراکزی نبود و خود افراد اهل قلم به این فکر نیفتادند. هشتم، فقدان آثار ادبی و داستانی قابل توجه و نویسندگان متمایل به انقلاب در بحبوحه و در دهه اول انقلاب خصوصاً در عرصه خلق رمان، یعنی کلاً نویسندگانمان اگر نوشته‌هایی داشتند، ادبیات داستانی نبود و چیزی به این شکل رواج نیافته بود. نهم، غلبه ادبیات دفاع مقدس در حدی بود که مانع رشد ادبیات انقلاب اسلامی شد یا به تعبیری به حاشیه رفتن ادبیات انقلاب اسلامی و اصل



دکتر سنگری:

بنده در کتاب از نتایج سحراین مسئله را به این شکل نقد کردم که به چه صورت است که یک رویداد سیاسی یا اقتصادی را هم زمان تحلیل می‌کنید، اما زمانی که به ادبیات رسید می‌گویید بگذارید چند سال دیگر. بحث هم زمانی تحلیل یک اصل پذیرفته شده در جهان است.

دکتر رحماندوست:

پنجم، نبودن مراکزی که کارشان تولید ادبیات

ماندن ادبیات دفاع مقدس. زمانی که جنگ تمام شد، یادمان افتاد که انقلاب مقدم بر دفاع مقدس است و باید به انقلاب هم بپردازیم، یعنی جنگ چنان خودش را زود بر ادبیات کشور تحمیل کرد و پرداختن به ادبیات دفاع مقدس فراگیر شد که بعد از اینکه ذره‌ای داغی آن فرو نشست، پی بردند که به انقلاب که مادر دفاع مقدس است و اصل است و دفاع مقدس جزئی از آن و حلقه‌ای از آن زنجیر نپرداخته‌ایم و ادبیات دفاع مقدس ادبیات انقلاب اسلامی را به حاشیه راند.

مسئله سوم عوامل تأثیرگذار بر ادبیات انقلاب اسلامی است که به دو دسته تقسیم شده است: یک، عوامل شتاب دهنده و تندکننده تولید ادبیات انقلاب اسلامی و دو، عوامل کندکننده و سرعت گیر ادبیات انقلاب اسلامی. خود عوامل تندکننده و شتاب دهنده بدین موارد تقسیم می شود: یک، فراگیر شدن انقلاب در سطح کشور است. انقلاب در سطح کشور تأثیرگذار بود و جایی نماند که از انقلاب

دور باشد. دومین نکته، عمیق و کاری بودن زخم های وارده بر مردم و انقلابیون توسط رژیم شاه بود که این موضوع مردم را به سمت خلق اثر پیش برد و تازه فهمیدند که در چه فضایی بوده اند و وارد چه فضایی شده اند که به قول غربی ها، این گنتر است خودش باعث خلق آثار ادبی شد.

دو سه مورد هم به عنوان عوامل کندکننده بیان می کنم: یک، سرعت تحولات منجر به پیروزی انقلاب اسلامی به حدی سریع بود که کسی مجال نیافت دست به قلم بگیرد. دوم، توطئه ها و کارشکنی های

ضد انقلاب داخلی و عوامل خارجی و به حاشیه رانده شدن مقوله ای به نام ادبیات است. سوم، در سایه قرار گرفتن ادبیات انقلاب اسلامی در مقایسه با ادبیات دفاع مقدس و چهارم، فقدان یادداشت ها و مکتوباتی به ترس از ساواک که منشاء خلق داستان و تاریخ شفاهی می شد.

چهارمین مسئله یا شیء ادبیات انقلاب اسلامی قالب های ارائه و گونه های ادبی هنری به کار رفته در

این مورد است که عبارت اند از: یک، نثر داستانی اعم از داستانک، داستان کوتاه و بلند و رمان و روایت ایرانی و... دو، شعر و انواع آن. سه، نمایش نامه. چهار، فیلم نامه. پنج، قطعه ادبی. اوج گیری شعر انقلاب به خاطر سوابق درخشان شعر در ایران طبعاً در حد شعر در دفاع مقدس نیست، چون با یک بررسی می بینیم شعر در دوران انقلاب خیلی اوج می گیرد. طبیعتاً به شعر دفاع مقدس نمی رسد، اما

قد می کشد. به بلوغ رسیدن داستان کوتاه تألیفی، البته تولید بسیار کم و تأثیرگذار بودن آن و ظهور داستان نویسان جدید نسل انقلاب در ذیل پرتو تولید داستان های کوتاه انقلاب که البته اکثر اینها بعد از دفاع مقدس محقق شدند در همان مقطع انقلاب. نکته هشتم عقب بودن رمان نویسان ایرانی در مقایسه با رمان نویسان دیگر کشورها و تنبلی نویسندگان ایرانی در تولید رمان. به معنای واقعی، تولید رمان پیر آدم را درمی آورد. نهم، پیدایش رمان جدید انقلاب یا همان تاریخ شفاهی جذاب و ضرورت

پرداختن سریع تر به خلق موارد مشابه به خاطر سنین بالای خاطره داران انقلاب اسلامی ایران است. در حال حاضر، بیش از نیمی از خاطره داران انقلاب اسلامی ایران که در مقطع انقلاب حضور اجتماعی انقلابی داشتند یا رفته اند یا در آستانه رختن هستند.

دکتر کامور بخشایش:

جناب آقای دکتر، به نکته ای در مورد سختی کار رمان اشاره فرمودید. بنده معتقدم یک اتفاق دیگری هم

**زمانی که جنگ تمام شد،
یادمان افتاد که انقلاب مقدم
بر دفاع مقدس است و باید
به انقلاب هم بپردازیم، یعنی
جنگ چنان خودش را زد
بر ادبیات کشور تحمیل کرد
و پرداختن به ادبیات دفاع
مقدس فراگیر شد که بعد
از اینکه ذره ای داغی آن فرو
نشست، پی بردند که به انقلاب
که مادر دفاع مقدس است
و اصل است و دفاع مقدس
جزیی از آن و حلقه ای از آن
زنجیر نپرداخته ایم و ادبیات
دفاع مقدس ادبیات انقلاب
اسلامی را به حاشیه راند**

در اینجا رخ می دهد و آن، عدم اقبال داستان نویسان حرفه ای حوزه روشنفکری چپ است که می توان آن را از موانعی قلمداد کرد که داستان نویسی جنگ آن ثبات و قوام خود را در ادبیات انقلاب پیدا نمی کند. آیا شما این را جزء موانع می بینید؟

دکتر رحماندوست:

بله، بنده در موانع و چالش ها بیان کردم که عدم اقبال روشنفکران و ادیبان رسمی کشور و شما اضافه کن با نگاه چپ.

دکتر سنگری:

البته چند نفری مثل مرحوم محمود گلابدره ای، ناصر ایرانی، نادر ابراهیمی وارد شدند. در حوزه شعر هم همین اتفاق افتاد، ولی تعداد این افراد کم بود.

دکتر رحماندوست:

بله، ضمن احترام به نویسندگانی که نام بردید، بعضی ها هم آمدند و خلق آثار هم کردند ولی آثار مضر تولید کردند. مسئله پنجم از مسائل ادبیات انقلاب اسلامی

نظریه گذر از زمان و تکوین انقلاب و داغی دوران انقلاب است که سه نکته دارد: یک، اینکه شاید نتوان رمان های پر حجم و پر شخصیت در بحبوحه انقلاب نگاشت قابل تأمل است و تا حدی پذیرفته می شود، اما در مورد شعر و داستان کوتاه اصلاً قابل قبول نیست. شعر و داستان کوتاه را در بحبوحه می توان تولید کرد و اتفاقاً داغ تر است چون حس گیری تازه تر است. دوم، در مورد رمان هم که به نظرم اصل مطلب اینجا است، در ایدئولوژی کسانی که انقلاب را یک حرکت مادی و برد و باختی تحلیل می کنند و منتظر هستند ببینند چه می شود؟ و آیا تجدید نظر طلبانی می آیند و قهرمان و ضد قهرمان جابه جا می شود که

در آن صورت ببینیم می توانیم به آن بپردازیم یا نه، ممکن است برای آنها قابل قبول باشد، اما برای کسانی که حضور در صحنه انقلاب را تکلیف تلقی می کنند، این نظریه نظریه قابل قبولی نیست. چه انقلاب به ثمر برسد چه نرسد، چه برخی از قهرمان ها و ضد قهرمان ها جابه جا بشوند یا نشوند، می شود رمان نوشت. آنهایی که می گویند در آن مقطع نمی شود نوشت، می گویند صبر کنیم ببینیم فردا چه می شود. برای کسی که تکلیف مدارانه نگاه می کند، فردا هر چه می شود بشود. و آخرین نکته ادبیات تطبیقی است که دو نکته دارد: یک، آثار ادبی در مورد انقلاب های دیگر

کشورها خصوصاً رمان های جنگ یا انقلاب های سایر ملل جای کار بسیار دارد و دوم، شعر سایر انقلاب ها به وفور هم به زبان اصلی و هم ترجمه شده به فارسی در ایران وجود دارد و امکان ارائه و ارزیابی نظریه تطبیقی شعر انقلاب و شعر دفاع مقدس با شعر کشورهای دیگر وجود دارد.

دکتر سنگری:

یک نکته را مطرح کنم که در حوزه ادبیات تطبیقی، تطبیق در درون هم وجود دارد، یعنی می توانیم آثار خلق شده درونی را هم در نظر بگیریم. به طور مثال، ببینیم مسئله خرمشهر در خاطرات چگونه دیده شده است؟ حتی گاهی اوقات یک نفر را با خودش تطبیق دهیم، یعنی یک شاعر یا نویسنده در دهه ۶۰ چه گفته است و چگونه جنگ را دیده است و در حال حاضر چگونه می بیند؟ یا دو غزل از یک شاعر را در دو دوره می توان تطبیق داد. مثلاً تشخیص داده می شود که این غزل از حافظ برای دوران جوانی و آن یکی برای دوران پیری اوست یا نیما «افسانه» را در دوره جوانی اش در سال ۱۳۰۱ سروده است. حال

**اوج گیری شعر انقلاب به خاطر
سوابق درخشان شعر در
ایران طبعاً در حد شعر در
دفاع مقدس نیست، چون
با یک بررسی می بینیم شعر
در دوران انقلاب خیلی اوج
می گیرد. طبیعتاً به شعر دفاع
مقدس نمی رسد، اما قد
می کشد**

بررسی کنیم در سال ۱۳۱۸ که به شعرهای پخته‌ترش می‌رسد چه تفاوتی بین شعر دوره جوانی و پیری اورخ داده است. در حوزه ادبیات داستانی و خاطره‌نگاری هم این نکته میسر است که مثلاً نگاه یا مقوله‌ها و شخصیت‌هایی که آقای حسام در این دهه انتخاب کرده است با گذشت زمان تغییر کرده است یا خیر؟

درباره سومین سؤال شما، که چه مسائلی در حوزه ادبیات دفاع مقدس وجود دارد، نمونه‌هایی را به شرح زیر ذکر می‌کنم: یک، مراحل جنگ است، یعنی کتاب‌های ادبی که به درگیری‌های قبل از شروع رسمی

جنگ یا به دوره فرمانده کل قوایی بنی‌صدر یا به قبل و بعد از فتح خرمشهر یا به دوره بمباران شهری و در نهایت، به قبل و بعد از قطعنامه پرداخته‌اند.

دو، پدیده‌شناسی شعر و داستان در موضوع دفاع مقدس که عبارت است از: یک، ساختار شعر، داستان، نمایش‌نامه، فیلم‌نامه، قطعه ادبی. دو، نثر داستان. سه، شخصیت‌پردازی: شخصیت اصلی، فرعی، قهرمان، ضدقهرمان. چهار، زاویه دید: دانای کل، دانای کل محدود،

سوم شخص و... پنج، سبک: سبک رئال، رئالیسم جادویی، تخیلی، مدرن، کلاسیک، پست‌مدرن. شش، گونه و قالب داستان مثل رمان تاریخی، رمان خاطره، فانتزی، علمی‌تخیلی. هفت، گونه و قالب شعر مثل غزل مثنوی، رباعی، قطعه، غزل، نو، آزاد، نیمایی. اینها قالب‌های پدیده‌شناسی شعر و داستان در ادبیات دفاع مقدس است.

موضوع سوم از مسائل ادبیات دفاع مقدس به موارد زیر تقسیم می‌شود: یک، مکان جنگ است

که مکان‌های متعددی مثل خشکی، دریا، دشت، هور، غرب یا جنوب، برون مرزی و... داریم. در میان آن رمان‌های جنگ که برای سمینار سال ۱۳۷۲ آوردیم، برخی‌شان داستان جنگ در یک ۲۴ ساعت بود، برخی جنگ در هوا، و برخی دیگر جنگ در آب. دوم، مکان تأثیرپذیرفته از جنگ مثل جنگ شهرها، بمباران‌ها، بمباران کارخانجات، زیرساخت‌ها، بیمارستان‌ها و مراکز درمانی، مزارع، پل‌ها، بازارها و مراکز اقتصادی که خود جنگ نبودند ولی تأثیرپذیرفته از جنگ بودند. سه، مسائل و تبعات انسانی دفاع مقدس

درباره سومین سؤال شما، که چه مسائلی در حوزه ادبیات دفاع مقدس وجود دارد، نمونه‌هایی را به شرح زیر ذکر می‌کنم: یک، مراحل جنگ است، یعنی کتاب‌های ادبی که به درگیری‌های قبل از شروع رسمی جنگ یا به دوره فرمانده کل قوایی بنی‌صدر یا به قبل و بعد از فتح خرمشهر یا به دوره بمباران شهری و در نهایت، به قبل و بعد از قطعنامه پرداخته‌اند

که رایج‌ترین آنها شامل شهید، جانباز، آزاده و رزمنده است و بعد مفقود هم به آنها اضافه شد. بعدتر پیش‌کسوتان که ممکن است مجروح و رزمنده باشند، ولی از آن مقطع تاریخ جنگی خودشان فاصله گرفته‌اند. متأسفانه کلمه کهنه‌سربازان هم در نوشته‌ها یا گفتارها به کار گرفته می‌شود که به نظر بنده اصلاً مناسب نیست. کلمه کهنه اصلاً بوی کهنگی، تعفن و پوسیدگی می‌دهد. خیلی مواقع در سخنرانی‌ها و حتی

مسائل اداری، از رزمنده‌ها اصلاً نامی برده نمی‌شود در حالی که از رزمندگی است که به درجه شهادت و جانبازی می‌رسند. بعدتر پدیده‌های دیگری به نام خانواده‌های شهدا، اسرای دشمن و پناهندگان عراقی به ایران، رزمندگان غیرایرانی پیوسته به جبهه جنگ ما، و منافقین که ایرانی بودند به این فهرست اضافه شد. مسئله بعدی در ارتباط با تبعات انسانی جنگ، رزمندگان هستند که بسیجی، ارتشی، سپاهی، ناجا، عشایر و... داریم و در کنار اینها عوامل فتی

مثل مکانیک و پل ساز و سنگرساز وجود دارند. رزمندگان از مذاهب و ملل مختلف، چه مسلمان شیعه چه مسلمان سنی، آرامنه، زرتشتی‌ها، رزمندگان غیرایرانی مثل افغانی‌ها و... نیز در این مقوله جای می‌گیرند. مقوله بعدی اقشار است که خانواده را شامل می‌شود مثل خانواده‌های شهدا، جانبازان، اسرا و مفقودین و... سخت‌ترین خانواده‌ها، منسوبین به مفقودین هستند که از لحظه مفقودی تا مرگ باید انتظار بکشند. گاهی

یک پدر یا مادر حاضر نبودند خانه‌شان را عوض کنند مبادا پسرشان برگردد. از دیگر تبعات انسانی ذیل اقشار، بسیج کارکنان دولت، بسیج اصناف، بسیج کارگران کشاورزی، بسیج کارگران ساختمانی، بسیج مهندسين، بسیج کادر پزشکی، بسیج حوزه و روحانی و زنان رزمنده هستند. بعد می‌رسیم به خود خانواده شهدا که شامل فرزند شهید و همسر شهید و والدین شهید و برادر یا خواهر شهید و نوه شهید می‌شود که با گذشت چند نسل به پایان نمی‌رسد. خانواده شهدا از

یک زاویه دید دیگر به خانواده‌های یک شهید داده یا چند شهید داده تقسیم می‌شوند یا خانواده‌ای که فقط یک پسر داشته و شهید شده است، یا خانواده‌های با شهیدان خردسال یا زنی که از همه محارمش یک نفر شهید شده‌اند. مقوله جانبازان آخرین مقوله تبعات انسانی است که ناینها و قطع نخاعی‌های گردنی و قطع عضو و شیمیایی و...

هستند و اعصاب و روان مظلوم‌ترین آنها که از لحاظ جسمی و ظاهر سالم هستند ولی واقعاً مشکلات زیادی دارند و قابلیت کار کردن ندارند.

دکتر سنگری:

خیلی از شما سپاسگزارم. فکر می‌کنم موضوعات و مسائل خوب و متنوعی در حوزه ادبیات انقلاب اسلامی و دفاع مقدس مطرح شد. به سبب تمرکزی که حضرتعالی در این سالیان در حوزه ادبیات فلسطین و مقاومت دارید، فرصت را غنیمت

می‌شماریم و یک سؤال بسیار مهم و اساسی می‌پرسیم و آن اینکه چه پیوند ارتباطی میان ادبیات دفاع مقدس و ادبیات فلسطین وجود دارد؟ آنچه محرز است اینکه ما هم بهره گرفته‌ایم و هم بهره رسانده‌ایم و نوعی تعامل و تعاطی میان این دو ادبیات وجود داشته است. دوست داریم بدانیم این دو چه تأثیر و تأثراتی برهم داشته‌اند؟

دکتر رحماندوست:

قطعاً مشترکات و تفاوت‌ها و مغایرت‌هایی دارند که در ادامه و خلال بحث به آنها اشاره می‌کنم. بنده اعتقاد

ندارم که سطح قصه‌های کشورهای عربی از ما بالاتر باشد. نکته دیگری که در مورد تفاوت شعر و قصه وجود دارد اینکه سرودن شعر کار هر کسی نیست، چون بیشتر ذاتی است ولی قصه آموزش پذیرتر است. اینکه شعر فلسطین از داستان پیشی گرفته است، خیلی غیرطبیعی نیست. در کشور خود ما هم داستان کوتاه دفاع مقدسی خیلی زیاد تولید شده

در خصوص تفاوت شمارگان کتاب‌های داستان و شعر این نکته جای تأمل است که شعرای گمنام زیادی داریم که شعرهایشان به سطح بالا یا تعددی که تبدیل به کتاب بشود نرسیده است و آثارشان را بیشتر در رسانه‌ها و مجله‌ها چاپ می‌کنند، ولی داستان‌نویسان معمولاً یک داستان تک را در این سایت‌ها قرار نمی‌دهند، لذا اگر تعداد کسانی که شعر گفته‌اند و شعرهایشان در رسانه‌های ایران چاپ شده شاید بیشتر باشند



دکتر رحماندوست:

اکثر نمادهایی که در مقاومت بین الملل وجود دارد در ادبیات و مقاومت فلسطین متبلور است. اگر اجازه بدهید بعضی از مواردی را که درباره ادبیات فلسطین یادداشت کرده ام بیان کنم که ممکن است اشتراکاتی در میانشان وجود داشته باشد. البته بیشتر کتاب هایی که به صورت تطبیقی به ادبیات مقاومت پرداخته اند، در ابتدا فصلی در مورد تعاریف دارند.

دکتر کامور بخشایش:

ضعفی که این کتاب ها دارند این است که معمولاً دفاع سرزمینی را بالاتر از دفاع آرمانی تلقی می کنند.

دکتر رحماندوست:

این یکی از ویژگی های این ادبیات تا قبل از نهضت امام خمینی در فلسطین بوده است و احمد جبرئیل، بارزترین چهره مقاومت فلسطین، کمونیست بود و بعد به اسلام پناه آورد و با پسرش به مکه رفتند و پسرش از خدا شهادت خواست و شهادت نصیبش شد. وقتی پسرش شهید شد، بنده در سوریه به خانه اش رفتم. تدبیر عجیب و غریبی پیدا کرده بود خصوصاً بعد از شهادت فرزندش.

دکتر کامور بخشایش:

شما قدیمی ترین محور مقاومت را فلسطین می دانید؟

است ولی باز هم از شعر پیشی نگرفته است.

دکتر سنگری:

به لحاظ کمی، در سال گذشته از ۲۷ هزار جلد کتاب حدود ۴ هزار عنوانش داستان و زندگی نامه بوده است و شعر حدود ۱۴۰۰ عنوان بوده است. الان اقبال اجتماعی به خاطر خیلی بیشتر است ولی تیراژ کتاب های شعر عموماً ۵۰۰ نسخه است.

دکتر رحماندوست:

البته در خصوص تفاوت شمارگان کتاب های داستان و شعر این نکته جای تأمل است که شعرای گمنام زیادی داریم که شعرهایشان به سطح بالا یا تعدادی که تبدیل به کتاب بشود نرسیده است و آثارشان را بیشتر در رسانه ها و مجله ها چاپ می کنند، ولی داستان نویسان معمولاً یک داستان تک را در این سایت ها قرار نمی دهند، لذا اگر تعداد کسانی که شعر گفته اند و شعرهایشان در رسانه های ایران چاپ شده شاید بیشتر باشند.

دکتر کامور بخشایش:

بنده می خواستم در همین زمان که در بحث تعاریف هستیم نکته ای عرض کنم و سؤالی بپرسم. شما مباحث در محور مقاومت و فلسطین را از جزء به کل بیان می کنید. اگر ممکن است تعریفی از محور مقاومت ارائه بدهید؟ و اینکه شباهت های ادبیات مقاومت بین الملل با ادبیات دفاع مقدس چیست؟ چون این مقاومت بین الملل دو مسئله است: یکی، مسئله ای که ما مثلاً در سوریه دفاع فرامرزی داریم و برای آن یک محور و ادبیات جدیدی باز می شود و دوم اینکه، خود آنها در معرض آسیب و ستم هستند و از سرزمین و آرمان هایشان دفاع می کنند. می خواستم ببینم چه رابطه ای بین ادبیات پایداری در ایران و ادبیات پایداری در محور مقاومت وجود دارد؟ و این حضور نیروهای ایرانی در خارج از ایران را به چه صورت تعبیر می کنید؟

دکتر رحمان دوست:

اگر برگردیم قدیم‌تر، به‌طور مثال الجزایر را داریم که در سال ۱۹۵۲ رخ داد و اگر اشتباه نکنم حدود ۱۳ سال در اشغال فرانسه بوده و جنگشان از سال ۱۹۵۲ تا ۱۹۶۰ به طول انجامید. جنگ ویتنام هم بود که از ۱۹۵۵ تا ۱۹۷۵ طول کشید.

دکتر سنگری:

قبل از اینکه شما بحث فلسطین را آغاز کنید، باید عرض کنم یکی از مشکلاتی که داریم همین تعدد عنوان‌هاست. مثلاً در مورد خود جنگ نام‌های زیادی مثل جنگ، جنگ تحمیلی، دفاع مقدس و... داریم. آیا در آنجا هم این تنوع مثل بیداری جهانی، بهار عربی، محور مقاومت و... وجود دارد؟ چون این مسائل معمولاً باعث درهم‌آمیختگی می‌شوند و حدود و ثغورشان مشخص نیست و باید زمانی به این بحث‌ها بپردازیم.

دکتر رحمان دوست:

من ادبیات مقاومت فلسطین را شرح هنرمندانه از تحول عظیم در فلسطین در برابر اشغالگری و ظلم صهیونیست‌ها در قالب‌های شناخته‌شده ادبی مانند نثر داستانی و شعر تعریف کرده‌ام و ادبیات مقاومت فلسطین را مشخصاً با یک کلمه و جمله تعریف کرده‌ام و آن ادبیاتی است که همسوی سلاح مقاومت باشد. ممکن است در آنجا خلق شود، ولی همسوی سلاح مقاومت نباشد. مادامی که در جامعه حل شده باشد و جامعه فلسطین را با این نوع ادبیات و شعر و داستان بشناسیم، مجموعه مجاهدات فردی و اجتماعی که افراد داخل فلسطین در پرتو این‌گونه ادبیات در جامعه‌شان محقق کنند، اینها مراحل تولید ادبیات مقاومت فلسطین می‌شود و خلق و نضج و نشر آن و توصیف جامعه بعد از تحقق آن، می‌شود آنجایی که ادبیات در جامعه حل شده است. اما مضامین و موضوعات ادبیات

مقاومت فلسطین شامل ضرورت ایستادگی در برابر تهاجم بیگانگان، وطن‌دوستی و ارج نهادن به سرزمین مادری، ستایش آزادی و آزادی، صلح‌دوستی (یعنی از آنها تروریسم به وجود نمی‌آید)، ترویج فرهنگ شهادت و شهادت‌طلبی، بیان دردها و مظلومیت‌های ملت ستمدیده فلسطین، سوق دادن مردم به سوی بسیج عمومی برای مبارزه، انتقام از دشمنان، احصای جنایات دشمن و بیدادگری‌های آنان، توصیف شجاعت‌ها و رشادت‌های مجاهدان و ستایش مقاومت در برابر اشغالگران، تمجید از شهدا و مجروحین و مسجونین (اصطلاح آنها برای اسرا)، پیشبرد روند جنبش و مقاومت و تبیین اهداف مقاومت برای سوق دادن آن به سمت جلو، امید به آینده درخشان، برشمردن رنج‌های قحطی و آوارگی، محکوم کردن فرصت‌طلبان و ثروت‌اندوزان و سوءاستفاده‌کنندگان در زمان جنگ می‌شود. البته از یک زاویه دید دیگر، مضامین و موضوعاتی که به‌خصوص در عرصه شعر مقاومت فلسطین وجود دارد و نمادهایی که برایش انتخاب شده است شامل زمین، زن، معشوق، مادر، گندم، زیتون، پرتغال، گنجشک، علفزار است، ولی منظورش سرزمین فلسطین است به‌خصوص زن، مادر و معشوق. از دیگر نمادهایی که در ادبیات مقاومت فلسطین به‌خصوص در شعر به‌کار رفته است، نوشدن و تولد دوباره و مأیوس نشدن است که آن را با واژه‌هایی مثل دشت، داس، گاوآهن، کلنگ، شیرعسل، رود، دریا، ابر، باران، نان، علف، روغن، گنجشک بیان می‌کنند. سومی هم شوق ماندن در فلسطین و مقاومت در برابر اشغالگران و عشق به کشور است که به اعتقاد من همه این مضامین و موضوعاتی که بیان کردم به مخالفت با ترک وطن و ماندن در سرزمین خویش و دفاع از آن خلاصه می‌شود. چهارمی، تکیه بر میراث تاریخی فلسطینی برای مقابله

از تشکیل رژیم صهیونیستی به شهادت رسید.

دکتر سنگری:

البته به بعضی از چهره‌های تاریخی مثل صلاح‌الدین ایوبی هم توجه می‌شود و عجیب‌تر اینکه در شعرهایشان می‌گویند ای کاش فردی مثل حجاج بن یوسف ثقفی بیاید و به جان اینها بیفتد. اخیراً گرایش به عاشورا و امام حسین و چهره‌های عاشورایی خیلی قوی شده است. بنده در حال انجام کاری برای شعر عاشورایی سال آینده هستم و می‌بینم شاعران مسیحی فلسطین عمدتاً از امام حسین استفاده می‌کنند. به گمان من این گرایش‌های جدید در اثر انقلاب اسلامی ماست.

دکتر رحماندوست:

بله، کاملاً تأثیر انقلاب مشهود است. اما اینکه در ادبیات مقاومت فلسطین با چه مسائلی مواجه هستیم، دیدم چند مورد از همان تقسیم‌بندی‌هایی که در ادبیات انقلاب اسلامی و دفاع مقدس انجام دادم، در اینجا هم صادق است که بیان می‌کنم.

در موضوعات، مراحل ادبیات مقاومت فلسطین را بعضی‌ها از قبل از سال ۱۹۱۹ تا ۱۹۲۶ و از ۱۹۲۶ تا ۱۹۶۷ تقسیم‌بندی کرده‌اند و برخی از سال‌های ۱۹۱۷ و ۱۹۱۸ گرفته‌اند و برخی دیگر از ۱۹۴۸ و تشکیل رژیم گرفته‌اند. بعضی آن را به قبل از ۱۹۴۸ و عده‌ای به بعد از آن و شرح آوارگی فلسطینی‌ها گرفته‌اند. البته آنها که به بعد از ۱۹۴۸ معتقدند حتماً به سال ۱۹۶۷ اشاره کرده‌اند که «نکسه» نام دارد و اسرائیل در این تاریخ مساحت خود را دوبرابر کرد و عرب‌ها به خصوص دو کشور مصر و سوریه بسیار سرشکسته شدند. بعد از ۱۹۶۷ هم هست که وارد انتفاضه‌ها می‌شویم و یک باب جدیدی در ادبیات فلسطین گشوده می‌شود که در این دوره کارهای عجیب و خوبی تولید می‌شود.

در دوره‌های شعر مقاومت فلسطین، شعر تحمل سختی و شکایت علیه استبداد در دوره عثمانی‌ها

با استناد آن سرزمین به اسرائیل است. فکر کنم همه شنیده باشید که می‌گویند یک عده وحشی در اینجا بودند و ما آمدیم آنها را با فرهنگ کنیم. منظورم این است باید به تاریخ فلسطین که سرزمین هزاران انبیا است تکیه کنیم. اینها می‌خواهند ریشه تاریخی فلسطین را واژگونه جلوه دهند. آخرین نکته هم نماد گرایشات قومی عربی است که اشاره کردم.



دکتر کامور بخشایش:

شما به نمادها اشاره کردید. من می‌خواهم فراتر بروم به سمت الگوها و اسوه‌ها. می‌دانیم که ادبیات دفاع مقدس ملهم از ادبیات عاشورایی است و نمونه بارزش سربندهایی است که از عاشورا الگو گرفته شده و الگوها و اسوه‌های دفاع مقدس ما هم همین مردان عاشورا هستند. می‌خواستم بدانم ادبیات فلسطین چه الگوها و اسوه‌هایی دارد و به کجا متصل می‌شود؟

دکتر رحماندوست:

بنده تا آنجا که می‌دانم شخصیت‌های بومی دارند. مثلاً کسی مثل عزالدین قسام در آنجا می‌درخشد که به گونه‌ای شبیه‌ترین انسان به امام خمینی (ره) ماست که ذوب در مکتبش شده بود و صد درصد مکتبی عمل می‌کرد و در سال ۱۹۳۵ چندین سال قبل

را دارند که اگر اشتباه نکنم فلسطین حدود ۴۰۰ سال تحت سلطه عثمانی بود. در زمان قیمومیت انگلیس، شعر مبارزه با قیمومیت انگلیس تولید شده است. در زمان اشغال صهیونیست‌ها، شعر مقاومت و درگیری با صهیونیست‌هاست که برای فلسطینی‌های داخل فلسطین است و برای فلسطینی‌های تبعیدشده یا مهاجرت‌کرده، شعر نگرانی و غربت و هم‌صدایی با مردم وطن است. در خصوص دوره‌ها گفته می‌شود که عکس‌العمل افراد

در فلسطین خصوصاً ادبایی که سرزمینشان را اشغال شده و تحت حاکمیت یهودی‌ها دیده‌اند، بیشتر بوده و لذا شعر خیلی مردمی‌تر از داستان است، چون شعر فوری بر زبان‌ها جاری می‌شود و در کوچه و محله خوانده می‌شود، برعکس داستان که لازمه‌اش این است که فرد سواد خواندن و نوشتن داشته باشد. شعر را می‌توان شنید و هیچ‌جا رسم بر این نیست که داستان در

جلسات خوانده شود و داستان خوانی نداریم ولی شعر خوانی زیاد داریم.

شعر فلسطینی را شعر مفهومی و معنابنیاد تعریف کرده‌ام و برطبق معنا و مفهوم خود شکل و وزن پیدا می‌کند، لذا قالب‌ها و گونه‌هایش متناسب با شرایط است. اگر در جنگ است، متناسب با شرایط جنگ است؛ اگر در زندان و مسجونین هستند، متناسب با شرایط آنجاست. عنصر موسیقی و خیال را متناسب با فضایی که شعر در آن سروده می‌شود استفاده می‌کنند. بنابراین، مراحل ادبیات مقاومت فلسطین با ادبیات انقلاب اسلامی و دفاع مقدس

تفاوت دارد. نقش مردم در فلسطین و عقاید دینی خصوصاً در ده‌های اخیر و بعد از نهضت حضرت امام (ره) بارزتر شده است. نقش قومیت عربی که بوده و زیادتر هم شده است و به نظر می‌رسد که این حرکت اکنون اشتباه نیست و این قومیت‌گرایی در برابر صهیونیسم جای علم کردن دارد. نقش وحدت مردم و نقش تأثیرات اجتماعی و فشارهای صهیونیست‌ها که در تولید شعر و داستان تأثیرگذار بوده است و مختصات و شرایط عملکرد صهیونیست‌ها در آن

مقطعی که شعر و داستان تولید می‌شده است. جایگاه نخبگان و روشنفکران چپ و ملی که معمولاً در فلسطین زیاد است. ادیبان مقیم در فلسطین و ادیبان در تبعید یا مهاجرت‌کرده نیز می‌توانند موضوعی در ادبیات باشد. نقش حمایت‌های مردمی بین‌المللی نیز یک موضوع است چون معمولاً دولت‌ها در دنیا و دولت‌های عربی آن‌چنان حامی ادبیات فلسطین

نبوده‌اند، اما همواره مردم، هم در فلسطین هم در کشورهای عربی هم در ایران و هم آزادگان جهان حامی این ادبیات بوده‌اند، بنابراین یک قطب دوگانه‌ای بین حمایت‌های مردمی از ادبیات فلسطین و عدم حمایت دولت‌ها و مقامات رسمی وجود دارد. موضوع سازش و تطمیع که به خصوص در سال‌های اخیر خیلی خوب در شعر و ادبیات فلسطین مورد توجه واقع شده است. موضوع دولت خودگردان که خون به دل گروه‌های مبارز فلسطینی کرده است. موضوع گروه‌های مبارز مثل چریک‌های چپ و حماس و سازمان جهاد اسلامی و گروه‌های الاقصی. موضوع

**مراحل ادبیات مقاومت فلسطین
با ادبیات انقلاب اسلامی و
دفاع مقدس تفاوت دارد. نقش
مردم در فلسطین و عقاید دینی
خصوصاً در ده‌های اخیر و بعد
از نهضت حضرت امام (ره)
بارزتر شده است. نقش قومیت
عربی که بوده و زیادتر هم شده
است و به نظر می‌رسد که این
حرکت اکنون اشتباه نیست
و این قومیت‌گرایی در برابر
صهیونیسم جای علم کردن دارد**

و مانعی بوده در خلق آثاری که از کوره آتش و جنگ و درگیری اشغالگری برآمده باشد.

دکتر سنگری:

بنده چون بعضی از پایان نامه ها و رساله ها و اشعار را می خوانم، یکی دو مورد به ذهنم می رسد که اضافه می کنم. یکی بحث محاکمه سازمان های بین المللی و سکوتشان است که اتفاقاً در ایران هم مطرح شده است و دیگری بحث کودکان و نوجوانان و در واقع نسل جدیدی که نسل سنگ و دفاع است، که در آثارشان بسیار ستایش می شود. مثلاً شعرهایی که درباره محمدالدوره سروده شده است.

دکتر رحماندوست:

مؤسسه بابتین کویت در چهلمین روز شهادت محمدالدوره فراخوان شعر محمدالدوره در کشورهای عربی داد و ۲۲۰ شعر ارسال شد که از بین آنها ۸۰۰ شعر را جدا کردند و سه جلد کتاب به نام دیوان محمدالدوره منتشر کردند. با محمل محمدالدوره به محاکمه سازمان های بین المللی و سکوتشان پرداخته می شود.

دکتر سنگری:

یکی از اینها را از نزار قبانی در کتاب های درسی آورده ایم که خیلی ها تعجب کردند مگر قبانی از این دست شعرها هم دارد.

جناب طرفی:

قصیده نزار قبانی برای پیروزی انقلاب اسلامی یکی از بهترین آثار است و هیچ شاعر عربی در این سطح چنین شعری نسوده است.

دکتر سنگری:

یک شعر هم برای سید حسن نصرالله گفته که اگر این دست شعرها جمع آوری شود، بسیار زیاد است و به مانند اشعار سروده شده درباره امام چند دیوان می شود.

دکتر رحماندوست:

پیروزی انقلاب اسلامی ایران و اندیشه امام خمینی (ره) نیز یکی از موضوعات روشن و شاخص در شعر و ادبیات مقاومت فلسطین است که در سال های اول با تردید به آن نگاه کردند و آمریکا خیلی تلاش کرد تا ایران را جای اسرائیل قرار دهد. دیگر موضوع روشن و شاخص در شعر فلسطین موضوع قدس است که موضوعی جهانی و بین المللی است. امام دقیقاً روی نقطه حساسی دست گذاشتند و کلمه قدس را انتخاب کردند. موضوع بعدی انتفاضه است. موضوع دیگر جنگ های رسمی چهارگانه اعراب و اسرائیل مثل ۱۹۴۸، ۱۹۵۷، ۱۹۶۷، ۱۹۷۳ است، خود یوم النکبه و یوم النکسه نیز چنین است. به حمایت های آمریکا و اروپا و روسیه از رژیم صهیونیستی در ادبیات توجه شده است. حرکت های انقلابی قبل از ۱۹۴۸، قهرمانان قبل و بعد از سال ۱۹۴۸، شکست عظیم ۱۹۶۷ و تأثیر شگرف آن بر روحیه مردم و ادبیات و آخرین موضوع تبعات انسانی اشغالگری مانند جانبازان، شهدا، مسجونین، مبارزان، تبعیدی ها و... است.

درباره موانع و چالش ها هم دو نکته نوشته ام که اولی فشارهای رژیم اشغالگر است و باعث شده حرکت ها صرفاً مردمی باشد و هیچ گونه حمایت دولتی وجود نداشته است و همیشه سرکوب کرده اند یا در به دری مردم و ادبا که همواره باعث شده است مانع و چالش خلق آثار ادبی در درازمدت باشد. یک رمان حداقل یک سال و نیم تا دو سال زمان می برد که تولید شود. فقدان مدیریت و حاکمیت فلسطینی حامی انقلاب است. مثلاً در سوریه، دفتر اصلی نویسندگان عربی به نام «کتاب العرب» وجود دارد که به حمایت از نویسندگان و شعرا می پردازد، ولی در فلسطین چنین چیزی وجود ندارد. کم تجربه گی ادبای عرب خصوصاً فلسطینی در عرصه تألیفات داستانی موضوع بعدی است. و آخرین مورد حس گیری ادبای تبعیدی یا مهاجر از دور است، که باعث شده از دور حس بگیرند

سید حسن، خمینی جهان عرب است. عوامل تأثیرگذار بر ادبیات مقاومت فلسطین شامل دو بخش است: عوامل شتاب‌دهنده و تندکننده و عوامل کندکننده هستند. شتاب‌دهنده، فراگیر بودن درگیری‌ها و اشغالگری در سراسر فلسطین است و مثل جنگ مان‌یس‌ت که در مرزها بود. در آنجا کل فلسطین تحت تأثیر اشغالگری بود. دوم، فراگیر بودن درگیری و اشغالگری در طول زمان یعنی حدود یک صد سال است که ابتدا در دست انگلیسی‌ها بود و بعد به دست صهیونیست‌ها افتاد. سومین نکته از عوامل شتاب‌دهنده، به میدان آمدن ادبایی که خارج از فلسطین زندگی می‌کردند یا در تبعید بودند یا مهاجرت کرده بودند و عموماً تحصیل کرده‌های فلسطینی بودند چون در داخل فلسطین امکان تحصیل کمتر بود. اینها به میدان آمدند و به کار ادبی پرداختند. چهارم، همدردی ادبای دیگر کشورها بود. به نظرم شاید بتوان گفت هیچ ادیبی در کشورهای دیگر و سال‌های اخیر در ایران نیست که مطلبی، شعری، قطعه‌ای ادبی، داستانی، نمایش‌نامه‌ای در مورد فلسطین نگفته باشد. پنجم، انتفاضه‌ها که از سال ۱۹۷۸ شروع شد و اصلی‌ترین آن سال ۲۰۰۰ بود که حسابی اینها را زنده کرد. ششم، گسترش اسلام‌گرایی که بعد از انقلاب اسلامی ایران بیشتر خودش را نشان داد. هفتم، حمایت امام خمینی (ره) و ملت‌های مظلوم دیگر و مشخصاً ملت ایران. هشتم حاج قاسم، که البته بهتر بود و باید قبل از ایشان می‌گفتم حوادث دردناکی مثل شهادت محمدالدوره، مثل کشتی مرمره، جنگ‌های چندروزه که آنها را تکان داد و بعد شهیدانی مثل حاج قاسم و ابومهدی المهندس که منشأ خلق آثار ادبی و هنری بسیار زیادی در این دو سال اخیر شده است. عوامل کندکننده عبارت‌اند از: یک، خالی بودن پشتوانه تاریخی ادبی ملت‌های عرب از تجربه خلق داستان و رمان. برداشت بنده

این است که داستان قوی - اگر وجود داشته باشد - محدود است و بسیاری از نویسندگان عربی هرکدام به یک یا دو داستان شناخته شده‌اند در حالی که ما در ایران نویسندگانی داریم که مجموعه داستان‌های مفصلی دارند. دو، فقدان ثبات و آرامش لازم در فلسطینی‌ها برای خلق اثر. سه، خیانت سران. و چهار، فقدان وحدت نظر بر مقاومت و پیدایش گرایش‌های تطمعی و بعضاً گرایش‌های مثل نجیب محفوظ و شرکت آدونیس در آن کنفرانس مورد حمایت صهیونیست‌ها.

دکتر سنگری:

اخیراً به خیانت شیوخ عرب و سکوتشان - هم مجامع عرب و هم مجامع بین‌الملل - در سروده‌ها بسیار پرداخته‌اند.

دکتر رحماندوست:

یک نوع گرایش به ولایت فقیه در سنی‌ها به وجود آمده است. آنها حاکم زمان را ولی امر می‌دانند و لازم‌الاطاعه. بعد از انقلاب اسلامی که قرار شد فقیه و عادل حاکم باشد، بهار عربی یک نوع بروز و ظهور اعتقاد به ولایت فقیه بود.

دکتر سنگری:

خیلی جالب است که من شنیدم محبوبیت سید حسن نصرالله در بین طیف‌های مسیحی خیلی بیشتر از مسلمانان است و این جریان باعث شده است این مرزها و فاصله‌ها و تقابل‌های بین اینها برداشته شود، یعنی تشیع و تسنن و اسلام و مسیحیت به هم نزدیک شوند و این از دستاوردهای آنجاست.

دکتر رحماندوست:

سؤال آخر شما که اندیشه‌های ادبیات پایداری چه رسالت و کارکردی در حوزه ادبیات انقلاب اسلامی و دفاع مقدس و ادبیات محور مقاومت می‌تواند داشته باشد؟ یک، اتصال برقرار کردن بین بانک‌های اطلاعاتی موجود در سه زمینه فوق (ادبیات انقلاب

فرهنگی و ادبی و هنری مشترک مقاومت با کشورهای دیگر است. مثلاً مجموعه شعر مشترک دو شاعر ایرانی و سوری، یکی از روش‌هایی که در داخل کشور جواب داده است، داستان نیمه‌تمام است که برادر بنده یک نیمه‌داستانی نوشتند و به آموزش و پرورش تحویل دادند و حدود ۲۰۰ هزار دانش‌آموز به تکمیل این داستان کمک کردند و اتفاقاً در ادبیات مقاومت خلاقیت و نوآوری ایجاد می‌کند که یکی از نویسندگان این کار را انجام دهد و به کشورهای دیگر بدهد تا تکمیل کنند و نتیجه می‌شود یک کتاب با مقدمهٔ یمنی، دیگری با مقدمهٔ عراقی،

بعدی با مقدمهٔ فلسطینی، ایرانی و... چهارده، هم‌اکنون ایران برادر بزرگ‌تر ادبیات مقاومت در منطقه است و پیش‌کسوت است و در آیه قرآن داریم: لَا يَكِلُفُ اللَّهُ تَفْسًا إِلَّا مَّا آتَاهَا يَعْنِي به اندازهٔ وسع می‌خواهد و بیشتر از آن را نمی‌خواهد و منظورم این است که ایران همچنین سرمایه‌ای

را دارد که سایر کشورهای دیگر ندارند. پانزده، جوایز بزرگی در جهان برای آثار ادبی هنری که مروج فرهنگ و سلطه غربی باشد وجود دارد ولی در داخل خیر. شانزده، نویسندۀ متعهد به ادبیات مقاومت، هفده، ادبیات متعهد از ادیب متعهد حاصل می‌شود. نکتهٔ هجدهم از مصادیق مقاومت، مقاومت در برابر تغییر زبان است مثل ترکیه که مردمش نمی‌توانند آثار قدیمی خود را بخوانند، تغییر لباس، تغییر آداب و سنن دینی و اجتماعی، نوزده، لزوم ترجمهٔ آثار ادبیات مقاومت برای ایجاد فضای مشترک فرهنگ مقاومتی در کشورهای منطقه و سپس در جهان. به عنوان مثال بعضی از کشورها برخی از آثار کمونیست ایرانی را به عنوان آثار ادبیات انقلاب اسلامی کشور ترجمه می‌کنند.

اسلامی و دفاع مقدس و محور مقاومت) در ایران و جهان، دو تلاش برای پرکردن خلاءهای موجود در بانک‌های فوق با تنظیم برنامه و حمایت برای خلق آثار جدید، سه، یافتن نمونه‌های تراز در سه عرصهٔ فوق به ارائه و دوره‌ها در کلاس‌های دانشگاهی، چهار، ارائه نقدهای علمی و بی‌طرف برای ارائه در سایت‌ها، کلاس‌ها، نشریه‌ها، پنج، تلاش برای ارتقای آثار از طرق مختلف به طور مثال تشویق نویسندگان برای برگزاری جشنواره‌های رقابتی، جلسات نقد و بررسی آثار، ترتیب سفرهای حس برانگیز، چون در سفر شوکی

به انسان وارد می‌شود و جرقه‌ای به نویسنده می‌زند و کتاب‌های سفرنامه زیادی نوشته شده که یکی از قالب‌های شناخته‌شده است. شش، تحلیل آثار موجود برای استخراج نکات ضعف و قوت آثار، برای برنامه‌ریزی در مسیر خلق آثار برتر. هفت، پیشنهاد ترجمهٔ آثار منتخب ادبیات دفاع مقدس و انقلاب اسلامی و پیگیری برای

تحقق ترجمهٔ آثار و انتشار آنها در کشورهای مخاطب. هشت، ارائه عنوان و واحدهای درسی زیربُست برای هر سه مقطع تحصیلی در دانشگاه‌ها یا دوره‌های آزاد یا دوره‌های بصیرت‌افزایی اساتید و دانشجویان. نه، در صورت لزوم برگزاری دوره‌های تربیت اساتید برای هر سه عرصهٔ ادبیات انقلاب اسلامی و دفاع مقدس و محور مقاومت. ده، تألیف آثار نظری حاوی نظریه‌پردازی مبانی و مسائل ادبیات انقلاب اسلامی و دفاع مقدس و محور پایداری و مقاومت بین‌الملل. یازده، ضرورت تشکیل جبههٔ ادبی هنری مشترک مقاومت در منطقه به سرکردگی یکی از کشورها مثل ایران. دوازده، ضرورت طراحی جایزهٔ بزرگ ادبی هنری. این جایزه‌ها خالق و محرک خلق آثار مقاومت ادبی است. سیزده، کار

**یک نوع گرایش به ولایت
فقیه در سنی‌ها به وجود آمده
است. آنها حاکم زمان را ولی
امر می‌دانند و لازم‌الاطاعه.
بعد از انقلاب اسلامی که قرار
شد فقیه و عادل حاکم باشد،
بهار عربی یک نوع بروز و ظهور
اعتقاد به ولایت فقیه بود**

سیستان و بلوچستان: پیشتان فرهنگ پس از عاشورا پایداری ایرانی

روحیه آزادمنشی، دفاع از مظلوم و ستیز با بیداد در مردم ایران زمین پیشینه‌ای دیرینه دارد. پس از واقعه عاشورا در سال ۶۱ هجری، نخستین مردمانی که به خون‌خواهی و انتقام شهدای کربلا برمی‌خیزند مردم سیستان هستند. چرایی و چگونگی این قیام و علل و عوامل آنها، موضوع این مقاله است؛ در این مقاله، زمینه‌های فرهنگی و تاریخی نهضت سیستان تحلیل و تبیین می‌شود.

واژگان کلیدی: ایران، قیام عاشورا، خون‌خواهی و انتقام، سیستان.

پیامبر یافته‌اند. در دهه چهارم هجرت، این ارادت و محبت با حضور و درک محضر علی (ع) در کوفه به اوج خود رسید. ایرانیان، که در کوفه آنان را «موالی» می‌نامیدند، در سفر به ایران، فرهنگ علوی و تشیع را اشاعه می‌دادند و همین است که در عصر حاکمیت اموی، ایرانیان مدافعان اهل بیت (ع) شناخته می‌شوند و بنا به نقل زکریابن محمد قزوینی در سال ۴۱ هجری - یک سال پس از شهادت علی (ع) - وقتی معاویه فرمان داد که علی (ع) را در همه بلاد و منابر سب و لعن کنند، مردم سیستان تن به این

ستم‌ستیزی و عدالت‌خواهی و حمایت از مظلوم از ویژگی‌های مردم ایران، به ویژه پس از ایمان و گرایش به اسلام است. ایرانیان نسبت به اهل بیت (ع) ارادت و عشق‌ورزی ویژه داشته‌اند؛ این ارادت و محبت هم‌راه‌آورد مشاهده رفتار و سلوک و منش اهل بیت (ع) و هم معرفت و فهمی بوده است که از روایات پیامبر (ص) درباره فضائل و جایگاه و پایگاه رفیع آنان داشته‌اند.

ایرانیان از حدود دهه دوم و دهه سوم هجری، انس و الفت نزدیک با زیست و سیره خاندان

حضور ایرانیان در قیام مختار ثقفی در سال ۶۶ هجری- پنج سال پس از وقوع عاشورا- چنان چشمگیر و گسترده بوده است که نوشته‌اند بیست هزار نفر از سپاه مختار به نام جند حمراء (سپاه سرخ) موالی بودند و هنگام حرکت سپاه مختار بیش از عربی، زبان فارسی شنیده می‌شد.^۵ این حضور نشان می‌دهد که ایرانیان در آن روزگار چند ویژگی داشته‌اند.

۱. اسلام علوی- اسلام راستین و حق جویانه و ستم‌ستیزانه- را برگزیده‌اند و در این راه آمادۀ فداکاری و دفاع و جان‌فشانی بوده‌اند.

۲. حکومت بنی‌امیه و فساد آن را به‌خوبی می‌شناخته‌اند و در مرزبندی دقیق میان اسلام اموی و اسلام علوی به انتخاب درست و روشن رسیده‌اند.

۳. سکوت و مماشات و ترس و سازش در جامعۀ ایرانی نبوده و مردم ایران با همان روح آزادی و جوانمردی که در اسلاف آنان بوده و نمونه‌های فراوان آن را در آثار ادبی و اخلاقی می‌یابیم، در مقابل بیداد اموی ایستاده‌اند.

یکی از گزارش‌های مشهور که در تاریخ طبری آمده است ماجرای یزید ابن مفرغ شاعر است که عتّاب بن زیاد- برادر عبیدالله زیاد- را که حاکم سیستان بود هجو کرد؛ عتّاب بن زیاد در فاصلۀ سال‌های ۵۴ تا ۶۱ ق یعنی حدود هفت سال حاکم سیستان بود. یزید ابن مفرغ در سالی که علوفه اندک شده بود و خطر مرگ احشام مردم می‌رفت، عتّاب بن زیاد را هجو کرد. عتّاب ریشی بلند داشت و ابن مفرغ، ریش بلند او را به سخره گرفت و گفت: اگر این ریش‌ها علف بود می‌توانستیم اسبان مسلمین را سیر کنیم.^۶

با این سخن، عتّاب بن زیاد مانع خروج یزید ابن ۵. تاریخ طبری: محمد بن جریر طبری، ج ۴، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، دارالتراث، ۱۹۶۷م، ص ۴۰.

۶. تاریخ سیستان: به کوشش محمدتقی بهار، تهران، ۱۳۴۶ش، ص ۲۲۵.

کار نسپردند و حتی در قرارداد صلح با حاکمان اموی این امتناع را گنجانده و حاکمان گماشته از سوی امویان ناگزیر به این خواسته گردن نهادند و آنان را آزاد گذاردند.^۱

همان‌جا قزوینی در مورد زنان مدائن و زنان شیعه منطقه دیلم نیز گزارش می‌دهد که زنان در روز از خانه بیرون نمی‌آمدند و حجاب و موازین اسلامی را رعایت می‌کردند.^۲

حضور یاران برجسته و شخصیت‌های باورمند به اهل بیت (ع) در این گرایش‌ها و ارادت‌های تأثیر نبوده است؛ در جنگ‌ها و فتوحات در مناطق گوناگون ایران مانند ری و گرگان، مازندران، مناطق مرکزی و جنوبی و آمدن برخی از اصحاب پیامبر یا تابعین، مردم ایران با معارف اهل بیت (ع) و منش و کنش آنان آشنا می‌شدند و همین سبب دلبستگی و پیوستگی آنها به خاندان پیامبر می‌شد.

زهیر بن القین، یار بزرگ اباعبدالله الحسین (ع)، هنگام پیوستن به امام حسین خطاب به همراهانش گفت: زمانی که به جنگ بلنجر^۳ رفته بودیم، به پیروزی و غنایم فراوانی دست یافتیم و بسیار شادمان و خوشحال شدیم، سلمان فارسی (در تاریخ طبری: ج ۵، ص ۳۹۶ سلمان باهلی) که همراه ما بود گفت: «آن‌گاه که سید جوانان آل محمد را درک کردید از پیکار و کشته شدن در رکاب او بیش از دستیابی به این غنایم شادمان خواهید شد.»^۴

۱. آثار البلاد و اخبار العباد: زکریا بن محمد محمود قزوینی، ترجمۀ جهانگیر میرزا قاجار، تصحیح میرهاشم محدث، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۳ش، ص ۲۵۹.

۲. همان، ص ۲۰۲، ۴۵۳.

۳. بلنجر یا برنجر شهری در قفقاز شمالی میان شهرهای دربندر و سمندر و در سرزمین خزر (الفتوح: ابن اعم کوفی، به کوشش علی شیری، بیروت ۱۴۱۱ ق، ج ۲، ص ۳۴۵، معجم البلدان: یاقوت حموی، ج ۱، ص ۷۲۹).

۴. الارشاد: شیخ مفید، ج ۲، ص ۷۳ کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، الکامل فی التاریخ: ابن اثیر، ج ۴، ص ۴۲، مقتل الحسین خوارزمی، ج ۱، ص ۳۲۳.

مفرغ از سیستان شد و او را زندانی کرد. ابن مفرغ در زندان به هجو عباد بن زیاد ادامه داد، ولی بعد برای رهایی از شکنجه و زندان، جمله‌ای گفت که معنای آن این بود که عباد او را زندانی کرده است تا به راه راست هدایت شود. عباد با این جمله او را آزاد کرد و ابن مفرغ به بصره و از آنجا شهر به شهر می‌گریخت و به هجو زیاد بن ابیه و فرزندان‌ش از جمله عبیدالله زیاد می‌پرداخت و سروده‌های او زبان به زبان تکرار و منتشر می‌شد و مردم - به‌ویژه مردم بصره - با شادمانی سروده‌های او را زمزمه می‌کردند.^۷

سرانجام عبیدالله زیاد و برادرانش تصمیم به دستگیری او گرفتند. عباد بن زیاد همه هجوهای یزید ابن مفرغ را جمع‌آوری کرد و نزد برادرش عبیدالله زیاد برد تا بتواند توسط عبیدالله از معاویه، حکم قتل ابن مفرغ را طلب کند. معاویه گفت: او را تنبیه کن ولی به قتل نرسان. ابن مفرغ از ترس تنبیه به بزرگان بصره از جمله منذر بن جارود - پدرزن عبیدالله زیاد - پناه برد و در منزل او پنهان شد. عبیدالله زیاد که مخفیگاه او را می‌دانست، منذر را نزد خود خواند و همان موقع دستور دستگیری یزید ابن مفرغ را صادر کرد.

پس از دستگیری و زندانی کردن، عبیدالله زیاد برای خوار ساختن و تحقیر یزید ابن مفرغ، دارویی مسهل از نبیذ و شبرم به او خوراند و او را بر خری سوار کرد و گربه و ماده خوک نیز به آن خربست و دستور داد او را در کوچه‌های بصره بچرخانند. یزید ابن مفرغ که لباس خود را به سبب اسهال آلوده نموده بود، با هر بانگ برآوردن ماده خوک، بیت شعر عربی می‌گفت و سمیه را هجو می‌کرد. کودکان بصره که در شگفت از این کار عبیدالله و رفتار یزید ابن مفرغ بودند به زبان فارسی می‌گفتند: این چیست؟ و شاعر در پاسخ به پرسش آنان می‌گفت:

۷. الاغانی: ابوالفرج اصفهانی، به کوشش عبدالکریم ابراهیم غرابوی، قاهره، ۱۳۹۰ق؛ ج ۱۸، ص ۲۵۷-۲۶۸.

آب است و نبیند است

عصارات زبیب است

سمیه رو سپید است^۸

عبیدالله زیاد مجدداً یزید ابن مفرغ را به زندان افکند و سپس او را مجدداً به سیستان نزد برادرش عباد بن زیاد فرستاد. این شعر که بسیار مشهور است جز آنکه نشان می‌دهد ایرانیان در بصره زیست می‌کرده‌اند، تصویری از اعتراض و مقاومت ایرانیان را در برابر بنی امیه و حاکمان گماشته عبیدالله زیاد در ایران به‌ویژه در منطقه سیستان نشان می‌دهد.^۹

هرچند یزید ابن مفرغ بعدها به کرمان رفت، اما پس از مرگ یزید و فرار عبیدالله زیاد از بصره و رفتن به شام در سال ۶۴ هجری، مجدداً به هجو عبیدالله زیاد پرداخت و پس از کشته شدن عبیدالله زیاد در سال ۶۶ هجری به دست ابراهیم بن مالک اشتر، نیز قصیده‌ای در سرزنش و تحقیر و هجو وی سرود. شعر یزید ابن مفرغ پیش از وقوع کربلا شهرت و رواج داشته است و معلوم است که در مکه و مدینه شعرهای او با حافظه مردم گره خورده بود چراکه امام حسین (ع) دو بیت از ابیات یزید ابن مفرغ را به کار گرفته است. ابیات یزید ابن مفرغ حمیری که امام در آغاز حرکت بدان‌ها تمثّل پیدا کردند این دو بیت است.

لا ذعرت السوام فی فلق الصبح مغیرا

ولا دعیت یزیدا

یوم أعطی مخافه الموت ضیما

والمنایا یصدنی أن احیدا^{۱۰}

من آن قهرمان دلیر نباشم که هنگام هجوم به دشمن در سپیده‌مان، حیوانات بیابان به وحشت و هراس می‌افتادند و نام من یزید ابن مفرغ نباشد اگر

۸. تاریخ طبری: ج ۵، ص ۳۱۸-۳۱۹، تاریخ سیستان: ص ۹۶.
۹. الاغانی: ج ۱۸، ص ۸۴-۸۱ و ۲۸۶.

۱۰. تاریخ طبری: ج ۵، ص ۳۴۲، مروج الذهب: ج ۳، ص ۶۴، الفتوح: ج ۵، ص ۲۲.

آن آزادمنشی و بیدادستیزی نشده است؟

آیا نمی‌توان گفت که شعله‌های قیام و خیزش و طرد حاکمان تباهاکار اموی در دیگر مناطق ایران مُلهم از سیستان بوده و سیستان نخستین خاستگاه عشق به اهل بیت (ع) و دفاع از آرمان نبوی و علوی بوده است؟

این مدّعا را کمی بعد از واقعه کربلا و حرکت مردم سیستان برای خون‌خواهی و انتقام شهدای مظلوم کربلا می‌توان اثبات کرد. نویسندۀ کتاب تاریخ سیستان، پس از بیان واقعه عاشورا و شهادت امام حسین (ع) و یارانش و اسارت اهل بیت این‌گونه می‌نویسد: «مردم سیستان پس از شنیدن این خبر، علیه عبّاد بن زیاد- برادر عبیدالله زیاد- حاکم سیستان برخاستند. حکمران سیستان هم نیروی شرطه (نیروی انتظامی) سیستان را برعهده داشت و هم محکمۀ قضا در قبضۀ او بود. او با این همه نیرو و امکان در مقابل خشم و قیام مردم تاب نیاورد و با برداشتن بیست میلیون درهم موجودی بیت‌المال از سیستان گریخت و سرزمین سیستان مدت‌ها بدون حاکم و والی بود. عبیدالله زیاد ناگزیر دو برادر دیگرش یعنی یزید بن زیاد و ابوعبیده بن زیاد را با هم به سیستان فرستاد تا سیستان را آرام کنند و به حکومت ادامه دهند.»^{۱۲} این گزارش کوتاه نشان می‌دهد، نخستین سرزمینی که در ایران به دادخواهی و بیدادستیزی و مقابله با حکومت یزید برخاسته، سیستان بوده است. سرزمین سیستان پیشاهنگ و مطلع سلسله مبارزات علیه بیداد اموی و سپس حکومت عباسی است؛ مجاهدت و مبارزه‌ای که بعدها تمام جغرافیای ایران آن روزگار را فرا می‌گیرد و زمینه تشکیل حکومت‌های ایرانی در قرن سوم و چهارم را فراهم می‌آورد.

از بیم مرگ، دست بیعت در دست دشمن بگذارم زیرا راه گریزی از مرگ نیست و هرچه از مرگ بگریزم، مرگ در کمین من خواهد بود.

این دو بیت برگرفته از سروده‌ای است که یزید ابن مفرّغ در بصره در زندان عبیدالله بن زیاد سروده است.^{۱۱}

سروده‌های یزید ابن مفرّغ در سیستان در بیداری فکری جامعه و شناساندن چهرۀ خاندان زیاد بن ابیه و به‌ویژه جنایات عبیدالله زیاد بسیار مؤثر بوده است. این سروده‌ها از سیستان به دیگر مناطق ایران و فارسی‌زبانان بصره منتقل می‌شده است. نیز سروده‌های وی در بصره- به‌ویژه در زندان عبیدالله زیاد- به ایران می‌رسیده است.

می‌توان گفت سیستان زودتر از دیگر مناطق ایران، در دفاع از امیر مؤمنان علی (ع) و رویارویی با دست‌نشانندگان حکومت اموی، قیام و عکس‌العمل داشته است. همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد از دشنام و ناسزاگویی به علی امتناع کردند و چنان بر این مهم پای می‌فشردند که حکام اموی ناگزیر تسلیم شدند. در فاصله سال‌های ۴۰ تا ۶۰ هجری گماشتگان حکومت اموی هرگز در سیستان آرامش نداشتند و روشنگری‌های شاعران و شیعیان به‌ویژه یزید ابن مفرّغ عرصه را بر آنها تنگ کرد.

آیا نمی‌توان گفت که سیستان، سرزمین پهلوانان و قهرمانان شاهنامه و مردم نژاده و آزاده وارث فرهنگ اصیلی بوده که زمینه فکری و روحی آنها را در دفاع از خاندان پیامبر (ص) و فرزندان علی (ع) فراهم ساخته است؟

آیا میراث عظیم فرهنگی در کنار حضور یاران و صحابه پیامبر (ص) و علی (ع) در این منطقه سبب

۱۱. سید اسماعیل حمیری شاعر مشهور شیعی که درباره غدیر و دفاع از امیر مؤمنان شعر سروده است نوۀ دختری یزید ابن مفرّغ است. (وفیات الأعیان: ابن خلکان، ص ۳۵۳).

۱۲. تاریخ سیستان؛ با تصحیح و مقدمه ملک الشعرای بهار، تهران، چاپ کلاله خاور، ۱۳۱۴ ش، صص ۱۰۰، ۱۰۱.

ام‌لی نصرالله راوی نبرد و پایداری در لبنان

اغلب صاحب نظران آثاری را که در ادبیات پایداری بر جای مانده، زیرمجموعه ادبیات متعهد قرار می دهند که البته این شمارش به سبب وجوه مشترکی است که این آثار با آن ادبیات دارد، اما از آنجاکه پایداری اغلب در برابر تصرف غیرمشروع نیروهای متجاوز حاصل می آید، ادبیات پایداری را می توان ثمره برومند ادبیات جنگ دانست. از همین رو مقاله حاضر درصدد است به روش توصیفی-تحلیلی داستان جنگ را در آثار ام‌لی نصرالله (۱۹۳۱-۲۰۱۸) بانوی صاحب قلم لبنان بررسی کند تا به ثمره برومند آن، که پایداری است، دست یابد. این نویسنده نام آشنا از ۱۹۶۲م که نخستین داستان بلندش را به زیور طبع آراست تا سال ۲۰۱۸م، داستان های بلند و کوتاه بسیاری را به قلم تحریر کشید که در ساحت های گوناگون قابل ارزیابی است. یکی از موضوعاتی که ایشان بدان پرداخته و داستان های کوتاه و بلند متعددی را درباره اش بر جای نهاده، حادثه جنگ داخلی لبنان است. این داستان ها موضوع پژوهش حاضر قرار گرفته اند تا استراتژی مقاومت ضمن پرداختن به داستان جنگ داخلی لبنان آشکار شود. مهم ترین نتیجه پژوهش حاضر روایت دگرذیسی جنگی است که با قلم توانای ام‌لی نصرالله هندسه بدجشمش نمودار شد و به روایت اشغال بیروت و تجاوز نظامیان صهیونیست به لبنان کشیده شد. نویسنده سپس با پرداختن به حادثه ناگوار جنگ داخلی بن مایه پایداری را، که باعث ناکامی چشمداشت های رژیم صهیونیستی در لبنان شد، در ادبیات جنگ بر ملا کرد.

واژگان کلیدی: جنگ داخلی لبنان، داستان جنگ، ام‌لی نصرالله



۱. مقدمه

قرن بیستم بیش از هر سدهٔ دیگر به موازات پیشرفت‌های انسان معاصر، شاهد تخاصم بشر بوده که به دو جنگ خانمان سوز اول و دوم انجامید. دو جنگ جهانی به فاصلهٔ ۲۰ سال از یکدیگر، نه تنها سرنوشت ملل را تحت الشعاع قرار دادند بلکه تحولی شگرف در ادبیات پدید آوردند. در نتیجه، آثار شاعران و نویسندگان تحت تأثیر آن دو جنگ قرار گرفتند و ادبیات جنگ - با نام‌های مختلف و به فراخور نقش و موضع‌گیری نسبت به جنگ - ولادت یافت.

گفتنی است که یکی از حوادث ممکن در وقوع جنگ، یورش طرف مقابل به شهرها و هدف گرفتن مواضع شهری است و طبعاً آمار قربانیان این جنگ با جان باختن غیرنظامیان افزایش می‌یابد و ضمن وارد آمدن خسارت مالی و جانی گسترده، متخاصم درصدد ایجاد جنگ روانی برمی‌آید. البته موفقیت این روش، که به جنگ شهرها مشهور است، درگرو عوامل بسیاری است، زیرا طرف مقابل از بیرون مرزها یورش آورده و به روشنی نام متجاوز به خود می‌گیرد. (میرعابدینی، ۱۳۸۶، ج ۳: ۹۱۰)

اما گاهی شهرها صحنهٔ درگیری می‌شوند و دو طرف متخاصم شهروندان یک مرزوبوم هستند.

طرفین جنگ بر اثر اختلافات گروهی و طایفه‌ای و دسته‌بندی‌های حزبی و دلایل دیگر در برابر یکدیگر قرار می‌گیرند و احیاناً توسط صاحبان منافع جنگ بیش از پیش تحریک می‌شوند. این روش تخاصم جنگ داخلی نام گرفته و بسا ممکن است مانند

جنگ بسوس اعراب جاهلی (ضیف، ۱۹۶۰م: ۶۵) سال‌ها به درازا کشد.

جنگ داخلی لبنان که دهه‌های ۷۰ و ۸۰ میلادی را درنوردید و خسارت‌های جانی و مالی فراوانی در کشور برجای گذاشت (نصرالله، ۲۰۰۶م: ۱۷۵)، تأثیر شگرفی بر ادبیات جنگ نهاد و داستان‌های کوتاه و بلندی که ره‌آورد آن جنگ بود، به قلم نگارش ادیبان درآمد (شعبان، ۱۹۹۹م: ۱۵۸) که از جمله ایشان بانو [املی نصرالله] است. (صیداوی، ۲۰۰۳م: ۱۱۱-۱۱۸)

املی ابوراشد مشهور به املی نصرالله دهه ۳۰ قرن بیستم در روستای کفیر واقع بر دامنه غربی کوه شیخ در جنوب لبنان چشم به جهان گشود. او پس از تحصیلات مقدماتی و دبیرستان به دانشگاه راه یافت و هم‌زمان به روزنامه‌نگاری پرداخت و در ۱۹۵۸ مدرک کارشناسی خود را دریافت کرد. بانو املی یکی از نویسندگان مقالات مجله صوت المرأة بوده که در سال ۱۹۴۴م تأسیس شد. (زیدان، ۱۹۹۹: ۶۹۱)

بانو املی در ۱۹۸۲م شاهد سوختن و ویرانی منزل خانواده خویش در جنوب لبنان توسط نظامیان متجاوز صهیونیست بود که جنوب کشور را به هدف سقوط پایتخت اشغال کرده بودند. (حطیط، ۲۰۰۴م: ۴۹) او نه قبل از آن حادثه و نه پس از آن، دست از نوشتن نکشید. به نظر می‌رسد بانو در این دوره به دو موضوع جنگ و مهاجرت توجه داشته و از همین رو به شایستگی از عهده حادثه‌پردازی داستان بلند پرواز برعکس عقربه زمان ۲ برآمده و تلفیق موفقی را از دو حادثه بدشگون جنگ و مهاجرت ناخواسته در این داستان خویش به ودیعه نهاده است.

این نویسنده توانا که در پی آتش‌سوزی منزل پدری در آن تجاوز، شاهد تباه شدن نسخه‌های خطی

۱ زیدان در کتابش تاریخ ولادت او را ۱۹۳۵م ذکر کرده است، اما این تاریخ اغلب در فضای اینترنت، سال ۱۹۳۱م است.
۲ ترجمه فارسی کتاب الاقلاع عکس الزمن با عنوان پرواز برعکس عقربه زمان در سال ۱۳۹۹ انتشار یافته است.

ارزشمندی بود که میراث خانوادگی به شمار می‌آمد، در طول جنگ داخلی که بسان تب نوبه اهالی بیروت را درگیر کرد، از این شهر مهاجرت نکرد و از همین رو با چشم و گوش و دل و خرد خویش شاهد واقعیت هولناک نبردی بی‌هویت شد. او در مقدمه رمان آن خاطره‌ها^۳ می‌نویسد: «با شعله‌ور شدن آتش جنگ و گذشت ایام، حوادثی به وقوع پیوست و معادلاتی شکل گرفت که در خرد نمی‌گنجید. بسیاری از دوستان و آشنایان رنج مهاجرت بر خود هموار ساختند و من در صدد برآمدن تا خود و خانواده را از جنگی که بسان تب نوبه دامن‌گیرمان شده بود، در امان دارم. از این رو شروع به نگارش داستان‌هایی نمودم. پس از مارس ۱۹۷۶م بر آن شدم تا روز شمار جنگ را به تحریر کشم و احساسم را نسبت به تلخی و دشواری آن ایام بیان دارم.» (روشنفکر، ۱۳۹۳: ۸۵)

بانو املی در گفت‌وگویی با یسری الامیر درباره شرایط دشوار زندگی در میان ستیزه‌جویان بیرونی چنین می‌گوید: «از ۱۹۸۴ تا ۱۹۸۵م درگیری افراد گروهک‌ها پیرامون منزل من بود و شبه‌نظامیان برای شکار قربانی خود، به پشت بام می‌رفتند و نمای منزل هم گلوله باران می‌شد و ما در خانه خود زندانی شده بودیم.» ایشان سپس درباره نگارش داستان جنگ ادامه می‌دهد: «من نویسنده داستان بلند هستم. داستان‌های کوتاه را در فرصت میان دو داستان بلند می‌نویسم. من رمان جنگ نوشتم، اما نه با شتاب، زیرا قادر نیستم قلم و زغال شعله‌ور را در دست نگه دارم. پس فرصتی می‌طلبم تا ذهن صاف شود و بتوانم نگاهی زلال به موضوع داشته باشم.» (info@al-adab.com نشریه الکترونی الاداب: ۱۳۹۹/۱۰/۱۰)

ایشان درباره مجموعه داستان توشه روزانه^۴ ما

۳ ترجمه فارسی کتاب تلك الذکریات با عنوان آن خاطره‌ها در سال ۱۳۹۳ انتشار یافت.

۴ ترجمه فارسی کتاب خبزنا الیومی با عنوان توشه روزانه ما در سال ۱۳۹۸ انتشار یافت.

نصرالله در شخصیت اصلی طیور ایلول یاد کرده و با اشاره به رضوان، که قهرمان داستان است، قائل به حضور نمادین وی به عنوان غربت نشین یا هر انسانی است که تعلق به آب و خاک موضوع معتنابه اوست. وی معتقد است بانو نصرالله با صداقت و تجربه ژرف زن شرقی از بحران‌های مشرق زمین رنجور بوده است.

- شوقی، بدریوسف، ۲۰۱۶، انطولوجیا القصه القصیره النسویة اللبنانية، بی‌جا: ۲۷-۲۳.

- رستم‌پور، رقیه و همکاران، ۱۴۴۱ق، التقاطب المکانی فی روایة طیور ایلول لاملی نصرالله، تهران، مجله دانشگاه خوارزمی، مجلد ۱، عدد ۲: ۱۶۵-۱۴۳.

۳. بحث و بررسی

۳-۱. نظر بانو املی نصرالله درباره داستان

جنگ

جنگ داخلی لبنان به عنوان یک کنش اجتماعی پذیرفته شده از سوی طرف‌های درگیر باعث شده که اهالی قلم با احساس غربت، تفرقه و سرافکنندگی تمام همت خویش را صرف درگیری و کشتاری کنند که دامنگیر پایتختی دوپاره شده بود، ازهمین‌رو وجه همتشان بر محکومیت جنگ داخلی و بیان آلام خونین آن قرار گرفت. (العید، ۱۹۹۳م: ۲۹) گویی قلم‌ها با واری جراحات‌های جامعه جنگ‌زده درصد گردآوری پیکر پاره‌پاره جامعه و روان شرحه‌شرحه شهروندانی بودند که نمی‌توانستند از گرداب خون‌رهای یابند. ازهمین‌روست که بانو املی نصرالله در مقدمه رمان آن خاطره‌ها منطق جنگ و ستیزه‌جویی را رد کرده و می‌گوید: «اود فی بدایه کلامی أن اؤکد رفضی المطلق لمنطق الحروب من ای نوع کانت.» (نصرالله، ۱۹۸۶م: ۹) ترجمه: در آغاز سخن دوست دارم مؤکداً منطق جنگ را (از هر نوعی) رد کنم. (نصرالله، ۱۳۹۳: ۷)

داستان کوتاه «انفجار» آن که در ادامه بدان خواهیم پرداخت، می‌گوید: «من انفجاری را که در سوپرمارکت دیدم، وصف کرده‌ام. آن انفجار باعث سردردی لعنتی شد و با خود گفتم که از این درد رها نمی‌شوم، مگر آنچه که باعث صدمه‌ام شده، بنویسم. پس نشستم و داستان را نوشتم.»

ناگفته پیداست که املی نصرالله افزون‌برآنکه «مام رمان عربی» است، شاهد شکلیا و مقاوم بزم نامیمونی است که بیگانگان متجاوز را به میهن کشاند. ازهمین‌رو پرسش اصلی پژوهش حاضر آن است که استراتژی بانو املی نصرالله در نگارش داستان جنگ چگونه شکل گرفت و در چه نتایجی به بار نشست؟

۲. پیشینه پژوهش

آثار بانو املی نصرالله از زمانی که وارد بازار ادبیات و فرهنگ شد، مورد استقبال اهل ادب قرار گرفت و مجموعه‌ای شایان ذکر از مقالات و کتاب‌هایی در نقد و بررسی آثار ایشان موجود است که برخی از آنها در ذیل گزارش می‌شود:

- ابی شقراء، شوقی، ربیع ۱۹۶۳م، العفویة غیرالمحدودة- طیور ایلول، بیروت، فصلنامه ادب (س ۲ ع ۳): ۱۲۱-۱۱۹.

- السعید، امینه، شباط ۱۹۶۳م، طیور ایلول لون من الادب العفیف، بیروت، الصیاد: ۳۰-۲۸.

- جواد، محسن، دیسمبر ۱۹۸۳، قراءه فی روایة الباهرة (س ۱ ع ۱۲): ۱۱۹-۱۱۷.

- دعکور، ندیم، تموز ۱۹۸۷، مقابله الزمن الروائی بطرح المسألة نقدیاً من طیور ایلول الی الاقلاع عکس الزمن، بیروت، الانوار، (س ۲۸ ع ۶): ۸.

- عید، منصور، ۱۹۹۵م، قضایا انسانیة فی روایات املی نصرالله، بیروت، دارالفکر اللبنانی.

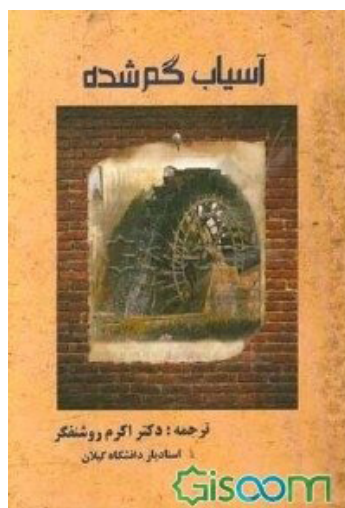
منصور عید در این کتاب، از حضور عاطفی بانو

قلمی که گویی مرکب از آب پیاز ساخته، در نور شمع تذکرش نرم نرم هویدا می‌شود.

۲-۳. روایت بانو املی نصرالله از جنگ

نخستین ایستگاه بانو املی در روایت جنگ، رویداد بدشگون جنگ جهانی است که او در آتش پنهان ۶ از آن سخن گفته و آسیب‌هایی را که بر مردمش تحمیل شد، برمی‌شمارد و از کمبود ارزاق، تعطیلی حرفه‌ها، فقر و مسکنت و شیوع بیماری می‌گوید: «و الحرب التي راقب اهل الجورة أحداثها من بعيد، لم توقّرهم بل لامست اعماق حياتهم و بدلت احوالهم فبارت الارزاق و توقفت الاشغال و غزا الفقر البيوت مثلما غزا الجراد الحقول فأكل الأخضر واليابس كما قال شاهين البيري شيخ المعمرين... وهذا ما حصل لجورة السنديان: انقطع الشريان الذي كان يصلها بالمهجر و توقفت المساعدات و اختفى السكر و الصابون و اصاب الناس الجرب خصوصا الاطفال و غزا القمل رؤوسهم و حتى ضروع الابقار و المواشي ضربها الشخ و امتنعت عن العطاء...» (نصرالله، ۲۰۰۰: ۱۵-۱۴) ترجمه: اما جنگ برای اهالی جوهره که رویدادهایش را از دور دنبال می‌کردند، نه تنها چیزی نداشت بلکه اعماق زندگی‌شان را هم تحت تأثیر قرار داده و اوضاع و احوالشان را دگرگون نمود؛ ارزاق عمومی کم، مشاغل تعطیل و فقر مانند ملخ‌هایی که به مزارع هجوم می‌برند، به خانه‌ها یورش برد و به گفته شاهین البیری شیخ سالخوردگان تر و خشک را نابود کرد... آنچه عابد جوهره السندیان شده بود: شریانی که آن را به مهجر متصل می‌کرد، قطع شد و کمک‌ها متوقف گردید. شکر و صابون و... کم‌یاب شد. مردم و به ویژه کودکان به بیماری پوستی مبتلا شدند و سرشان شپش گذاشت. حتی پستان گاوها

به این ترتیب نگارش داستان جنگ از نظر بانو املی به منظور پذیرفتن منطق جنگ است. از همین روست که او وقتی داستان روزشمار گربه‌ها را برای نوجوانان می‌نویسد، موضوع جنگ را انتخاب می‌کند تا از آن سخن گوید. پس در پاسخ به خُرده‌گیری صاحب‌نظران می‌گوید: «يقول بعضهم: ايام الحرب يجب أن تُمحى من الذاكرة و تُطوى صفحاتها نهائيا. هذا رأي. أما أنا فاقول: يجب أن



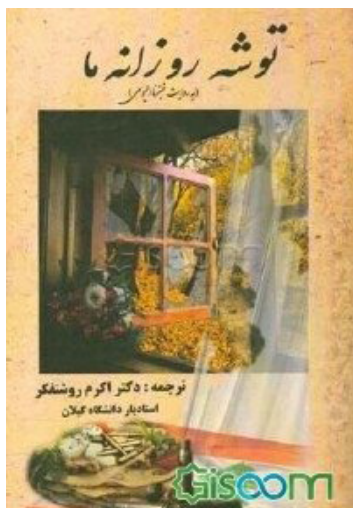
تذکر، لنعتبر وربما ليكون الماضي أمثولة لاجيال الغد...» (نصرالله، ۱۹۹۹: ۵-۶) ترجمه: برخی می‌گویند: روزهای جنگ باید از خاطره جمعی پاک گردد و طومارش در هم پیچد. این نظری است، اما من می‌گویم باید آن را به یاد آورد تا مایه عبرت شود و بسا روزگار گذشته درسی برای نسل‌های آینده باشد. (نصرالله، ۱۳۹۳: ۷)

در نتیجه، بانو املی منطق جنگ را نمی‌پذیرد، اما یادآوری مصایب آن را موجب عبرت‌اندوزی و پندآموزی می‌شمرد. پس کالک روایی بانو املی با

۵ ترجمه فارسی کتاب یومیات هر با عنوان روزشمار گربه در سال ۱۳۹۳ انتشار یافت.

۶ ترجمه فارسی کتاب الجمر الغافی با عنوان آتش پنهان در سال ۱۳۹۴ انتشار یافت.

شنیده‌هایش دربارهٔ ستیزه‌جویی‌های جنون‌آمیز جنگ داخلی به تنگ می‌آید و با نابوری پرسش‌های مکرر و مخالفت‌های نافرجامی را ابراز می‌دارد. او نمی‌تواند درک کند که چرا تک‌تیراندازی که برای نشان دادن مهارت تیراندازی خویش سرکودکی را در آغوش مادر مسکینش هدف می‌گیرد و او را به قتل می‌رساند، کار خود را حادثه‌ای جالب می‌نامد؟ (نصرالله، ۱۹۸۶م: ۳۶-۳۵)



این پرسش‌ها و ده‌ها مشابه آن تا پاسی از شب، پاسخی ندارد. از همین رو میزبان حنان می‌گوید: «تریدین آن‌اشرح لک فی هذه الساعات المتبقية من الليل اسباب افطع حرب عرفها شعبنا؟ لماذا اُكثرین الاسئلة یا حنان؟» (همان: ۳۳) ترجمه: آیا می‌خواهی در این ساعات باقی‌مانده از شب دلایل زشت‌ترین جنگی را که ملت ما به خود دید، برایت توضیح دهم؟ حنان! چرا این قدر سؤال می‌پرسی؟ فهمیدن این موضوع چه سودی به حالت دارد؟ (نصرالله، ۱۳۹۳: ۲۷)

در واقع، مهاجران لبنانی در دو جمع مذکور که در آثار بانو املی پراکنده شده‌اند، دسته نخست

و چهارپایان نیز بخیل شد و از بخشش خودداری کرد. (نصرالله، ۱۳۹۴: ۱۰)

بانو املی، که خود به اقتضای سن شاهد جنگ جهانی نبود، سند سخن را در آتش پنهان به نسل سپیدموی رسانده تا به منظور باورپذیری داستان، رشتهٔ روایت را به آنان سپارد و با شخصیت‌پردازی سزا، از ایام دور سربازگیری حکومت عثمانیان و خدمت اجباری نسل جوان شهری و روستایی در جنگ جهانی سخن به میان می‌آورد. او با پرداختن به پدیدهٔ مهاجرت ناخواستهٔ نسل جوان، به صدمات حاصله از جنگ جهانی در خطهٔ شامات و کوچ مردم راه می‌برد و گه‌گاه از موضوع مهاجرت به عنوان مانور بهره می‌جوید تا نرم‌نرم از استراتژی روایی خویش چهره گشاید. چنان‌که در مان پرواز برعکس عقربهٔ زمان از مهاجرت مردم کشورش در دو بازهٔ زمانی سخن می‌گوید. بازهٔ نخست زمانی است که برادر زن رضوان (قهرمان داستان) از اجباری عثمانیان گریخت و تن به مهاجرت سپرد. (نصرالله، ۱۹۸۴: ۲۳۰) و بار دوم زمانی که مردم برای گریز از جنگ داخلی لبنان تن به سفر داده و در فرودگاه بین‌المللی بیروت باروتنه پراکندند. (همان: ۳۱) به این ترتیب، مهاجرت ناخواستهٔ شهروندان لبنانی از شهر و دیار خویش که همان کوچ اجباری است و از طرف جنگ‌طلبان بر مردم تحمیل می‌شود، نخستین آسیب جامعهٔ جنگ‌زده است که با روایت بانو املی در داستان‌های او رخ می‌نماید.

البته بانو املی از مهاجرت‌هایی نیز سخن گفته که به خواست فرد مهاجر صورت پذیرفت، اما این مهاجرت نیز وقتی به بازگشت می‌انجامد و فرد مهاجر به میهنی برمی‌گردد که در آتش جنگ داخلی می‌سوزد، آسیب روانی مترتب بر شهروندان جنگ‌زده، به نوعی دیگر در وی رخ می‌نماید. از همین رو حنان، قهرمان رمان آن خاطره‌ها، از

شهروندان لبنان را تشکیل می‌دهند و دسته دوم جمعیتی متکثرند که با وجود تفاوت افکار و سلیقه‌های گوناگون در دو گروه بزرگ شناسایی می‌شوند. گروه اول را بانو املی در داستان کوتاه «آسیاب گم‌شده» از کتابی به همین نام ۷ شناسایی کرده و می‌گوید: «منذ اشهر و دنياها تدور بها و هي تلتي ارادات الغير: الذين فرضوا على بلدها الحرب. الذين دكوا منزلها. الذين شردوا اولادها. الذين سلبوها النوم والاحلام ثم ما تبقى من متاع الدنيا...» (نصرالله، ۱۹۸۵م: ۶۸) ترجمه: ماه‌هاست که دنیایش به دور او می‌چرخد، درحالی که به درخواست دیگران پاسخ می‌دهد: کسانی که جنگ را به کشورش تحمیل کردند. کسانی که خانه‌اش را ویران کردند. کسانی که فرزندانش را آواره کردند. کسانی که خواب و رؤیا و هر آنچه از توشه دنیا مانده بود، از او سلب کردند. (نصرالله، ۱۳۹۸: ۴۸)

ایشان اداره‌کنندگان جنگ هستند که در مراتب پلکانی گوش به فرمان مرتبه مافوق خویش‌اند، چنان‌که در آن خاطره‌ها آدم‌کشی که با حنان در محفلی به گفت‌وگو نشسته، در اثر شکر و مستی رازش را فاش می‌کند: «... قلت ذلک فی نفسی و شدت علی العنق... و عادت اصوات القادة تبارکني: افتک بهم قبل ان یفتکوا بعائلتک...» (نصرالله، ۱۹۸۶م: ۲۰) ترجمه: این سخنان را با خودم گفتم، درحالی که گردنش را شدیدتر فشار می‌دادم... طنین صدای فرماندهان بازگشته و مرا تأیید می‌کرد: آنها را بکش، پیش از آنکه خانواده‌ات را بکشند. (نصرالله، ۱۳۹۳: ۱۶)

البته تیزهوشی این نویسنده داستان جنگ داخلی لبنان بیش از آن است که متوقف بر شناسایی اجیرکنندگان آدم‌کش‌ها باشد، لذا وی رتبه اعلای ۷ ترجمه فارسی کتاب الطاحونة الضائعة با عنوان آسیاب گم‌شده در سال ۱۳۹۸ انتشار یافت.

این گروه را در موقعیت داستان کوتاه «نحن بخیر» از مجموعه داستان آسیاب گم‌شده افشا می‌کند و می‌گوید: «خرجنا تحت وابل القنابل. كانت الحرائق تشتعل فی الابنية المجاورة فی الحقائق و المستودعات و السماء تمطر قنابل جديدة من احدث ما ابتكره العقل الحضاری المتطور...» (نصرالله، ۱۹۸۵م: ۷۹) ترجمه: زیر بارش شدید بمب‌ها از خانه خارج شدیم. آتش در ساختمان‌های مجاور، باغ‌ها و انبارها زبانه می‌کشید و آسمان بمب‌های جدیدی را می‌بارید که محصول ابتکار عقل پیشرفته و مدنی بود. (نصرالله، ۱۳۹۸: ۵۶)

ناگفته پیداست که بانو املی به وضوح ماشین جنگی ستیزه‌جویی را در لبنان مجهز به بمب‌های مدرنی می‌داند که زرادخانه غرب در صدد آزمایش کارایی آنها برمی‌آید (نصرالله، ۱۹۸۶م: ۲۱۱) و آنان به جنگ داخلی لبنان به عنوان بازار مناسب و پرسود این کالاها دامن می‌زنند، اما نه کار اداره جنگ داخلی لبنان در چنین موقعیتی متوقف می‌شود و نه بانو املی نصرالله از تیزبینی خویش در به دست دادن سرخ شناسایی جنگ‌افروزان دست می‌شوی. از همین روست که نویسنده در آن خاطره‌ها به توسعه‌طلبی صهیونیست‌ها و تجاوز آنان راه می‌برد و می‌گوید: «أجبتہ بأنی لم افتح المذیاع فہڑ رأسہ و تابع حدیثہ مع نفسہ: قال حرب... قال... سوف یأکلونها علی رؤوسہم... اسرائیل لا تقهر...» (نصرالله، ۱۹۸۶م: ۱۷۰) ترجمه: در جوابش گفتم که اصلاً رادیو را روشن نکردم، سرش را تکان داد و سخنش را با خود ادامه داد: گفت جنگ؛ گفت... همه چیز را بر سر آنها خراب می‌کند... اسرائیل شکست‌ناپذیر است. (نصرالله، ۱۳۹۳: ۱۳۸) به این ترتیب متحدان صهیونیست‌ها اعم از جنگ‌طلبان داخلی و بورس‌بازان اسلحه و مهمات در غرب، در گروه اول تخاصم در لبنان قرار می‌گیرند.

پسر خانواده که پس از سال‌ها انتظار روزی پدر و مادرش شد و با تنگنای مالی والدین درس خواند و پزشکی شد، به گمان آتش بس طرفین نزاع، از پناهگاه بیرون می‌آید تا خود را به پارکینگ منزل منتقل کند که از تیر و ترکش در امان بماند، اما خمپاره‌ای جاننش را می‌ستاند: «وجدوه ملتصقا بالجدار و السماء تمطر قنابل و صواریخ. أجل کان الرصاص پنهمر مثل المطر وید ابیه تلملم بقایه و تجمعها فی الحزن...» (نصرالله، ۱۹۸۵: ۲۱۳) ترجمه: او را چسبیده به دیوار پیدا کردند، در حالی که از آسمان بمب و موشک و گلوله می‌بارید. به! گلوله مثل باران می‌بارید و دست پدرش بقایای [پیکر] او را جمع می‌کرد و در آغوش می‌گرفت. (نصرالله، ۱۳۹۸: ۱۴۴)

گویی این مردم حق زندگی کردن را از دست داده‌اند، زیرا هر لحظه در معرض خطرند. از همین رو شخصیت داستان کوتاه «الفصل الاخیر» می‌گوید: «... و حظ المرء فی أن ینتهی بانفجار قبله او سیارۀ مفخخه بات اقرب من حظه فی أن ینتهی نهاییه طبیعیه.» (نصرالله، ۱۹۸۵: ۱۶۷) ترجمه: شانس فرد در اینکه زندگی‌اش با انفجار بمب یا اتومبیلی بمب‌گذاری شده پایان یابد، بیش از آن است که به‌طور طبیعی به پایان رسد. (نصرالله، ۱۳۹۸: ۱۱۲)

به نظر می‌رسد وخامت اوضاع تا آن حد بوده که مرگ سایه به سایه شهروندان لبنانی را همراهی می‌کرد. از این رو، بانو املی در داستان کوتاه «نحن بخیر» از مجموعه آسیب‌گم‌شده و داستان کوتاه «المعابر» از مجموعه خزینا الیومی از هنگامی یاد می‌کند که بیروت شکاف برداشت و تنها راه عبور از شرق بیروت به غرب شهر معبری پر مخاطره شد که در رصد جنگ‌طلبان تک‌تیرانداز قرار گرفت و جان شهروندان را می‌ستاند. از همین رو شخصیت داستان دربارۀ انتظارش برای نوبت مرگ می‌گوید: «انها المصادفۀ أنا سلمت لکنّ سوای رحل. الیوم کان دورهم و

گروه دوم از دستۀ دوم شهروندان لبنانی عموم مردم‌اند که با تنوع آسیب‌هایی که از جنگ داخلی دیده‌اند، جمعیت متنوعی را تشکیل می‌دهند. بانو املی با شکیبایی ستودنی طی حوادث مختلف داستان‌های کوتاه و بلند بدین آسیب‌ها اشاره می‌کند و از آنجا که جنگ داخلی لبنان ماهیتی هرج و مرج‌گرا داشته و بسا که مطالبات مشخصی از سوی فرد متخاصم بروز نمی‌نمود و شمار چشمگیری از قربانیان داستان جنگ داخلی هدف‌هایی برای آزمون مهارت کشتار جنگ‌طلبان قرار می‌گرفتند. از همین رو، بانو املی در آن خاطره‌ها درباره‌ی تک‌تیراندازی سخن می‌گوید که با هدف‌گیری سر کودک در آغوش مادر، درصدد نشان دادن مهارت تیراندازی خویش برمی‌آید، یا در داستان کوتاه «الرصاصه تکتب قصه» از مجموعه توشه روزانه ما به شرح بازی دارت تک‌تیراندازی می‌پردازد که برای تسلا ی خویش و آزمودن مهارتش با گلوله سرخ، سوراخ‌های گشوده را در نمای آپارتمان مسکونی شهروندان بی‌سلاحی هدف می‌گیرد و خرد و کلان را در معرض خطر قرار می‌دهد و نویسنده درباره‌ی آن می‌گوید: «بل شعرت بالسلیقه أن هذا الانسان المجهول یحاول اثبات مهارته...» (نصرالله، ۱۹۹۰: ۵۹) ترجمه: بلکه با ذائقه دانستم که این شخص ناشناس درصدد برآمده مهارتش را ثابت کند. (نصرالله، ۱۳۹۸: ۴۱) او با ذکر این حادثه، از ناامنی راه‌یافته به درون خانه، که دام‌گیر تعدادی زن و کودک شد، سخن گفته و زمان و مکان و حالت روانی شخصیت‌های داستان را به دقت وصف می‌کند و با ذکر اوقات دشوار ایامی که در هراس و دلهره گذشت، به دریافت کامل آن شرایط هولناک یاری می‌رساند.

با این حال، حادثۀ داستان کوتاه «الطائر الاخضر» از مجموعه آسیب‌گم‌شده، از تفریح خطرناک آن تک‌تیرانداز جنگ داخلی اسف‌بارتر است، زیرا تنها

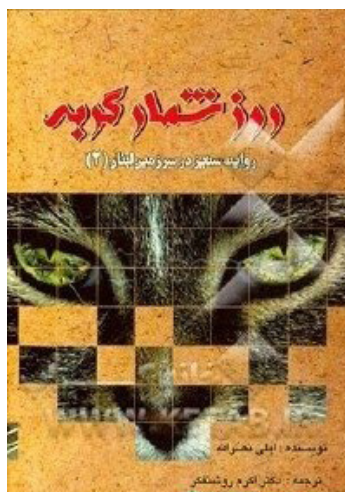
من یدری متی یجیء دوری. لا یمكننا ان ننسی هذا لحظة واحدة.» (نصرالله، ۱۹۹۰م: ۲۳) ترجمه: تصادفی بود. من سالم ماندم، اما دیگران رفتند. امروز نوبت آنان بود. که می داند چه وقت نوبت من می رسد. نمی توانیم این را لحظه ای فراموش کنیم. (نصرالله، ۱۳۹۸: ۱۸)

البته جان باختن شهروندان متوقف بر این قبیل مرگ مفاعیات نیست، زیرا دستان خون آلود جنگ بسا بار بودن شهروندان بی سلاح از آستین تروریست ها بیرون می آمد. از همین رو بانو املی

کانون الثانی سنه ۱۹۷۶ و بعد انقضاء ثلاث و ثلاثین ساعة على عملية الخطف عثر احد السائقين على جثة المغدور به ملقاة على قارعة الطريق فسارع إلى مخفر حاصيبا وأبلغ المسؤولين...» (نصرالله، ۱۹۸۴م: ۳۶۴) ترجمه: حوالی ساعت شش صبح بیستم فوریه ۱۹۷۶م پس از گذشت سی و سه ساعت از آدم ربایی، یکی از رانندگان جسد شخص اغفال شده را که بر کف جاده افتاده بود، یافت. پس به پاسگاه حاصیباف رفت و به مسئولان خبر داد. (نصرالله، ۱۳۹۹: ۲۰۸)

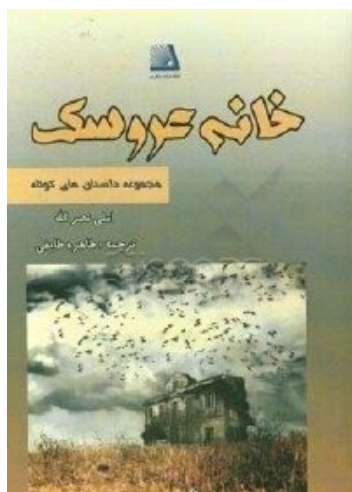
در واقع، این مرگ اسف بار تنها سرنوشت پدر بانو املی نصرالله نبود، زیرا نویسنده در داستان کوتاه «مجهول الهوية» از مجموعه داستان توشه روزانه ما به موردی مشابه می پردازد. پس کسانی به چشم داشت تصرف منزل بانویی تنها، از بلبشوی جنگ داخلی بهره جسته و بارها او را تهدید می کنند که منزلش را رها کند و در نهایت، تروریست ها با یورش به منزلش، او را دست و پای و دهان می بندند تا جان سپارد: «... کانت مغلوله الیدین والساقین معصوبه العینین، مکوموه الفم، مرضضه الجسم وفاقده وعيها. اقتربت أجس نبضها لتأكد بأن فيها رمقا من حياء، بینما سارع الرقيب إلى قص الحبال التي كبلتها...» (نصرالله، ۱۹۹۰م: ۴۶) ترجمه: دست و پایش را بسته بودند. چشمانش باندپیچ بود و پوزبندی بر دهان داشت، تنش کوفته بود و هشیاری نداشت. نزدیک شدم و نبضش را گرفتم تا مطمئن شوم، رمقی از زندگی در وی هست. درحالی که افسر نگهبان شتافت تا طناب هایی را باز کند که بانو با آن بسته شده بود. (نصرالله، ۱۳۹۸: ۳۳)

کاملاً هویدا است که ترور در جنگ داخلی لبنان اشکال مختلفی می یابد و تروریست ها در مقام شکارچیان انسان روش های گوناگونی را تدارک دیده بودند. از همین رو بانو املی نصرالله (چنان که پیش تر



نصرالله در رمان پرواز برعکس عقربه زمان، که طبق گفت و گوی تلفنی ایشان با نویسنده پژوهش حاضر برگ های پایان دفتر زندگی پدر خود اوست، از اقدام ناجوانمردانه ربابندگان قهرمان داستان سخن می گوید. آن در حالی است که رضوان (قهرمان داستان) از سفر دور خود بازگشته و طبق عادت روستاییان در منزل گشوده تا دوست و آشنا و بیگانه به دیدنش بیایند و این موقعیتی است که تروریست ها از آن بهره می جویند و او را دم در منزلش می ربایند: «و حوالی الساعة السادسة من صباح ۲۰

نشان دهندۀ انفجارهای بیشتری بود، از پناهگاهم می‌دیدم و لحظه به لحظه صدای فریاد مردمی را اعم از بزرگ و کوچک می‌شنیدم که از ساختمان روبه‌رو همان‌جا که آن بچه‌های پناهنده را جا داده بود، می‌آمد... از بس در طول شب بر سر محله‌ها و خانه‌ها بمب فرو می‌بارید، باورم نمی‌شد که صبح شود. گرمای هوا به سبب آتش‌هایی که از هر طرف شعله می‌کشید، بالا رفته بود. دود بینی‌ام را پر کرده بود. فهمیدم که شعله آتش از من دور نیست... (نصرالله، ۱۳۹۳: ۸۵)



بسیار طبیعی است که شهروندان برای درمان ماندن از آسیب‌های بمب و انفجار و حریق به پناهگاه روی کنند، هرچند گاهی پناهگاه که باید مأمن پناه‌جویان باشد، مکان مخاطره‌آمیزی خواهد شد. چنان‌که بانو املی در داستان کوتاه «نحن بخیر» از مجموعه داستان آسیاب گم‌شده از انفجاری سخن می‌گوید که در پناهگاه روی داد و باعث شد تا پناه‌جویان ناگزیر به ترک آن مکان شوند: «فقد سمعنا انفجارا تندلعل فوقنا و تتسرب السنتها إلینا مع كثافة الدخان من خلال ثغرة انفتحت فی جدار

در نقل مصاحبه ایشان اشاره شد) با وقوع انفجاری در سوپرمارکت، در صدد برمی‌آید تا در داستان کوتاه «انفجار» از مجموعه توشه روزانه ما به جسد متلاشی یکی از قربانیان آن انفجار جان بخشد و تکه پاره‌های پیکر مادری که به همراه طفل خود برای خرید هفته آمده بود، از آن فاجعه اسف بار سخن گوید: «أذكر أنني فتحت فمی ثم لم اعد اقوی علی إطباقه. شعرت به یتشقق ثم یخرج من مكانه. مددت یدی اتحسس الحقیقة فإذا بها قد طارت كذلك العربیة المحملة بالاغراض...» (نصرالله، ۱۳۹۰م: ۱۵) ترجمه: یاد می‌آید که دهان باز کرده بودم، اما دیگر توان نداشتم ببندمش. احساس کردم که شکاف خورد و سپس از جایش بیرون آمد. دستم را دراز کردم تا کیف را لمس کنم که ناگاه به هوا پرتاب شد و چرخ حمل وسایل... (نصرالله، ۱۳۹۸: ۱۳)

این جان‌بخشی برای سخن گفتن از ناگفته‌های جنگ داخلی لبنان متوقف بر پیکر متلاشی این مادر نیست، زیرا بانو املی در داستان بلند روز شمار گربه با استفاده از فن تشخیص، زبان آدمی را به گربه‌ای وام می‌دهد تا او از ویرانی جنگی سخن گوید که برآورد حجم آن از طاقت آدمی بیرون است. حیوان بیچاره روشنایی آتش شعله‌ور و ناله و فغان آدم‌هایی را می‌شنود و باور ندارد که صبح از راه برسد: «كنت من مخبأی المَح شعاعات النور و هی تلمع فی الفضاء المظلم تنذر بالمزید من الانفجارات و كنت بین الحین و الآخر اسمع صراخ الناس الکبار و الصغار یأتی من البناية المقابلة و التي تؤوی اولئک الاطفال اللاجئين... لم اصدق متی طلع فجر الیوم التالی، فقد ظلت القنابل تنهمر علی الاحیاء و المساکن طوال اللیل و ارتفعت حرارة الجو بسبب حرائق اشتعلت فی اکثر من جهة و تسرب الدخان الی خیاشیمی فادرکت ان الحریق لیس بعیدا عنا...» (نصرالله، ۱۳۹۹م: ۱۳۲) ترجمه: پرتو نوری را که در تاریکی هوا می‌درخشید و

۳-۳. استراتژی مقاومت در نگارش داستان جنگ

تاکتیک بانو املی در نگارش داستان کوتاه جنگ، عموماً براساس حادثه‌پردازی است و او در همین راستا، ۱۲ داستان کوتاه از ۲۳ داستان مجموعه آشیاب گم‌شده را به موضوع جنگ اختصاص می‌دهد. نخستین داستان با عنوان «الحصار» در توصیف خانواده‌ای روستایی در جنوب لبنان است که جنگ و تجاوزات رژیم صهیونیستی به جنوب آثار منفی بر زندگی روزمره آنان نهاده و نویسنده در آن توجه خواننده را به برج دیده‌بانی‌ای که در حومه جنوبی روستا بر فراز شده، جلب می‌کند تا داستان محدودیت تردد و منع عبور روستاییان را از حومه ده تا مناطق جنگلی، که هیزم خشک دارد، بیان کند. داستان دیگر مربوط به سربازی در منطقه نظامی حایل در جنوب لبنان خدمت می‌کند که تحت حاکمیت نیروهای بین‌المللی قرار دارد.

بانو املی در داستان کوتاه «نحن بخیر» با وصف صدای مهیب انفجار و اصابت گلوله توپ از دریا به ساحل و تخریب منازل و هر مکان مسقف و شکستن پنجره‌ها و سوختن بناها و کالاهای انتشار آتش و دود به ترس و وحشت حاکم بر شهروندان راه برده و شرایط فوق‌العاده بیروت را ترسیم می‌کند و خواننده را در جریان از بین رفتن کلیه امکانات مخابراتی قرار می‌دهد. او در داستان «رسالة الى آن جاكسون» به عنوان راوی-قهرمان در بیان شرایط دشوار زندگی در بیروت جنگ‌زده، از سرگشتگی و حیرت خویش پرده برداشته و درباره پاسخ به دوست مکاتبه‌ای‌اش می‌گوید: «من الآن سرگشته‌ام. چگونه می‌توانم پاسخ نامه آن عزیز را بدهم؟ برق محله ما قطع است ... و بمباران بی‌هدف ما را در پناهگاه، جان‌پناه، [پشت] سنگر خاکی و کیسه‌ها و بشکه‌های پر از شن گیرانداخته است. فرودگاه

الملجأ. ثم بدأنا نختنق وادرکنا اننا هالکان خلال دقائق اذا لم نغادر الملجأ...» (نصرالله، ۱۹۸۵: ۸۰) ترجمه: صدای انفجاری شنیدیم که ما را از روی زمین بلند کرد و به دیوار کوبید و وقتی چشمانمان را باز کردیم، دیدیم که آتش بالای سرمان شعله‌ور است و زبانه‌هایش همراه دود متراکم از لای شکافی که در دیوار پناهگاه ایجاد شده بود، سوی ما می‌آید... داشتیم خفه می‌شدیم و احساس می‌کردیم که اگر پناهگاه را ترک نکنیم، در عرض چند دقیقه هلاک می‌شویم. (نصرالله، ۱۳۹۸: ۵۷)

ناگفته پیداست که چنین جنگی که حتی به سازه پناهگاه هم رحم نمی‌آورد، در صدد آواره ساختن مردمی است که در خانه و کاشانه و حتی پناهگاه‌های دیار خویش مورد تهدید قرار می‌گیرند تا دست از ماندن بشویند. در همین راستا، بانو املی در داستان کوتاه «کنزها الصغیر» از مجموعه آشیاب گم‌شده به حکایت پرتکرار کوچ از منزل و آوارگی خانواده‌های لبنانی می‌پردازد: «انها المرأة العاشرة و ربما العشرون... لا تذكر. لقد تكررت الهجرة و باتت طلوع الفجر و خبز الحياء و اذا ماذا ينفع رصف الارقام؟ ... انها بيتها الجديد. عثرت عليه قبل شهرين، حين اضطرت الى ان تقترب اكثر من قلب العاصمة و ذلك بعدما بدأت النار تلتهم حواشي بيت آخر سکنته بعد هجرة...» (نصرالله، ۱۹۸۵: ۱۵۲) ترجمه: این دفعه دهم و یا شاید بیستم است... به یاد نمی‌آورد. مهاجرت را بارها تکرار کرده و مثل طلوع سپیده و نان شب شده، پس دیگر ردیف کردن ارقام چه فایده‌ای دارد؟ ... آن خانه جدیدش است. دو ماه پیش وقتی مجبور شد تا به مرکز پایتخت نزدیک شود، آن را پیدا کرد. آن وقتی بود که آتش شروع نمود اطراف خانه‌های دیگری را که از بعد مهاجرت ساکنش شده بود، می‌بلعید. (نصرالله، ۱۳۹۸: ۱۵۲)

بسته است. اتومبیل‌ها بمب‌گذاری شده، برخی هم مشکوک به بمب‌گذاری‌اند... (نصرالله، ۱۳۹۸: ۱۲۹)

نویسنده در داستان «بیت لیس لها» از همین مجموعه به موضوع آوارگی خانواده‌های لبنانی از دوزاویه می‌نگرد و قهرمانی را برمی‌گزیند که خانه و کاشانه‌اش را در بمباران از دست داده است: «أی منذ أن وقعت علی بیتها قذیفه من عیار لا تذکره... علی بیتها الجمیل وسط حدیقته الرائعة فی ضاحیه بیروت.» (نصرالله، ۱۳۹۸: ۲۱۸) ترجمه: یعنی از وقتی که بمب روی خانه‌اش افتاد با کالیبری که به یاد نمی‌آورد... روی خانه زیبایش وسط باغ باصفا در ضاحیه (نصرالله، ۱۳۹۸: ۱۴۸) و او را به خانه‌ای روان می‌سازد که دوستی از دوران دانشگاه کلید آن منزل را به او می‌دهد. آن منزلی است که صاحبانش آن را رها کرده و رفته‌اند.

به این ترتیب، دو کوچ در یک داستان رخ می‌دهد تا ظرفیت سخن نویسنده را افزون کند و او بتواند در کنار رفتن برخی از شهروندان از میهن جنگ‌زده، از ماندن شهروندانی سخن گوید که در طی جنگ در شهر و دیار خویش باقی ماندند، اما نه به منظور اشغال خانه و کاشانه دیگران - چنان که از نام این داستان هم برمی‌آید: خانه‌ای که از آن او نیست - بلکه از آن رو که به ضرورت قساوت یک جنگ تمام‌عیار، سبک زندگی خود را تغییر داده‌اند تا بتوانند دوام بیاورند. بانو املی به همین سبب، حوادث گوناگونی را در داستان‌های مختلف درباره چگونگی دوام آوردن شهروندان لبنانی در شرایط آن جنگ دشوار و فرسایشی تعریف می‌کند.

به نظر می‌رسد بانو املی با ایده دوام آوردن شهروندان لبنانی در شرایط دشوار جنگ، موقعیت‌هایی را در داستان‌های خود ایجاد کرده تا قهرمان (های) داستان راه تاب آوردن را در شرایطی که رفته‌رفته دشوارتر هم می‌شود، بیابند. از همین رو

شخصیت‌های داستان کوتاه «الرصاصه تکتب القصة» از مجموعه توشه روزانه ما که در معرض گلوله‌های تک‌تیرانداز قرار دارند، برای حفظ جان خود به اتاق دیگری در ساختمان پناه می‌برند. چنان‌که راوی تعریف می‌کند: «انحسرنّا جمیعنا صباح الیوم التالی و باکرا جدا جدا فی ملجأ آخر... غرفة محاطة بثلاثه جدران و مفتوحة علی جهة واحدة داخلية. کان هذا افضل الموجود... و نحن فی الیوم الثالث... بعض الجیران فضلن البقاء فی منزلی الواقع فی الطبقة الاولی خصوصا السیده الحامل و التي اتعبها القفز فی الیوم السابق ذلک لان الملجأ الجدید الذی اخترناه یقع بجوار غرفة الحمام...» (نصرالله، ۱۳۹۸: ۶۱) ترجمه: همه صبح روز بعد خیلی خیلی زود، در پناهگاهی دیگر جمع شدیم... اتاقی محدود به سه دیوار که به یک طرف - سمت داخل - باز بود. این بهترین چیز موجود بود... و ما در روز سوم بودیم. برخی از همسایه‌ها ترجیح دادند در منزل من واقع در طبقه اول بمانند، به‌ویژه بانوی باردار و آن که روز گذشته جهش اذیتش کرده بود. این از آن رو بود که پناهگاه نوبی که ما انتخاب کرده بودیم، کنار دستشویی بود. (نصرالله، ۱۳۹۸: ۴۶)

نویسنده استراتژی داستان‌های جنگ خود را بر شخصیت‌پردازی می‌نهد. از همین رو داستان کوتاه «البحث عن رنده» را با ماندن بانویی آغاز می‌کند که برخلاف شرایط دشوار زندگی در بیروت بر اثر تجاوز نظامیان صهیونیست به لبنان و حمله کشتی‌های توپ‌دار رژیم صهیونیستی به غرب بیروت، پیشنهاد همسرش را برای مهاجرت از کشور و اقامت در فرانسه نمی‌پذیرد. این داستان، که آخرین داستان از مجموعه آسیب‌گم‌شده نیز هست، ضمن بیان شرایط دشوار زندگی شهروندانی که قرار را بر فرار ترجیح دادند، انتظاری را به طول ۱۲ داستان کوتاه جنگ برمی‌آورد و نویسنده صریحاً از

نظامیان صهیونیست، که در صدد اجرای طرح زمین سوخته در لبنان بودند، نام برده و می‌گوید: «... فقد انقضت اربعة اشهر على اجتياح القوات الاسرائيلية لبنان و ما يقارب الشهرين على اجتياح تلك القوات الجزء الغربى من العاصمة...» (نصرالله، ۱۹۸۵: ۲۵۶) ترجمه: چهار ماه از تجاوز نیروهای اسرائیل به لبنان می‌گذشت و حدود دو ماه بود که آنان به بخش غربی پایتخت تجاوز کرده بودند. (نصرالله، ۱۳۹۸: ۱۷۴)

بانو املی ۶ داستان را در مجموعه خبزنا الیومی ذیل عنوان «تسجيل القصف المباشر بالكلمات» قرار داده و در آنها به زوایای مختلف فاجعه جنگ داخلی لبنان و «تجاوز رژیم صهیونیستی پرداخته که در ۱۹۸۲م صورت گرفت.» (ر.ک: نصرالله، ۲۰۰۶: ۲۴۱) او در این داستان‌ها در صدد برآمده تا ژرفای فاجعه‌ای را بیان کند که زندگی شهروندان غیرنظامی را تهدید کرده و افراد بسیاری را به کام مرگ فرستاد. هرچند نظامیان شورشی سعد حداد در طول جنگ داخلی لبنان طی عملیات نظامی با حمایت رژیم صهیونیستی به گسترش درگیری دامن زدند، اما تردیدی نیست که منظور بانو املی از کاربرد واژه «قصف» حمله نظامیان صهیونیست بوده و او با به‌کارگیری این واژه اشاره‌ای دقیق به بمباران هوایی جنگنده‌های رژیم صهیونیستی دارد که «عملیات نظامی خود را از بمباران بیروت آغاز کردند تا زیرساخت‌های لبنان را از میان ببرند. سپس با تجاوز نیروهای زمینی به مرزهای جنوبی تا شهر صیدا به پیشروی ادامه دادند.» (حطیط، ۲۰۰۴: ۴۷-۴۶)

تردیدی نیست آنچه بانو املی نصرالله را تشویق کرد تا درباره صورت‌های مختلف ایستادگی مردم در شرایط طاقت‌فرسای جنگی فرسایشی سخن گوید که به تجاوز دشمن ددمنش صهیونیست نیز انجامید، امیدش به آینده و فرج پس از شدت بود. از همین رو، وی در پایان رمان تلك الذکریات فصل

نویی می‌گشاید که شامل سروده‌های اوست و در آن آشکارا از امیدش به آینده سخن رانده، می‌گوید: «هذا الصباح مددنا ایدینا الى الرف المنسى / وانزلنا حينا دعونا ليقیم معنا / و يأكل على مائدتنا / و حينا كان له هذا الصباح / طعم الملح فوق الشواطئ الذهبية / ذکرنی بان لنا معا بقية ايام / لن يستطيعوا أن یسرقوها منا.» (نصرالله، ۱۹۸۶: ۲۲۸) ترجمه: در این صبح‌گاه دست‌هایمان را سوی طاقچه فراموش شده دراز کردیم / عشقمان را پایین کشیدیم و از آن دعوت کردیم تا با ما باشد / غذا بر سفره‌مان میل کند / عشق ما این سحرگاه / مزه نمک سواحل طلایی را داشت / به من یادآوری کرد که باقی ايام را با ما می‌ماند / نتوانستند آن را از ما بزدند. (نصرالله، ۱۳۹۳: ۱۷۷)

شایان ذکر است که امید به آینده در سراسر رمان آن خاطره‌ها پراکنده شده و هر قدر که داستان پیش می‌رود، راوی-قهرمان بذر امید را بر بستر سخن می‌افشاند. از همین رو، مها وقتی در مسیر خود به منطقه روزه بیروت می‌رسد، کنار بساط دست‌فروشان می‌ایستد و به فکر فرو می‌رود و درباره توان مواجهه آدمی می‌اندیشد: «فكرت أن الانسان القوى الجبار الانسان الذى لا تقهره الشدائد موجود هنا، فوق هذه البقعة من الارض. انه مزروع فى اعماق التربة مثل اشجار السندیان والارز فى الجبل. هذا الانسان لم تقتله الحرب ولن تستطيع اية قوة ان تمحو اسمه من سفر الوجود.» (نصرالله، ۱۹۸۶: ۹۶) ترجمه: به این فکر کردم که انسان قوی و توانمند که سختی‌ها بروی چیره نمی‌شوند، اینجاست. بر این تکه از زمین. او مانند درختان بلوط و سدر ارتفاعات در اعماق خاک ریشه دوانده است. جنگ این آدم را نکشت و هیچ قدرتی نمی‌تواند نام او را از صفحه روزگار محو کند. (نصرالله، ۱۳۹۳: ۷۹)

مها در جای دیگر نیز از پایداری آدمی در دشواری‌ها سخن رانده و باور نویسنده داستان را درباره

پناهگاه و دیوارهای خشک و سنگی آن صبرش را لبریز می‌کند، دست به قلم می‌برد و بر دیوار پناهگاه پنجره‌ای می‌کشد تا نیاز خود را به آزادی و نور بیان دارد. (نصرالله، ۱۹۸۵: ۲۳۳)

باید دانست که امیدواری بانوِ املی با ابتهالی دیرپا در وی قوام یافته و از این رو قهرمان داستان در «نحن بخیر» از مجموعهٔ آسیاب گم شده می‌گوید: «هذا كل ما بقي لنا، نحن المقيمین هنا فی هذا القلب النابیض المعذب من الكون، هذا كل ما بقي: الابتهاال و الصلاة.» (نصرالله، ۱۹۸۵: ۷۶) ترجمه: این تمام چیزی است که برای ما مانده، مایی که اینجا ساکنیم، در این قلب تندۀ غرق در عذاب بودن. این تمام چیزی است که باقی مانده: زمزمۀ ابتهاال و دعا. (نصرالله، ۱۳۹۸: ۵۴)

بانوِ املی با همین ابتهاال معهود خویش است که در داستان کوتاه «بیت لیس لها» از مجموعهٔ آسیاب گم شده پرسش‌های بسیاری را بر زبان قهرمان داستان می‌راند و سرانجام انتظاری در وی می‌آفریند که پاسخ پرسش‌هایش از جنوب کشور در رسد. از همین رو می‌گوید: «من أين تأتي تلك الاجوبه؟ أ من جهة الغرب؟ ... حيث ترتقی البحر سفن حربية تلفظ النار والدمار؟ أم من الشمال، حيث تهب الرياح الشمالية الصاقعة فتخترق مسام جسمها جارحة كحد السكين؟ أم من الشرق حيث تشتعل الجبهات و تلعلع اصداء القصف المدفعی و یزغرد الرصاص یخط فی الفضا بالاحمر و الاخضر و الاصفر الاسماء المرشحة للسقوط ... للموت؟ أم من الجنوب؟ من الجنوب؟ ...» (نصرالله، ۱۹۸۵: ۲۲۴) ترجمه: آن پاسخ‌ها از کجا می‌آیند؟ از سمت غرب؟ ... آنجا که کشتی‌های جنگی بر فراز دریا آتش و ویرانی بیرون می‌دهند، یا از شمال؟ آنجا که بادهای سرد شمال می‌وزند و سلول‌های بدنش را مانند زخم زدن نوک چاقو می‌شکافند.. یا از شرق؟ آنجا که جبهه‌ها شعله‌ورند

شکست‌ناپذیر بودن انسان در برابر مشکلات برملا کرده و او را موجی می‌شمرد که در مسیرش صخره را می‌کاود تا راهی بگشاید و به مسیرش ادامه دهد: «انا عشت لحظات القلق و لم أجد حتی الآن الاسلوب الملائم لتسجيلها. اقول لم شیئا واحدا یا حنان: الانسان مخلوق عجیب لا یقهرو ولا حد لطاقتة تحاولین ان تختمی علیه من زاویه ما فاذا به یتفجر فی عدۀ زوايا. إن قطرة الماء البسیطة الضعیفة تشبه الانسان. مثله تظل تحاول الوصول و مثله تجد دائما الطريق حتی ولو اعترضتها جدران الصخور.» (نصرالله، ۱۹۸۶م: ۱۷۶) ترجمه: من با لحظه‌هایی اضطراب‌زا زیستم، اما تاکنون روشی مناسب ثبتش پیدا نکردم. حنان! به تو یک چیز می‌گویم: آدمی موجود شگفتی است. مغلوب نمی‌شود و حدی برای توانش وجود ندارد و می‌کوشی او را در گوشه‌ای محدود کنی، اما ناگاه از چند زاویه فوران می‌کند. آدمی مثل قطرات آب ساده و سست است. مانند آن در تلاش برای رسیدن است و همواره مانندش راه را می‌یابد، اگرچه دیواره‌های صخره‌ای مانعش شوند. (نصرالله، ۱۳۹۳: ۱۴۲)

به نظر می‌رسد، امیدواری چنان در بانوِ املی نهادینه شده که او در داستان کوتاه «نافذۀ» از مجموعهٔ آسیاب گم شده، تاب‌آوری قهرمان خردسال داستان را در ایام جنگ، با کشیدن پنجره‌ای بر دیوار سیمانی پناهگاهی که اغلب با خانواده در آن بسر می‌برد، نشان می‌دهد. رنا، قهرمان خردسال این داستان، در سال‌های جنگ داخلی متولد شد و از آسیب جنگ در امان نماند. صدای انفجار بمب و موشک قدرت سخن گفتنش را ستاند و از فضای آزاد کوه و دشت تنها تصاویری را دیده که در آلبوم خانوادگی موجود بود و تنها تجربهٔ رفت و آمدش در طول سال‌های عمرش مسافت منزل تا پناهگاه بوده، اما با آنکه شرایط دشوار و تنگنای مکان

و انعکاس بمباران توپخانه زوزه می‌کشد و گلوله‌ها کل می‌کشند و نام‌های کاندید از پای افتادن و مرگ را در فضا با خطوط سرخ و سبز و زرد می‌نویسند؟ یا از جنوب؟ از جنوب؟ (نصرالله، ۱۳۹۸: ۱۵۲)

بی‌گمان انتظار رسیدن پاسخ از جنوب انتظار بعیدی نبود و بانو املی با ایمان به تاب آوردن و ماندن در وطن، فصل نویی را که روی ابتهال آن به پایداری است، در ادبیات جنگ خویش گشود، زیرا انسان در اندیشه او دارای نهادی الهی است. پس او باید آن را از پلیدی و پلشتی ایمن دارد تا انسانیتش در امان بماند. از این رو ستیز با پلیدی تا سرحد جنگ و دست شستن از جان مشروع می‌شود و بانو املی در فصل «آتون» از مجموعه آن خاطره‌ها چنین جان‌باخته‌ای را «شهید» می‌نامد: «... شاب سقط فی ساحة القتال / والرجال یحملونه فوق الکف / وفوق نعشه یزغدر الرصاص / شهید». (نصرالله، ۱۹۸۶: ۲۰۹-۲۰۷) ترجمه: جوانی در میدان نبرد بر زمین افتاد / و مردان او را روی دست برمی‌گیرند / و گلوله‌ها بر فراز نعشش کل می‌کشند: شهید. (نصرالله، ۱۳۹۳: ۱۶۶)

«شهید» از دیدگاه بانو املی اسوه شجاعتی است که ملت لبنان آن را می‌جویند و با اراده زیستن، در جنگی نابرابر به رویارویی با دشمنانی می‌پردازند که از درون تیشه به ریشه‌اش می‌زنند و آینده خود را در سلطه اسرائیل بر ملت می‌بینند. (همان، فصل ۱۷: ذیل ۵) به همین سبب، او در طول رمان آن خاطره‌ها جنایات متنوع شبه نظامیان مورد حمایت رژیم صهیونیستی را در لبنان توصیف کرده و روزه‌های جنگ داخلی را «ایام الشیطان» می‌نامد. (همان، ۲۲۶)

بانو املی با آگاهی از عمق فاجعه جنگ، از آخرین امید هستی بخش یاد می‌کند و همین امید بی‌پایان او را برمی‌انگیزد تا درباره ایستادگی شهروندان جنگ‌زده در ژرفای ستیزی ویرانگر سخن گوید. پس در صبح‌گاهی که دژخیم جنگ از ریختن خون

دست برداشته، مها پنجره‌ها را می‌گشاید و حنان را می‌خواند تا آن لحظات را دریابد: «فتحت النوافذ جمیعها ودعوت حنان لتتأمل تلك اللحظات الالهیه من الصباح الجدید وتأمل الحاجب الظاهر من بحر بیروت... هذا البحر الذی لایمّل مدابئه الرمال فی ایام الحرب کما فی ایام السلم». (نصرالله، ۱۹۸۶: ۱۶۲) ترجمه: همه پنجره‌ها را باز کردم و حنان را خواندم تا آن لحظات الهی صبح نور را بنگرد و مه نمایان افق مدیترانه را تماشا کند. مدیترانه‌ای که چه در ایام جنگ و چه در ایام صلح از بازی با شن‌های ساحل خسته نمی‌شود. (نصرالله، ۱۳۹۳: ۱۳۱)

نتیجه‌گیری

بانو املی ضمن اعلام باور استراتژیک خود در محکومیت منطق جنگ به نگارش داستان جنگ روی کرده و آن را کنشی در راستای پندآموزی می‌داند. او حادثه جنگ جهانی دوم را دستمایه سخن از جنگ و پیامدهای آن قرار داده تا از کمبود ارزاق در زمان جنگ، شیوع بیماری و فقر و مهاجرت مردم، به ویژه نسل جوان به غربت سخن گوید و با پرداختن به موضوع مهاجرت گروهی از شخصیت‌های داستان‌هایش را پدید آورد.

وی در داستان‌های خود از اداره‌کنندگان جنگ داخلی یاد کرده و اتاق فکر جنگ داخلی لبنان را در بازار اسلحه و زرادخانه غرب می‌یابد و آنان را متحدان رژیم صهیونیستی در تجاوز به لبنان می‌شمرد و جنگ داخلی لبنان را بستر مناسب شکل‌گیری تروریسم در کشور دانسته و در همین راستا از حادثه ترور پدر روانشاد خود سخن می‌گوید.

نویسنده جنگ داخلی را باعث آوارگی مردم شمرده و پدیده ترور را در خدمت کوچ دادن اجباری مردم می‌شمرد و با استفاده از تاکتیک حادثه‌پردازی از تغییر سبک زندگی مردم جنگ‌زده در راستای

شده است که هندسهٔ بدحجمش در داستان‌های او نمودار شد. همان که به اشغال بیروت و تجاوز نظامیان صهیونیست به لبنان کشیده شد. پس نویسنده با پرداختن به حادثهٔ ناگوار جنگ داخلی بن مایهٔ پایداری را، که باعث ناکامی چشمداشت‌های رژیم صهیونیستی در لبنان شد، در ادبیات جنگ خویش برملا کرد.

ایستادگی در شرایط دشوار جنگ سخن می‌گوید و با استراتژی شخصیت پردازی به‌ویژه در مان تلک الذکریات ابتهال شخصیت داستان را دستمایهٔ امیدواری به آینده قرار داده و با اعتماد بدان، راوی پایداری مردمی در شرایط دشوار جنگ داخلی لبنان و تجاوزات رژیم صهیونیستی به جنوب کشور می‌شود. در واقع، بانو املی نصرالله راوی دگرذیسی جنگی

کتاب‌نامه

- حطیط، امین محمد، ۲۰۰۴م، صراع علی ارض لبنان، بیروت، دارالامیر
- روشنفکر، اکرم، ۱۳۹۳، زن در ادبیات داستانی لبنان-با نگاهی به مجموعه آثار املی نصرالله، رشت، کتیبه گیل
- زیدان، جوزیف، ۱۹۹۹م، مصادر الادب النسائی فی العالم العربی الحديث، بیروت، المؤسسة العربیة لدراسات و النشر
- شعبان، بئینه، ۱۹۹۹م، ۱۰۰ عام من الروایة النسائیة العربیة، بیروت، دارالآداب
- صیداوی، رفیف رضا، ۲۰۰۳م، النظره الروائیة الی الحرب اللبنانیة، بیروت، الفارابی
- ضیف، شوقی، ۱۹۶۰م، العصر الجاهلی، قاهره، دارالمعارف، سوم
- العید، یمنی، ۱۹۹۳م، الکتابة تحول فی التحول، بیروت، دارالآداب
- میرعابدینی، حسن، ۱۳۸۶، صدسال داستاننویسی در ایران، تهران، چشمه، چهارم
- نصرالله، املی، ۱۹۸۶م، تلک الذکریات، بیروت، نوفل
- ، ، ۲۰۰۰م، الجمر الغافی، بیروت، نوفل
- ، ، ۱۹۹۹م، یومیات هر، بیروت، دارالکتاب العالمی
- ، ، ۱۹۸۴م، الاقلاع عکس الزمن، بیروت، نوفل
- ، ، ۱۹۸۵م، الطاحونة الضائعة، بیروت، نوفل
- ، ، ۱۹۹۰م، خبزنا الیومی، بیروت، نوفل
- ، ، ۱۳۹۹م، پرواز بر عکس عقربه زمان، ترجمه اکرم روشنفکر، رشت، کادوسان
- ، ، ۱۳۹۴م، آتش پنهان، ترجمه اکرم روشنفکر، رشت، کتیبه گیل
- ، ، ۱۳۹۳م، روز شمار گریه، ترجمه اکرم روشنفکر، رشت، کتیبه گیل
- ، ، ۱۳۹۳م، آن خاطرها، ترجمه اکرم روشنفکر، رشت، کتیبه گیل
- ، ، ۱۳۹۸م، آسیاب گمشده، ترجمه اکرم روشنفکر، رشت، کادوسان
- ، ، ۱۳۹۸م، توشه روزانه ما، رشت، کادوسان
- نصرالله، شکری، ۲۰۰۶م، تاریخ لبنان و اللبنانیین- نظره الی الورا، بیروت، شرکها المطبوعات للتوزیع و النشر

پژوهش در ادب مقاومت و صهیونیسم از منظر غسان کنفانی

در دهه هفتم از قرن بیستم، برای اولین بار غسان کنفانی دو پژوهش ماندگار عرضه کرد که در مورد دستاوردهای ادبی به جامانده از سرزمین‌های اشغالی قبل از قطع دسترسی آن توسط رژیم صهیونیستی بود. کنفانی از این طریق توانست پنجره‌ای بر ادبیات پرشور و انقلابی فلسطین بگشاید و علی‌رغم تمامی سرکوب‌ها این ادبیات همچنان حامل امید و باور به نجات است.

غسان کنفانی



پیدایش ادب مقاومت

مقاومت این‌گونه است که این ادبیات برضد تمامی سرکوب‌ها برمی‌خیزد، علیه اشغالگران شجاعت و انگیزه می‌دهد، تشویق به مقاومت و انقلاب می‌کند و با وجود تمامی سختی‌ها، در مسیر آزادی قدم برمی‌دارد. این اصطلاح خاص فقط در ادبیات عرب منحصر نشد بلکه با سرعت هرچه تمام‌تر در کلیه کشورهای اشغال شده مورد قبول و افر واقع شد. بسیاری از منقدان بزرگ نیز بر پیشسازی غسان در ابداع این اصطلاح اذعان کرده‌اند. می‌توان گفت که هیچ پژوهشی در مورد ادبیات مقاومت مطرح نمی‌شود مگر اینکه نامی از غسان کنفانی در آن ذکر شده باشد. کنفانی پایه و ستون قصر شامخ و باشکوه ادبیات مقاومت فلسطینی است.

اولین پژوهش غسان در سال ۱۹۶۶ توسط انتشارات آداب در بیروت با عنوان «ادبیات مقاومت فلسطین اشغالی ۱۹۴۸-۱۹۶۶» منتشر شد. این پژوهش شامل سه فصل است: فصل اول دستاوردهای ادبی فلسطین را بعد از «نکبت» مورد بررسی قرار می‌دهد. فصل دوم تقابل و هم‌آورد قهرمان داستان‌های صهیونیست‌ها در برابر ادب فلسطینی است و فصل سوم نمونه‌هایی از اشعار فلسطین اشغال شده را عرضه می‌کند.

پژوهش اول از دو منظر جایگاه پیش‌تازانه‌ای به غسان می‌دهد. وی برای اولین بار دستاوردهای ادبی انقلابی تولید شده در فلسطین را با نام «ادبیات مقاومت» نام‌گذاری کرد. تعبیر غسان در مورد ادبیات

می‌گوید: «این جداسازی نشانه‌ای بر همدلی مردمانی در خصوص یک موطن مشترک، هویت مشترک و قضیه‌ای مشترک است که همان اشغال شدن وطن و تبعید است. این تفاوت از اینجا ناشی می‌شود که یک قدرت اشغالگر مردی را به زبونی کشانده و علاوه بر آن در پیشرفت زمینه‌های ادبی و فرهنگی آن مردم هم مداخله کرده و سرزمینشان را به تباهی کشانده است. به تعبیری دیگر، ناقد «غسان کنفانی» ادبیات را محوری برای مبارزه قرار داده است.» در سال ۱۹۶۶ میلادی هنگامی که کنفانی این پژوهش را عرضه کرد، ادبیات سرزمین‌های اشغالی به دلیل قیدوبندها و محدودیت‌های رژیم اسرائیل، در جهان عرب و حتی در کل جهان ادبیات مغفول مانده بود. به همین علت کنفانی تمام توانش را بر مستندسازی دستاوردهای ادبیات فلسطین گذاشت که در سایه سلطه اشغالگران ادبیاتی متولد شد به نام «ادبیات تحریم فرهنگی». ادبیاتی که تمامی مرزها را درنوردید و امید و جان تازه‌ای به آنهایی داد که در تبعید و دور از وطن بودند.

ادبیات مقاومت فلسطین

اما «ادبیات مقاومت فلسطین در اشغال ۱۹۶۸-۱۹۴۸» در بیروت و در سال ۱۹۶۸ گام دوم در این باب بود. غسان در مقدمه این کتاب می‌گوید: «باید اینجا اشاره کنم که پژوهش پیش رو، چاپ و یا ویرایش جدید کتاب ادبیات مقاومت در فلسطین اشغال شده نیست. بلکه می‌توان گفت پژوهشی کامل تر و گامی رو به جلو است و باید گفت که کتاب پیشین مقدمه‌ای ضروری برای این کتاب است، چه از نظر تحلیلی و چه از نظر مثل‌ها و نمونه‌ها.» غسان این کتاب را دو سال بعد از انتشار آن کتاب به چاپ رساند. در این دوره وی از آزادی نسبی که بین اسرائیل و جبهه غربی به وجود آمده بود استفاده

از منظر دوم، این کنفانی بود که ادبیات مقاومت را به تمامی جهان عرب معرفی کرد و نشان داد که ادبیات مقاومت فلسطین، ادبیاتی انقلابی‌تر از تمامی ادبیات‌های عرضه شده به زبان عربی در اقصی نقاط جهان است. غسان کنفانی این پژوهش را قبل از «نکسه» یا همان شکست ۱۹۶۷ نوشت، عملیاتی که طی آن شکست اعراب به ارتش اسرائیل باعث از دست رفتن غزه، رود اردن و ضفه غربی (بخش غربی) شد.

با توجه به قلع و قمع مردم و مسدود شدن مرزها توسط ارتش رژیم صهیونیستی دسترسی قشر فرهنگی و حتی عامه مردم به مصادر و دستاوردهای ادبی و فرهنگی بسیار محدود شد؛ به همین علت این واقعه به نام «تحریم فرهنگی» نام گرفت و معروف شد. در واقع، این پژوهش به مثابه نقب زدن از درون دیوار به سوی جهان خارج به شمار می‌آید. غسان برای نوشتن این پژوهش ماندگار تنها از روش آکادمیک استفاده نمی‌کند، با زبانی ساده می‌نویسد تا بتواند مستندی برای نسل‌های آینده به جا بگذارد، زیرا می‌داند این ارث ماندگار و باارزشی برای کسانی خواهد بود که به دلیل محدودیت‌های شدید، ادیبان و نویسندگان‌شان را از یاد برده باشند. کنفانی زبان ادبیات مقاومت را فقط زبان رسمی و آکادمیک نمی‌شناسد بلکه شعرهایی محلی را که نسل به نسل به صورت شفاهی از مادر به کودکان یا از خواهران برای برادران کوچک‌تر می‌خوانند قلعه‌ای می‌داند که هرگز منهدم نخواهد شد.

وی در این پژوهش بین ادبیاتی که در سرزمین‌های اشغالی تولید شده که «ادبیات اشغالگری» می‌نامد و «ادبیات تبعید» تفاوت قائل است. نزد کنفانی ادبیات اشغالگری، ادبیات اشراق، انقلاب و امید است در حالی که ادبیات تبعید، ادبیات گریه، حزن، یأس و دلتنگی برای وطن است. باربارا هارلو در این باره

مجلات، گزارش‌ها و کتاب‌ها، مستندسازی می‌کند. غسان برای این اوضاع دهشتناک اصطلاح «مبارزه فرهنگی» را ابداع می‌کند و به عواملی می‌پردازد که دستاوردهای ادبی این مرزوبوم را به تباهی کشانده است. می‌گوید: «جنگ روانی، اقتصادی، سیاسی و جسمی که اشغالگران بر مسائل فرهنگی تحمیل کرده‌اند باعث به وجود آمدن جوی از رمزگویی شده است.»

انواع جنگ‌های که غاصبان سرزمین‌های فلسطینی که بر مردم تحمیل کرده‌اند:

- سیاست نادان‌سازی عامدانه؛
- عدم آموزش زبان عربی در دانشگاه‌ها و مدارس رسمی؛
- پایین آوردن سطح علمی مدارس به صورت عمدی؛
- تهدید و ترساندن دانشجویان دانشگاه‌ها؛
- بسته شدن دانشگاه‌های اسرائیل در برابر مسلمان‌ها.
- قطع ریشه‌های فرهنگی؛
- تبعید اهل فرهنگ به خارج از کشور یا به پشت میله‌های زندان؛
- بی‌کار کردن اهل فرهنگ از وظایف و سانسور شدید دستاوردهای آنها؛
- وارد کردن فرهنگ پست و فرومایه در بین مردم؛
- دعوت به ترک زبان عربی رسمی.
- غارت اقتصادی؛
- فشار بر دانشجویان فارغ التحصیل و تحریم آنها از به دست آوردن مشاغل اقتصادی؛
- امتلاک زمین‌ها به صورت اجباری؛
- طرد افراد فرهنگی از مشاغل خود.

فصل دوم: ادبیات مقاومت فلسطین و ابعاد آن
بعد از نمایش انواع جنگ‌های رژیم صهیونیستی

کرد تا پیوندی کامل بین مبارزه مسلحانه و ادبیات مقاومت ایجاد کند. او در این کتاب اذعان دارد که: «مبارزه مسلحانه به تنهایی یک پوسته و ظاهر نیست بلکه ثمره گیاهی است که ریشه‌هایش عمیقاً در زمین فرو رفته است.» او مشخصات تاریخی جنبش مقاومت راضمن مبارزه‌ای بزرگ‌تر در تمام نقاط جهان می‌داند و تأکید می‌کند که اشکال گوناگون مبارزه فرهنگی در شکل‌دهی آن به استراتژی‌های کلی، بسیار حائز اهمیت است و اشاره می‌کند: «آزادسازی از دهان و لوله تفنگ آغاز می‌شود. پس تفنگ همان اراده آزادسازی است و آن چیزی نیست جز نتیجه طبیعی و منطقی و حتمی مبارزه در تمامی معنای آن. مبارزه در راه انکار دشمن همان تمسک جستن به ریشه‌ها است.» در نزد کنفانی شکل فرهنگی مقاومت اهمیت بسیاری دارد چه بسا از مقاومت مسلحانه کمتر نباشد.

کنفانی در پژوهش دوم نمونه‌هایی غیر از نمونه‌های «نکسه» آورده است. همان‌طور که خود می‌گوید: «سعی کرده‌ام تمامی مثال‌هایی که در این کتاب انتخاب شده خارج از نطاق نمونه‌های پیشین باشد و بعدها در مجموعه شعرهای جداگانه‌ای به چاپ خواهد رسید.»

فصل‌های پژوهش

این پژوهش شامل سه فصل است: ۱. اوضاع فرهنگی فلسطین اشغالی. ۲. ابعاد مقاومت فلسطین. ۳. نمونه‌هایی از شعر، داستان و تئاتر.

فصل اول: اوضاع فرهنگی مردم فلسطین اشغالی

همان‌طور که از عنوان فصل پیداست، غسان به اوضاع فرهنگی خطرناک و زندگی مردم فلسطین در سرزمین‌های اشغالی می‌پردازد و آن را با استفاده از

اجتماعی متمرکز بودند. در این زمینه می‌توان از فهد ابو خضره، احمد حسین، عصام عباس، ابراهیم مؤید و... نام برد. اما بعد از چند سال، آن تنبه جزئی ابعاد گسترده‌تر و عمیق‌تری پیدا می‌کند. در آن دوران بعد از فاجعه، فلسطین همچنان داغ است و خشم تنها به صورت درد و دهشت بروز پیدا می‌کند. مانند ماجراهایی که پس از تابستان ۱۹۶۷ اتفاق افتاد و بعضی از نویسندگان و شاعران خشم و نارضایتی

خود را نشان دادند و آن را تبدیل به یک موضع‌گیری جدی کردند. شکی در این نیست که محمود درویش و سمیع القاسم پیش‌تازان در این مورد بودند.»

بعد جهانی: این بعد شامل بررسی شاعران فلسطینی از قضایای استعمار و اشغالگری در خارج از کشورشان و تأثیر آنها از انقلاب‌های دیگر کشورهای اشغال‌شده و ابزار همدلی و همدردی با آنها است. غسان در

این باره می‌گوید: «در سطح جهانی، شعر مقاومت التزام و همراهی خود را با دیگر انقلاب‌های جهان اعلام می‌کند، زیرا جوی که داخل جنبش‌های مبارزاتی به وجود می‌آید هم بر دیگران مؤثر است و هم خود از آنها تأثیر می‌پذیرد.» در این مورد می‌توان به قصیده‌های فراوانی اشاره کرد من جمله قصیده «سروده‌ها کوبایی» از محمود درویش و ترانه‌های سروده‌شده برای انقلاب‌های قاره آفریقا در دیوان اولش با عنوان گنجشک‌های بدون بال. از این دست می‌توان به فوزی الأسمر اشاره کرد که با قصیده «من یک بنده هستم» با مردم این قاره همدردی و همدلی کرده است. سمیع القاسم چند قصیده در مورد پاتریس لومومبا، آفریقا و سیاه‌پوستان

اسرائیل علیه ساکنان عرب در فصل اول، غسان وارد بررسی ادبیات مقاومت فلسطین علیه اشغالگران می‌شود و در مورد کیفیت مواجهه چالش‌ها صحبت می‌کند. غسان در این باره می‌گوید: «اکثر ادبای مقاومت در فلسطین اشغالی خود را ملزم به فراتر رفتن از جنبه هنری صرف می‌دانند. آنها در واقع عضوی از جریان مقاومت هستند و از مسیر سازمان‌های منظم در حال مبارزه هستند

هرچند با تمام وجود تحت تأثیر سرکوب‌های رژیم قرار دارند. همان‌گونه که همه می‌دانند -مثلاً- محمود درویش شاعر مقاومت، چندین بار به زندان‌های اشغالگران رفته و شاعری مانند سمیع القاسم چندین بار تازیانه‌های احکام نظامی را چشیده است. همچنین، حکومت اسرائیل فشارهای مضاعفی بر شرکت‌های خصوصی وارد می‌کند

تا کارمندانی مانند فوزی الأسمر را به دلیل محتوای اشعارش اخراج کنند.»

غسان در مقدمه کتاب ابعاد گوناگون ادبیات مقاومت را نام می‌برد:

بعد اجتماعی: منظور غسان از بعد اجتماعی این است که ادیب فلسطینی بر علیه قضایای سرکوب‌های سازمانی بشورد و خون تازه‌ای در رگ‌های مجتمع فلسطینی بدمد تا بتواند در برابر مسئولیت‌ها مقاومت و تاب‌آوری داشته باشد. در این باب از شاعرانی مانند سمیع القاسم، محمود درویش و راشد حسن نام می‌برد و می‌گوید: «در سرزمین‌های اشغالی و در دهه پنجاه شعرهای بسیاری خوانده می‌شدند که بر مسائل و تنگناهای



آمریکا دارد. وی در یک قصیده طولانی با عنوان «ارم» مقطعی به نام «بلیطی برای میدان جنگ» دارد که در آن از خواننده سپاه پوست پاول رابینسون، فیدل کاسترو، کریستف گابانیا و مبارزین فیتکونگ یاد کرده است. «کنفانی در مورد بعد جهانی می‌گوید:

«التزام به بعد جهانی مبارزه، همیشه یکی از مشخصه‌های شعر مقاومت است. باوجوداین، التزام به ادبیات باعث کم‌کاری در زمینه مبارزه مسلحانه نمی‌شود بلکه باعث غنای آن و عمق بخشیدن به آن است.» وی اضافه می‌کند: «هوشیاری التزام به جنبش‌های انقلابی در جهان، ارزش خود را از التزام به انقلاب مولد می‌گیرد نه اینکه فقط به شکل و فرم رمانتیک بسنده شود؛ این ادراک به‌دست‌آمده از ادبیات مقاومت، بُعد انسانی را در مکان صحیح آن قرار می‌دهد و در آن واحد هم باعث انگیزش است و هم مسئولیتی سنگین برعهده می‌گذارد.» بعد عربی: منظور غسان از بعد عربی، اهتمام ادیبان سرزمین‌های اشغالی به انقلاب‌ها



کنفانی در مورد بعد جهانی می‌گوید: «التزام به بعد جهانی مبارزه، همیشه یکی از مشخصه‌های شعر مقاومت است. باوجوداین، التزام به ادبیات باعث کم‌کاری در زمینه مبارزه مسلحانه نمی‌شود بلکه باعث غنای آن و عمق بخشیدن به آن است

و تحولات سیاسی در جهان عرب است: «هنگامی که ادبیات مقاومت در ابعاد سیاسی جهان عرب روبه‌رو می‌شود، هم در نوع و هم در کیفیت متفاوت خواهد بود. زیرا طبیعت قضیه فلسطین به‌گونه‌ای است که آن را در مرکز توجه واکنش‌های جهان عرب قرار می‌دهد. بنابراین، شعر مقاومت در فلسطین اشغالی، زبان ناطق و مورخ آن واکنش‌ها به‌شمار می‌آید.»

فصل سوم: نمونه‌هایی از شعر، داستان و تئاتر

این فصل به مثابه بخش مستندسازی است. در این بخش غسان هشت شاعر را به همراه زندگی‌نامه مختصری معرفی می‌کند: حنا ابو حنا، محمود درویش، سمیح القاسم، توفیق زیاد، فوزی الأسمر، نزیه خیر، راشد حسین و محمود دسوق. غسان بعد از معرفی این شاعران نمونه‌هایی از قصاید آنها می‌آورد. بعد از این مرحله به سراغ داستان کوتاه می‌رود و برای نمونه داستان «آخر سر: نوریک بادام» از ابوسلام را تحلیل می‌کند. در آخر نیز نمونه‌ای از تئاتر با عنوان «خانه جنون» از نویسنده معروف توفیق فیاض می‌آورد. می‌توان گفت در این بخش باارزش، غسان در وهله اول جنگ‌هایی را بررسی می‌کند که در آن صهیونیست‌ها باعث یهودی‌سازی، نسل‌کشی، خراب کردن روستاها و شکنجه شده‌اند. در قسمت دوم، غسان ادبیاتی را واکاوی می‌کند که در آن در برابر ظلم ایستادگی نشان می‌دهد و تمامی طرح‌های اشغالگران را یک‌به‌یک نقش بر آب می‌کند.

در ادب صهیونیستی

این پژوهش ویژه، که برای اولین بار در سال ۱۹۶۷ با عنوان «در ادب صهیونیستی» در بیروت منتشر شد، در واقع فی‌مابین دو پژوهش قبلی بوده است؛ یک سال بعد از پژوهش اول و یک سال قبل از پژوهش دوم. آن‌طور که به‌نظر می‌رسد این کاوش به‌عنوان مکمل و در امتداد فصل دوم پژوهش اول باشد،

همان فصل «قهرمان در داستان‌های صهیونیستی در مقابل ادبیات مقاومت فلسطینی». می‌شود گفت غسان هم‌زمان با بررسی ادبیات مقاومت فلسطین در مورد ادبیات صهیونیستی هم کنکاش خود را شروع کرده بود. محمود درویش در جلد چهارم از آثار کاملش که حاوی تحلیل‌هایی در مورد غسان

کنفانی است، می‌گوید: در همان زمانی که غسان کنفانی در حال پرده برداشتن از نوشته‌های نویسندگان عرب سرزمین‌های اشغالی بوده، مشغول بررسی نقیض آن (ادبیات صهیونیستی) هم بوده است و یکی از محورهای آن «نوشتارهای صهیونیستی و تأثیر آن در روشنگری صهیونیست‌ها» بوده است. به بیان دیگر در حال پژوهش در مورد تأثیر نوشتار دشمن بوده است. بنابراین، اولین نفری بوده که پژوهشی به زبان عربی در مورد خطرناک‌ترین موضوعات صهیونیستی انجام داده است.

در حقیقت غسان بررسی‌های خود را از دشمن قبل از پایه‌گذاری ادبیات مقاومت در سرزمین‌های اشغالی شروع کرده است. دلیل آن هم پژوهشی با عنوان «نژاد و دین در ادبیات صهیونیستی» بوده که در دوران دانشجویی در دمشق انجام داده است.

آنچه به غسان کمک کرد تا ادبیات صهیونیستی را با عمق بیشتری بررسی کند، احاطه کامل او بر زبان انگلیسی بود. غسان زبان انگلیسی را در مدرسه در یافا که تمرکز آن بر این زبان بود آموخت. او فهمیده بود که ادبیات صهیونیستی چه به زبان اصلی و چه ترجمه شده، دور بارز و مهمی در سیستم تبلیغاتی

این رژیم دارد و از خلال همین نوشتارها است که توانستند کشورهای اروپایی را قانع کنند تا کشوری برای خود برپا سازند. ادب صهیونیستی با صرف نظر از زبان، کشور یا دین سلاحی بود که به خدمت صهیونیست‌ها درآمد تا بتوانند فلسطین را به استعمار بکشند. در این باره کنفانی می‌گوید: «تجربه

ادبیات صهیونیستی اولین آن در جهان است به طوری که از هنر و تمام اشکال آن برای بزرگ‌ترین عملیات گمراهی استفاده شد.» وی ادامه می‌دهد: «ادبیات صهیونیست بر سیاست صهیونیست پیشی گرفته است. آنها توانستند ادبیات را در خدمت سیاست درآورند تا بتوانند به طرح و هدف بسیار خطرناک خود دست یابند.»

خلاصه مقاله

از خلال پژوهش‌های مذکور، غسان دو حکمت به ما می‌آموزد: اول «خود را بشناس» و دوم «دشمنت را بشناس». او از طریق کتاب‌های «ادب مقاومت در فلسطین اشغالی ۱۹۶۶-۱۹۴۸» و «ادبیات فلسطینی مبارز تحت استعمار ۱۹۶۸-۱۹۴۸» به ما می‌آموزد که اول باید خود را شناخت و از طریق کتاب و پژوهش سوم «در ادب صهیونیستی» نشان داد که باید دشمن را شناخت همان‌طور که خودش می‌گوید: «هدف از این پژوهش نشان دادن شعاری بسیار مهم یا همان دشمنت را بشناس خواهد بود.» غسان کنفانی تمام تلاش خود را به کار بست تا دشمن را خوب بشناسد و می‌توان گفت او پیش‌تاز این امر به شمار می‌رود.

او فهمیده بود که ادبیات صهیونیستی چه به زبان اصلی و چه ترجمه شده، دور بارز و مهمی در سیستم تبلیغاتی این رژیم دارد و از خلال همین نوشتارها است که توانستند کشورهای اروپایی را قانع کنند تا کشوری برای خود برپا سازند. ادب صهیونیستی با صرف نظر از زبان، کشور یا دین سلاحی بود که به خدمت صهیونیست‌ها درآمد تا بتوانند فلسطین را به استعمار بکشند

عبدالالت دژ نبرد برای

نگذاشته، ولی اثرش آکنده از حسی خوش بینانه دربارهٔ امکان واقعیت بخشیدن به استعمارزدایی و آینده‌ای روشن برای تمام کسانی است که در فلسطین تاریخی زندگی می‌کنند.

موضوعاتی که در این کتاب آمده است برخی از همان مطالب مهمی چون: مستندنگاری ابتکارات تبلیغاتی اسرائیل، تأکید بر عمل‌گرایی وحدت، و درهم‌تنیدگی مبارزات در فلسطین و دیگر جوامع ستمدیده در گوشه و کنار جهان است که در نشریه الکترونیکی آنها منتشر شده است.

کتاب نگاهی روشن‌گرانه و تا حدی ناامیدکننده به رفتارهایی دارد که «فلسطینیان تحت حاکمیت رژیم اسرائیل و رنگین‌پوستان تحت حاکمیت آمریکا روزه‌روز با عقاید نژادپرستانهٔ مشابهی مواجه می‌شوند». این رفتارها چرخش عجیب رهبران آمریکا و اسرائیل پیرامون «ارزش‌های مشترکی» است که در بوق و کرنا می‌کنند. ابونعمه شرح می‌دهد که چگونه اسرائیل پس از یازده سپتامبر به «مرکز خرید جهانی



علی ابونعمه

علی ابونعمه در نبرد برای عدالت در فلسطین می‌نویسد: «نیازی نیست پندارمان از عدالت را تنها به سبب آنچه از منظر دنیای امروز واقعی می‌نماید و خاصه نه براساس آنچه گروه‌های قدرتمند و ثروتمند، پذیرفتنی و عملی می‌پندارند محدود کنیم». این جمله اجمالاً چکیدهٔ کتاب جدید مدیرمسئول و مؤسس مشترک نشریهٔ الکترونیکی انتفاضه (The Electronic Intifada) است که پس از اولین کتابش با نام یک کشور (۲۰۰۶) منتشر شده است. نویسنده با این ادعا شروع می‌کند که «فلسطینی‌ها برنده و صهیونیست‌ها بازنده این دعوا هستند». گرچه او هیچ‌گاه جنبهٔ تاریک و منفی این واقعیت را کنار

فلسطینی، از قانون اساسی گرفته تا تبعیض نژادی زنده مقامات منتخب در سطوح محلی و ملی می‌پردازد.

ابونعمه با سبک خاص و مختصر و مفید خود یادآور می‌شود که «حق بر تبعیض نژادی وجود ندارد.» او به این مسئله اشاره می‌کند که چگونه اندیشه‌هایی که در هر شرایط دیگری مشمئزکننده به نظر می‌رسند، تا مادامی که هدفشان حفظ، مشروعیت بخشی یا کتمان برتری یهودیان اسرائیلی بر فلسطینی‌ها باشد اغلب به طور کامل برای روشنفکران آزادی خواه قابل قبول به نظر می‌رسند.» مثال آن هم از پیتر باینارت، نویسنده یهودی-آمریکایی و ستون نویس هآرتس، در این کتاب نقل می‌شود که اذعان می‌کند چگونه «مشناق است تا آزادی خواهی من را برای امنیت اسرائیل و وجهه آن که به عنوان یک کشور یهودی در من شکل گرفته است بی اعتبار کند.» و کاملاً همین سازش است که ابونعمه روشن می‌سازد:

«اسرائیل با اخراج فلسطینی‌ها و جلوگیری از بازگشتشان به عنوان «کشوری یهودی» تأسیس شد. اسرائیل فقط به این شکل و با حفظ وضع موجود و ارتکاب نقض حقوق فلسطینی‌ها می‌تواند در آینده به بقای خود ادامه دهد.»

ابونعمه به این عنوان پرطمطراق که اسرائیل «حق موجودیت» دارد اشاره می‌کند و می‌گوید کشورها یا وجود دارند یا ندارند و کشورهای دیگر هم آنها را یا به رسمیت می‌شناسند یا نمی‌شناسند ولی دیگر کشوری به شکل انتزاعی نمی‌گوید که «حق موجودیت» دارد. آیا الان کسی ادعا می‌کند که حق بر موجودیت آلمان شرقی، چکسلواکی و ویتنام جنوبی نقض گردیده است؟

در مورد موضوع حق تعیین سرنوشت عنصری حیاتی وجود دارد که ابونعمه به آن اشاره می‌کند: «در

فناوری امنیت سرزمینی» تبدیل می‌شود و به اثر ناآرامی کلاین، به خصوص «دکترین شوک» اوارجاع می‌دهد.

ابونعمه به همکاری‌های اسرائیل و آمریکا در زمینه سیاست گذاری اشاره می‌کند و تشریح می‌کند که حکومت اسرائیل چگونه «به طور مستقیم در ارتقای روابط با آژانس‌های انتظامی آمریکایی سرمایه گذاری می‌کند تا صنعت سودآور صادراتی «امنیت سرزمینی» را تقویت کند. یک مثال در این مورد، نقشی است که لری سانچز، معاون اداره پلیس نیویورک سیتی، در ایجاد «واحد جمعیت شناسی» ایفا کرد و جمعیت مسلمان این شهر را به عنوان هدف انتخاب کرده بود. سانچز به همکاری‌اش گفته بود که «این ایده را از روش‌های اسرائیلی‌ها در کنترل کرانه باختری اشغالی برگرفته است.»

ابونعمه دوباره در بخش چهارم کتاب به تحلیل کلاین ارجاع می‌دهد، آنجا که به سیاست‌های نخست وزیر سابق فلسطین، سلام فیاض، می‌پردازد که نخست وزیری‌اش یادآور روایت به تحلیل بردن دولت منتخب دموکراتیک حماس است که قبل از او برپا شده بود. ابونعمه توضیح می‌دهد که چگونه از روایی 'تا مناطق صنعتی' تصمیمات کلیدی اثرگذار بر کل اقتصاد معمولاً با سنگ اندازی هماهنگ بوده و هیچ مشارکت عمومی یا نظارت دموکراتیکی را دربر نداشته است.»

بخش اصلی کتاب به موضوع قطع و گسست در مباحث تعیین سرنوشت و ادعای اسرائیل بر حق ایجاد «کشور اسرائیل» پرداخته که مربوط به فصل‌های دوم و هفتم کتاب می‌شوند. ابونعمه به طور مشروح به تبعیض نظام مند شهروندان

۱ اولین شهر طراحی و ساخته شده فلسطینی‌ها در کرانه باختری در رام الله و نماد شرکت فلسطینی است که در سال ۲۰۱۰ کار ساخت آن آغاز شد.

قلب هر فلسطینی مبارزه می‌تپد» از این رو ارائه یک تلقی ضروری برای تشکیل «سرزمین جدید» به شکل قاطعانه‌ای به نبرد برای عدالت در فلسطین رو به تغییر است.»

ابونعمه حامی راه حل یک-کشوری شناخته می‌شود و در کتاب جدیدش به این موضوع با تمرکز بر انتقال دموکراتیک در آفریقای جنوبی و ایرلند شمالی پرداخته و به «ارائه تجربیات سازنده» اشاره می‌کند. او می‌نویسد که رسیدن به «استعمارزدایی اخلاقی» نیازمند تصمیمات بزرگ در مواردی چون «عدالت انتقالی، اصلاح اجتماعی، جبران خسارات،

اصلاح اراضی و اقدام تأییدی» است. ابونعمه به این موضوع می‌پردازد که چگونه آپارتاید سیاسی در آفریقای جنوبی تقسیمات اقتصادی عمیقی را به دنبال خود داشت. او در بخشی موسوم به «آن سوی مشروطه‌خواهی و حقوق آزادی‌خواهی» اشاره می‌کند که مسئله «فقط این نیست که یک فاجعه اقتصادی همچون

مورد آفریقای جنوبی می‌توانست پس از حل و فصل سیاسی در فلسطین هم رخ دهد بلکه این موضوع است که چگونه این روند را متوقف کرده و فاجعه را برگردانده و امور را در اختیار نخبگان فلسطینی گذاشته تا خیلی راحت با همتایان اقتصادی و سیاسی اسرائیلی همگام شده و امور را سامان دهند.»

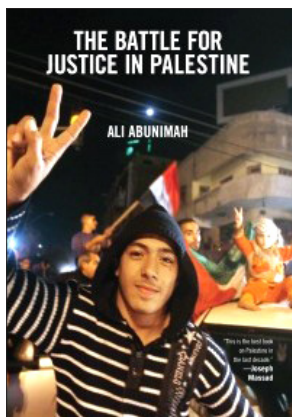
سوابق تاریخی از جمله موافقت‌نامه ۱۹۹۵ دیتون با توجه به بازگشت پناهندگان، خوراک بازرشی را برای تفکر کسانی آماده می‌کند که به این موضوع بپردازند که چگونه یک کشور شکل می‌گیرد و

چگونه «نگرانی‌های معقول یهودیان معمولی اسرائیلی را می‌توان مورد توجه و بررسی قرار داد.» ابونعمه همچنین فلسطینیان را تشویق می‌کند که «در مورد مبارزاتشان نه فقط در سطح محلی بلکه در سطح جهانی نیز تلاش کنند تا از این طریق برای مردم و جماعات، استقلال اقتصادی را از بازارهای چندملیتی با دموکراسی رو به اضمحلال و گروه‌های اقتصادی محلی به ارمغان آورند.» ابونعمه عمیقاً از اهمیت آوارگی یهودیان و مبارزات وحدت‌بخش در منزوی کردن آپارتاید اسرائیل و کمک در روند استعمارزدایی که نیاز به شناخت و تحقق بخشیدن به حقوق فلسطینیان داشت،

آگاه است. بنابراین، همچنین بخش‌هایی در مورد تاریخ اخیر ابتکار عمل‌های متنوع (BDS)، تحریم‌های محرومیتی بایکوت‌شده علیه اسرائیل و پاسخ‌های منفی از جانب دولت اسرائیل و گروه‌های فشار صهیونیستی وجود دارد. تمرکز ویژه‌ای هم بر موضوع تحت پوشش نشریه‌شان، یعنی

اقدام دانشجویان دانشگاه‌های آمریکای شمالی در حمایت از کار وحدت‌بخش فلسطینی در مواجهه با روش‌های ارباب حامیان اسرائیلی، مبارزات حقوقی بدفرجام و ظاهرسازی بدبینانه صورت گرفته است.

ابونعمه ادعا می‌کند که احتمال تغییرات اساسی در چند سال آینده نویدبخش و پرشور هستند اگر این درست باشد- که این کتاب نمونه‌فانع‌کننده‌ای است- تا حدی به سبب شفافیت در تحلیل‌ها و تعهدهای اخلاقی ابونعمه و دیگرانی است که در کار و عمل خستگی‌ناپذیر و فاضلانه‌شان به نمایش درمی‌آید.



دکتر محمدرضا سنگری، رئیس اندیشکده ادبیات پایدار، در گفت‌وگوی خود با اندیشه‌نامه پایداری (شماره اول، بهار ۱۴۰۰)، خبر از برگزاری نشست‌های تخصصی با حضور استادان دانشگاه‌ها و پژوهشگران تراز اول کشور داد. در فصل تابستان، سه نشست با موضوعات «هویت ملی، زبان و ادبیات فارسی، دفاع مقدس» و «هویت ملی، زبان و ادبیات فارسی، ادبیات انقلاب اسلامی» برگزار شد که خلاصه مطالب طرح‌شده به پیشگاه خوانندگان نشریه تقدیم می‌شود.

نشست‌های تخصصی

نشست اول: هویت ملی، زبان و ادبیات فارسی، دفاع مقدس

نخستین نشست روز دوشنبه ۲۸ تیر ۱۴۰۰ در سالن طاهره صفارزاده حوزه هنری برگزار شد. در این نشست جناب آقایان دکتر محمود بشیری و دکتر حسینعلی قبادی به‌عنوان سخنران حضور داشتند.

دکتر محمود بشیری دانشیار دانشگاه علامه طباطبائی در رشته زبان و ادبیات فارسی و پژوهشگر این حوزه است. تعریف هویت، هویت ایرانی، عناصر هویت‌ساز، اولین آثار تولیدشده در حوزه پایداری، نادیده گرفتن آثار مؤثر در ایجاد هویت ملی پس از انقلاب اسلامی ایران و تفکیک ادبیات جنگ و ادبیات پایداری سرفصل صحبت‌های ایشان بود.

هویت یعنی خود ما در مقابل دیگری. هویت ایرانی در طول تاریخ در مقابل روم و یونان، اعراب، ترک‌ها و... شکل گرفته است. ایرانی‌ها در عین حال که هویت خود را در مواجهه با دیگر اقوام و ملت‌ها

حفظ کرده‌اند، ارتباط سازنده‌ای با آنها داشته‌اند. یکی از راه‌های ارتباط با دیگر اقوام و جذب آنها، گونه‌های مختلف ادبی هستند. شاهنامه فردوسی یکی از آثاری است که این مسئله را به خوبی نشان می‌دهد. فردوسی یک دهقان زاده مسلمان است. به‌عنوان یک چهره هویت‌بخش، هم هویت ایرانی خودش را و هم مسلمانی خودش را در کنار دهقان‌زادگی حفظ کرده است. یکی از مسائل مهم برای اعراب، زبان‌آوری است. اعراب در مقابل این شایستگی که برای خودشان قائل بودند، ایرانی‌ها را عجم، یعنی گنگ، می‌خواندند. یکی دیگر از آثار سرودن شاهنامه

شاعران دیگری همچون حافظ، که دو فرهنگ ایرانی و اسلامی را نیز با هم درآمیخته‌اند، سهم زیادی در حفظ زبان فارسی و هویت ایرانی دارند. با همین تلاش‌ها، زبان فارسی به عنوان زبان ایرانی باقی مانده و در کشوری چون مصر، که زبان عربی جایگزین زبان خودشان شد، این اتفاق نیفتاده است.

نوح بن منصور هم از دیگر افرادی است که در حفظ زبان فارسی اثرگذار بوده است. او از دقیقی طوسی خواست که شاهنامه ابومنصوری را به نظم دربیاورد. همچنین منصور بن نوح هم سفارش ترجمه فارسی قرآن را داده است. در دوره‌های اخیر، دهخدا نماد مقاومت و هویت‌ساز است. در شرایطی که زبان فارسی در مقابله با زبان‌های خارجی قرار گرفته بود، دهخدا لغت‌نامه را برای حفظ زبان فارسی تدوین کرد.

ادبیاتی که در زمان رخداد درگیری‌های نظامی و جنگ به وجود می‌آید، ادبیات جنگ نامیده می‌شود. اما پس از جنگ

که ادبیات جنبه فکری و فرهنگی دارد، مقاومت مستمر است و شاید برای همیشه ادامه داشته باشد، در اصطلاح به آن ادبیات پایداری می‌گوییم. برای پرداختن به ادبیات پایداری، لازم است نمادهای فرهنگ مقاومت شناسایی و تبلیغ شوند. دو تن از چهره‌های مؤثر و مغفول در ادبیات دفاع مقدس، نصرالله مردانی و سلمان هراتی هستند. هر دو نفر، تلاش زیادی در تلفیق هویت دینی و ایرانی داشته‌اند. در بخش دوم نشست، دکتر حسینعلی قبادی مباحثی را مطرح کرد.

دکتر حسینعلی قبادی دارای دکترای زبان و ادبیات فارسی است و مقاله‌ها و پژوهش‌های زیادی در حوزه ادبیات فارسی دارد. در زمان برگزاری نشست،

این است که توانایی زبان فارسی به اعراب نشان داده شود. متأسفانه در دوره‌های اخیر پس از انقلاب، این عنصر هویت‌ساز (شاهنامه فردوسی) نادیده گرفته شد. این در حالی است که کشوری مثل روسیه، در جنگ جهانی دوم از اشعار شاهنامه برای تشویق و ترغیب مردم به پایداری و جنگیدن استفاده می‌کرده است. این هویت مبتنی بر جذب فرهنگی است. هویت ایرانی با هویت دینی در هم آمیخته و هویت ملی را شکل داده است. علی‌رضا قزوه شعری در مورد نوروز دارد که بیتی از آن می‌گوید:

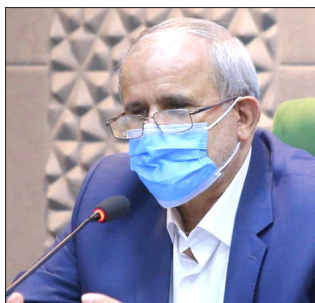
زمان اسب سفید مهدی موعود را ماند

به گردش کی رسد بهرام ورجاوند با پیلش

در این شعر، یکی از نمادهای هویت ایرانی، یعنی نوروز، هویت اسلامی پیدا کرده است. چنین سنت‌هایی به دلیل پایه‌گذاری آنها بر اصول الهی ماندگار شده‌اند و با اسلام درآمیخته و نمادی از هویت ملی ایرانی‌ها شده‌اند.

زبان فارسی به عنوان یکی از عناصر اصلی هویت‌ساز، بعد از ورود اعراب به ایران، در معرض خطر نابودی قرار گرفت. در زنده نگه داشتن ادبیات فارسی، یکی از مؤثرترین افراد یعقوب لیث صفاری است که از محمد وصیف سگزی، شاعری که به زبان عربی او را مدح می‌کرد، خواست که به فارسی شعر بگوید. به این ترتیب اولین شعر فارسی و اولین شعر پایداری این دوره شکل گرفته است.

پس از یعقوب لیث صفاری، نصر بن احمد سامانی دستور داد کتاب کلیله را، که یکی از نمادهای ادبیات فارسی است، به زبان فارسی ترجمه کنند و این اقدام مهمی در توجه به زبان فارسی و حفظ آن به‌شمار می‌رفت.



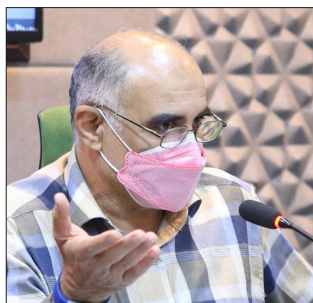
است، چه نسبت‌هایی برقرار است؟ ادبیات دفاع مقدس از منظر معرفت و هویت ایرانی و اسلامی یا دینی ملی را چگونه می‌توان تحلیل کرد؟ ضرورت بروز شاهکارهای ادبی هنری و معرفتی، پیش از آنکه ما مؤلفه‌های هویت خود را جمع‌بندی کنیم، به چه میزان است؟ آیا ما مجازیم از هویت در ساحت ادبیات دفاع مقدس سخن بگوییم، تا زمانی که شاهکار نیافریدیم؟ آیا نباید اول باید متن شاهکار باشد تا ما اطلاق عناصر هویتی بکنیم؟

به چند نکته در پرداختن به عنصر هویت برآمده از دوران دفاع مقدس باید توجه شود:

هویت از تولید و انباشت شاهکار می‌تواند پایدار

باشد. هویت محصول آگاهی است و آگاهی تعلق می‌آورد.

هویت بدون فرهنگ، زیبایی‌شناسی و ادبیات، هویت موفق و مخاطب‌گرایی نخواهد بود. برای ایجاد عناصر هویت‌ساز باید بسیار دقیق و با احتیاط عمل کرد. بین هویت و



اصالت آدمی نباید جدایی ایجاد کرد. باید تلاش کرد سرمایه‌های گرانقدر و گران‌بهای میراثی را در بیانی متناسب، قالب و شکلی مخاطب‌پسند عرضه کرد. هویت ایرانی با تکیه بر فرهنگ پایدارتر می‌ماند.

در هویت‌شناسی جنگ، از آنجاکه جنگ ما جنبهٔ مردمی داشت، مردم عنصر مهمی هستند و بایستی به آنها توجه شود.

معنای وطن در دوران دفاع مقدس، فراتر از حد و مرز جغرافیایی و یک امر کیهانی و ناموسی بود.

مجموعه‌ای از دین، وطن‌دوستی، مبانی انقلاب در ایجاد این تفکر نقش داشتند و اینها مسائلی است که باید در هویت‌شناسی جنگ در نظر گرفته شود.

در طول دفاع مقدس، اسطوره‌های ایرانی و

ایشان رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی بودند. مهم‌ترین موضوع از نظر دکتر قبادی در مسئله هویت، ایجاد سؤال است. طرح سؤال موجب شناخت و فهم مسئله می‌شود. تا پرسش نباشد، مسئله ایجاد نخواهد شد و تا مسئله‌ای نباشد هیچ امر مجهولی حل نخواهد شد. در چنین وضعیتی امکان اثربخشی و جذب مخاطب از بین می‌رود.

ضرورت توجه به نهاد مردم در وقایع و شکل‌گیری آثاری که منعکس‌کننده فعالیت‌ها و فرهنگ شکل‌گرفته در دوران انقلاب اسلامی و دفاع مقدس باشد، بازتولید اسطوره‌های ایرانی اسلامی در جنگ

و ضرورت توجه به این موضوع

در شکل‌گیری هویت و آثار ادبی، ارتباط هویت با تاریخ و فرهنگ مباحثی بودند که مطرح شدند.

در حوزهٔ هویت دو دسته سؤال مطرح است. دسته اول سؤال‌ها با عنوان پرسش‌های آغازین و عام به شرح زیر است:

هویت چگونه زنده می‌ماند؟ هویت سیال است یا ثابت؟ هویت امر پیشینی است یا پسینی؟ آیا هویت سرچشمه دارد یا خودش چشمه است؟ آیا هویت یگانه است یا ترکیبی و تلفیقی است؟ آیا می‌توانیم هویت را از سرچشمه‌اش جدا کنیم و باز هم هویت داشته باشیم؟ زاینده‌گی و بالندگی هویت کجاست؟ آیا هویت بدون فرهنگ، بدون تاریخ، بدون هنر، بدون ادبیات، بدون جغرافیای خودش و بدون معرفت می‌تواند کارآمد باشد؟

دسته دوم، پرسش‌های ثانوی و خاص هستند: آیا نسبت هویت دفاع مقدس، از هویت انقلاب اسلامی جداست؟ نسبت فرهنگ، تاریخ معرفتی و هویت ما با دفاع مقدس کدام است و چگونه

در زمان حمله مغول دو اثر مهم در حوزهٔ پایداری شکل گرفته است: یکی نفقه‌المصدر که بحث سفر و کوچ به خاطر جنگ را مطرح می‌کند و دیگری تاریخ جهانگشای جوینی است که با گزارش نقاط ضعف مغول‌ها در این کتاب، بعدها قیام‌هایی علیه مغولان صورت گرفت که باعث براندازی آنها شد. این شیوهٔ مقاومت و پایداری به شکل یک سنت درآمده است. این سنت در دوره‌های بعد به شکل‌های دیگری در ادبیات دیده می‌شود. دورهٔ بازگشت ادبی در زمان قاجار برای جلوگیری از تقلید از غربی‌ها ایجاد شده است.

در تکمیل این مطالب، دکتر سنگری، رئیس اندیشکدهٔ ادبیات پایداری چهار دلیل برای اینکه ادبیات پایداری با یک هویت مستقل به شکل سنت درآمده است ذکر کردند: ۱. دارای نام است؛ ۲. در حافظه‌ها جایگاه پیدا کرده است؛ ۳. دارای کثرت تولید است؛ ۴. ادبیات پایداری در حال رشد و گسترش است. یکی از مظاهر این گسترش، ترجمه این آثار به زبان‌های دیگر و ورود به قلمروهای دیگر زبان است.

اسلامی بازآفرینی و تولید شدند و جنگ به یک عنصر فرهنگی، آیینی و مردمی تبدیل شد.

نقش خرده فرهنگ‌ها در جنگ و ادبیات آن باید دیده شود.

عنصر زنان یکی از عناصر مهم هویتی در جنگ است؛ چه آنهایی که نقش مستقیم داشتند و چه زنانی که بعدها قلم زدند، نوشتند، شعر گفتند، در سینما فعالیت کردند و....

عناصر هویت‌ساز در ادبیات انقلاب اسلامی تاکنون مشخص شده‌اند. این عناصر در پیوند با معرفت، فرهنگ، هنر، ادبیات و تاریخ میراثی می‌تواند فربه و بالنده شود و با هوشمندی در عرصهٔ مخاطب‌گرایی می‌تواند پایدار بماند.

در پایان صحبت‌ها، یکی از حاضران نشست سؤالی با این محتوا مطرح کرد که آیا ادبیات پایداری شکل گرفته به صورت یک سنت در ادبیات فارسی درآمده است یا می‌تواند به صورت سنت دربیاید؟ دکتر بشیری در پاسخ به این سؤال گفت که ادبیات پایداری در تاریخ به صورت یک سنت درآمده است.

نشست دوم: هویت ملی، زبان و ادبیات فارسی، دفاع مقدس

نشست دوم اندیشکدهٔ ادبیات پایداری روز چهارشنبه ۱۳ مرداد ۱۴۰۰ در سالن طاهره صفارزاده برگزار شد. آقایان دکتر مسعود کوثری و دکتر مهدی سعیدی در این نشست حضور داشتند.

ایشان بیان کردند.

نخستین مطلبی که دکتر کوثری در سخنانش مطرح کرد، مشخص کردن معنای موردنظر این نشست و برگزارکنندگان از هویت است. باید مشخص شود که منظور ما از هویت چیست. آیا ادبیات در ایجاد هویت ملی نقش دارد و این بخشی از رسالت ادبیات است؟ عده‌ای رسالت ادبیات

دکتر مسعود کوثری دارای مدرک دکترای جامعه‌شناسی از دانشگاه شهید مدرس است. حدود چهارده کتاب تألیفی دارد و پژوهش‌ها و مقاله‌های بسیاری در حوزهٔ تخصصی‌شان انجام داده است. عناصر هویت‌ساز، رسالت ادبیات در ایجاد هویت ملی و مشخص کردن غیری که هویت ملی در قبال آن شکل می‌گیرد، مهم‌ترین عناوینی بود که

زمان اجتماعی این است که در هر زمان و شرایطی،
تصورات از جهان متفاوت است.

در مسئله هویت همیشه تعارض گفتمانی هم
وجود دارد. در کنار عنصر تصور، عنصری به نام هجو
و انتقاد وجود دارد. هجو هم یک راه تولید هویت
است. اینکه می‌گویند نیستیم، یعنی هستیم.
بنابراین هجوها در این شکل هم جزو بحث‌های
هویتی هستند که کمک می‌کنند هویت تعریف شود.
وقتی تصور از جهان از مسیر مشخصی عبور کند،
منجر به خلق آثار ادبی می‌شود. هرچقدر این تصور
عمیق‌تر و جامع‌تر باشد، اثری که خلق می‌کند مؤثرتر
و خاص خواهد بود. نمونه چنین اثری را در سینما و در
آثار شهید مرتضی آوینی می‌توان دید. تصویری که او
از جبهه در برنامه روایت فتح خلق کرد، منحصربه‌فرد
بود و یکی از عناصر هویت‌ساز بود.

هنرمندی که می‌خواهد با تصور خودش اثری ادبی
خلق کند، باید بتواند آن تصور را فشرده‌سازی کرده و
آن را به سمت نمادینه شدن و در نهایت خلق اثر ادبی
ببرد. جهانی که در چنین اثری دیده می‌شود، می‌تواند
هویت یک جمع را بیان کند. به طور مثال، محمود
دولت‌آبادی در رمان کلید به روستا و مسائل روزمره
آن به شکلی پرداخته و هویتی به آن داده است که به
یک جهان خاص تبدیل شده است.

دکتر کوثری با جمع‌بندی مطالبشان به این پرسش
رسیدند که آثار ادبی حوزه پایداری برای چه کسی
یا کسانی خلق شده است؟ آن‌ غیري که این آثار
برایش نوشته شده، کیست؟ اندیشکده ادبیات
پایداری باید به این پرسش پاسخ بدهد که این آثار،
برای هویت بخشی به چه کسانی در مقابل کدام غیر
نوشته می‌شوند؟ اگر این «غیر» مشخص شود، آثار
سمت و سوی مشخصی پیدا خواهند کرد.

دکتر سنگری هم در جمع‌بندی مطالب دکتر کوثری
پرسشی مطرح کردند که جهانی را که نویسنده

در ایجاد هویت را پذیرفته و این را رسالت ادبیات
متعهد می‌دانند. در مقابل هم افرادی هستند
که این تعهد ادبیات را در مقوله‌هایی غیر از ایجاد
هویت می‌پذیرند. گروه اول نظرشان براساس نظریه
هگل است که می‌گوید ادبیات به عنوان یک هنر
می‌تواند مفهوم را منتقل کند و این انتقال مفهوم
از طریق هنر، همان رسالت هنر است. تفکر گروه دوم
برآمده از نظریه گانت است که می‌گوید هنر برای هنر
آمده و با مفهوم ارتباط مستقیم ندارد. موضع دکتر
کوثری در نگاه به ادبیات و رسالت آن، نظری مابین
دو نظر فوق است؛ ادبیات متعهد است و این تعهد
محدودیت‌هایی دارد.

هویت ملی دو عنصر دارد: عنصر تعلق و عنصر
تصور.

در جامعه‌شناسی، تعلق عنصر کانونی هویت
است. در آثار ادبی بزرگی که وجود دارد، حس تعلق
وجود دارد. اما از نظر دکتر کوثری، عنصر کلیدی تصور
است. عنصر تصور این است که چه عناصری در
جهان من هستند و من چه رابطه‌ای با این عناصر
دارم. هنر و ادبیات اگر به این حس تصور نرسد، زایا
نیست. اثر ادبی باید بتواند جهان خاص خودش را
خلق کند. پس عنصر تصور یک عنصر هویت‌ساز
است. در شاهنامه فردوسی، زبان فارسی ارتقا یافته
است. اهمیت فردوسی در جهانی است که تصور و
خلق و مرزهای هویتی ایرانی با غیرایرانی را مشخص
کرده است.

دکتر کوثری اشاره‌ای به سؤال دکتر قبادی در
نشست قبلی داشتند که آیا هویت امری ثابت
است یا سیال و در پاسخ به این سؤال گفتند که
هویت امری است میان این دو. لایه‌هایی از هویت
ثابت هستند و لایه‌هایی متغیر که بسته به شرایط
و زمان تغییر می‌کنند. هویت لایه‌هایی دارد که
از لحاظ زمان اجتماعی با هم فرق می‌کنند. مقصود از

عرب، در مقابل ترک در دورهٔ سامانیان، غزنویان و حکومت‌های ترک، ایران در مقابل هند در دورهٔ صفوی، ایران در مقابل غرب در دورهٔ قاجار و قرن نوزدهم و بیستم، این تمایزها هویت‌ساز هستند.

پس از انقلاب در ایران، نخستین پژوهش‌های جدی در حوزهٔ هویت ایرانی در دههٔ ۷۰ توسط کسانی مثل احمد اشرف، احسان یارشاطر و شاهرخ مسکوب انجام شد. کتاب هویت ایرانی و زبان فارسی توسط شاهرخ مسکوب، کتاب هویت چهل تکه توسط مرحوم شایگان، و مشکل هویت ایرانیان توسط فرهنگ رجایی نوشته شدند. دربارهٔ هویت ایرانی سه روایت وجود دارد: روایت ملت‌گرا

یا ملت‌پرستانه، روایت مدرن و روایت تاریخی. هر سه این روایت‌ها در پاسخ به این پرسش به وجود آمدند که منشأ پیدایش ملت‌ها چیست و به چه دورانی بازمی‌گردد. روایت ملت‌گرا، که با صفت ناسیونالیسم رمانتیک هم از آن یاد شده است، ملت را

پدیدار طبیعی تاریخ بشری انگارد و می‌گوید منشأ آن را باید در دوران پیش از تاریخ جست‌وجو کرد. این هویت به کمک آثار فراوان مربوط به سنت‌های اسطوره‌ای و افسانه‌ای و تاریخ ایران، همیشه روبه تکامل بوده است. این روایت باب طبع محافل ملی است.

روایت مدرن در نیمهٔ قرن بیستم رواج پیدا کرده است. این روایت در کل دنیا وجود داشته و می‌گوید روایت ملت‌گرا راه افراط را طی کرده و مفهوم ملت را، که یک پدیدهٔ جدید و مدرن و در فلسفهٔ سیاسی جدید مطرح شده است، عطف به ماسبق می‌کنند. این روایت باب طبع چپ‌ها، جدایی‌طلبان قومی و امثال اینهاست.

می‌سازد، جهانی است که او می‌سازد یا جهانی است که مخاطب از او دریافت می‌کند و می‌سازد؟ یا این دو به مدد هم چنین جهانی را می‌سازند؟ یعنی مشترک در این موضوع و مسئله هستند.

در ادامه نشست، سخنران دوم، دکتر مهدی سعیدی، مطالبشان را مطرح کردند. ایشان دارای مدرک دکترای گونه‌شناسی و جریان‌پژوهی ادبیات داستانی برون‌مرزی ایرانی هستند. مقاله، کتاب و طرح‌های پژوهشی متعددی در حوزهٔ تخصصی‌شان انجام داده‌اند و مدیرگروه زبان و ادبیات فارسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی هستند. تبیین هویت، ارائهٔ روایت‌های مختلف از

هویت ملی، مراحل سیر تاریخی هویت در ایران و دیدگاه‌های دورهٔ معاصر در این حوزه، مباحثی بود که دکتر سعیدی در نشست مطرح کرد.

جایگاه بحث دربارهٔ هویت، در جامعه‌شناسی و علوم سیاسی است، اما از آنجاکه

بین دانش ادبی و جامعه‌شناسی پیوندهایی برقرار است، این موضوع در ادبیات هم قابل بررسی است. ادبیات امکان تفحص و جست‌وجو دربارهٔ مسائل و معضلاتی را فراهم می‌کند که در جامعه وجود دارد. ادبیات دربارهٔ رویدادهای واقعی، گزارش مستقیم نمی‌دهد و از راه مصاحبه و پرسش‌نامه نوشته نمی‌شود، ولی معضل و مسئلهٔ مدرنی را برای ما روشن می‌کند. هویت یک فرد یا یک گروه در همانندی یا تمایز آنها با گروه‌های دیگر مشخص می‌شود. در طول تاریخ هم به همین شکل بوده است: ایران در مقابل انیران در زمان ساسانیان، در مقابل توران در متن‌های حماسی و اساطیری، در مقابل روم در پیش از اسلام، ایرانی یا عجم در مقابل



غزنوی باز هم اهل علم تلاش می‌کنند که میراث فرهنگی ایرانی را در متون ادبی و تاریخی ذکر کنند. مکاتبات ایرانی در عهد محمود به فارسی برمی‌گردد. در دوره سلجوقیان از کاربرد واژه ایران برای اشاره به قلمرو پادشاهی پرهیز می‌کنند و کاربرد واژه ایران در آثار ادبی هم در این دوران بسیار کم است. در دوره ایلخانی تصور جغرافیایی از ایران برای اولین بار بعد از اسلام رواج پیدا می‌کند. در عهد صفوی برای اولین بار بعد از ساسانیان، ایران زمین یک واحد مشخص و تعریف شده پیدا می‌کند. صفوی‌ها مذهب شیعه را در ساخت هویتی خودشان وارد می‌کنند و سعی می‌کنند میان ایران و اسلام پیوند ایجاد کنند.

بعد از جنگ‌های ایران و روس و با تغییراتی که ایجاد می‌شود، روشنفکران ایرانی مفاهیم مدرن و ناسیونالیسم و هویت ملی ایران را بر اساس میراث غنی فرهنگ ایرانی، بسط و گسترش می‌دهند، ملت معنای سیاسی پیدا می‌کند و واژه ملی پسوند بسیاری از نهادها و سازمان‌ها

و آدم‌ها می‌شود؛ بانک ملی، سردار ملی، سالار ملی، مجلس شورای ملی. اما در همین دوران، روایت‌های هویتی به سمت یک جور ناسیونالیسم رمانتیک می‌رود که ایران گذشته را ستایش می‌کند و اسباب نابسامانی ایران را به اسلام و فرهنگ اسلامی ایرانی ربط می‌دهد. اینها مبنای هویتی عهد پهلوی هم می‌شود.

در دوران پهلوی چند سیاست هویتی مشخص وجود دارد: یکی بر مبنای نوسازی که ناسیونالیسم ملی را ترویج می‌کند. یکی سیاست روشنفکران چپ که ایده‌های جدایی طلبانه را ترویج می‌کنند. یکی برداشت‌های مذهبی که اینها در پیوند میان ایران

روایت سوم، روایت تاریخی یا تاریخ‌نگر است. این روایت می‌گوید هویت ملی در دنیای جدید به وجود آمده اما به استناد شواهد تاریخی، گسست بنیادین بین هویت ملی با هویت گذشته را نمی‌پذیرد و ضمن پرهیز از افراط و تفریط دو روایت قبلی، راه میانه‌ای را انتخاب کرده است. در هویت ایرانی، این روایت بین هویت ملی و هویت ایرانی تفکیک قائل می‌شود: هویت ملی چیزی است که در یکی دو قرن اخیر پیدا شده و هویت ایرانی چیزی است که در طول تاریخ وجود داشته است. این تاریخی که هویت ایرانی برآمده از آن است، هفت مرحله دارد: ۱. مرحله بنیادین که عهد ساسانی است؛ ۲. مرحله سکون و

رکود در قرن اول و دوم هجری؛ ۳. مرحله بازسازی که دوره حکومت‌های محلی ایرانی مثل سامانیان و طاهریان و صفاریان است؛ ۴. حکومت سلاجقه؛ ۵. حکومت ایلخانان مغول؛ ۶. دوره صفوی؛ و ۷. دوره جدید. ایران به عنوان یک واحد هویت‌ساز در عهد ساسانی به وجود آمده

است. با فروپاشی ساسانیان و حمله اعراب، ایران تا چند قرن دچار آشفتگی می‌شود اما در همین شرایط هم چند نکته خیلی مهم وجود دارد که هویت ایرانی را زنده نگه داشته است. قومیت ایرانی، سرزمین ایرانی، و زبان فارسی عناصری بودند که در آن آشفتگی هم هویت خود را حفظ کردند. در دوران سلسله‌های محلی ایرانی، به تجدید حیات میراث فرهنگی ایران کمک می‌شود. از عهد سامانیان، اندیشمندان ایرانی در شکل وزرا و دبیران و شعرا وارد حکومت می‌شوند. جنبش ادبی شعوبیه فعال می‌شود. در همین زمان‌ها، در تاریخ‌های اسلامی، اساطیر ایرانی با داستان‌های اسلامی پیوند می‌خورند. در دوره ترکان



کردند که دلیل عدم وجود اثری شاخص در این حوزه، این است که ما در عنصر تعلق مانده ایم و نتوانستیم به تصور برسیم. اما باز هم آثاری بوده اند که تاحدی به این سطح نزدیک شده اند. از جمله این آثار، جنگ دوست داشتنی است اما در حوزه داستان بلند و رمان، چنین اثری شناخته نشده است. ایشان پیشنهاد کردند کتاب اعترافات رمان نویس جوان نوشته امیرتو اکو خوانده شود. نویسنده در این کتاب، خلق جهانی را که ایجاد کرده است توضیح می دهد.

گذشته و ایران اسلامی و اینکه اینها هیچ تعارض و تباینی با هم ندارند صحبت می کنند. در پایان صحبت های دکتر سعیدی، خانم جمشیدی، یکی از حاضران در نشست، پرسشی را مطرح کردند که ناظر بر صحبت های دکتر کوثری بود. اینکه در حوزه ادبیات جنگ یا دفاع مقدس یا پایداری، کدام یک از آثار را حائز چنین ویژگی [گذر از عنصر نخست هویتی یعنی تعلق و رسیدن به عنصر تصور و خلق جهانی باورپذیر برای مخاطب] می بینید؟
دکتر کوثری پاسخ این سؤال را این گونه مطرح

سومین نشست اندیشکده ادبیات پایداری روز چهارشنبه ۱۷ شهریور ۱۴۰۰ با عنوان هویت ملی، ادبیات فارسی، ادبیات انقلاب اسلامی و با حضور دکتر غلامعلی حداد عادل، عضو شورای انقلاب فرهنگی، در حوزه هنری برگزار شد.

نشست سوم: هویت ملی، زبان و ادبیات فارسی، ادبیات انقلاب اسلامی

هویت جمعی یا هویت ملی هم سه لایه، مشابه لایه های هویت فردی دارد: مشخصات شناسنامه ای در مورد کل جامعه و تاریخ و جغرافیا به کار می رود. لایه دوم مشخصات فیزیکی است که در هویت جمعی می تواند شامل دارایی ها، ذخایر و... باشد. لایه سوم، یعنی همان شخصیت در هویت فردی، در هویت جمعی به صورت فرهنگ درمی آید. عناصر دخیل در شخصیت افراد، در فرهنگ یک جامعه هم نمود پیدا می کنند. حافظه فردی، تاریخ یک ملت است. عادت فردی، سنت در جامعه است.

زبان در فرد عنصر سازنده شخصیت و در جامعه عنصر سازنده فرهنگ است. زبان رکن اساسی هر فرهنگ است. در بیان هویت ایرانی، عنصر زبان حتماً بیان می شود. زبان ظرف فرهنگ است. ظرف محتوای داخلش را حفظ می کند و به آن شکل می دهد. زبان هم فرهنگ را حفظ می کند و هم به آن شکل می دهد.

تعریف هویت و ادبیات فارسی، هویت فردی و جمعی و لایه های آن، رابطه زبان و ادبیات فارسی با انقلاب اسلامی مباحثی بود که دکتر حداد عادل در این نشست مطرح کرد.

هویت یک بحث فلسفی است که معمولاً آن را به این همانی ترجمه می کنیم، هر چیزی، خودش خودش است. در تعریف ادبیات هم می گویند ادبیات صورت هنری زبان است. وقتی زبان جنبه هنری نداشته باشد، زبان است، اما همین که هنر به آن وارد می شود، ادبیات است. مقصود از زبان فارسی، هم زبان فارسی است و هم ادبیات فارسی. ادبیات تقریباً شامل زبان هم می شود. هویت به دو گونه فردی و جمعی تقسیم می شود. هویت فردی برای شناختن و شناساندن فرد به کار می رود و سه لایه دارد: مشخصات شناسنامه ای، مشخصات فیزیکی و شخصیت. با این دسته بندی، بعضی از هویت ها در جواب چیستی است و بعضی در جواب کیستی.

خاص. این فضا بر همه زبان‌ها اثر گذاشته و تأثیر آن مختص زبان فارسی نیست. به طور خاص، رابطه و تأثیر فضای مجازی و ادبیات انقلاب اسلامی قابل بررسی است.

در ادامه، خانم جمشیدی پرسشی را مطرح کردند که بیشتر ناظر بر کل موضوع جلسه و علت طرح آن بود؛ مسئله‌ای که موجب شده این نشست‌های هویت ملی و ارتباط آن با زبان و ادبیات فارسی و ادبیات انقلاب اسلامی و دفاع مقدس شکل بگیرد، چیست؟ اگر انقلاب اسلامی و دفاع مقدس از عناصر شکل‌گیری هویت ملی هستند، اینها در مقابل چه چیزی و کدام غیر، شکل گرفته‌اند؟ چالش‌ها و رقبا این عنصر کدام هستند؟

آقای دکتر سنقری پرسش‌های دیگری در خصوص اهمیت این پرسش طرح کردند و پاسخ به آن را نیازمند طرح جلسه‌های بعدی دانستند. برخی پرسش‌های ایشان از این قرار است: انقلاب اسلامی بر زبان و ادبیات فارسی چقدر تأثیرگذار بوده است؟ آیا ادبیات انقلاب، زبان فارسی را اعتلا بخشیده یا تخریب کرده است؟ آیا یک هویت نو ایجاد شده است؟

یکی دیگر از حاضران مجازی نشست، عنوان کردند که زبان و ادبیات فارسی قدمت زیادی دارد و رخ دادی که حدود ۴۰ سال از عمر آن گذشته است، نمی‌تواند بر این زبان اثرگذار باشد. دکتر حداد عادل در پاسخ به این مطلب، نمونه‌ای از تأثیر انقلاب بر ادبیات را بیان کردند. قالب بیشتر شعرها تا قبل از انقلاب اسلامی، شعر نو بود. با پیروزی انقلاب، بازگشتی به قالب‌های کلاسیک ایجاد شد به گونه‌ای که اکثر شاعران بعد از انقلاب در این قالب شعر سرودند.

تک‌تک کلمه‌های یک زبان هم می‌توانند نشان‌دهنده فرهنگ یک جامعه باشند. به طور مثال، کهکشان راه شیری را به انگلیسی می‌گویند milky way. علت نام‌گذاری انگلیسی‌ها به این دلیل است که بخشی از آسمان سفید است و مانند این است که در آن شیر ریخته باشند. ایرانی‌ها می‌گویند قافله‌ای با بارگاه از این سرزمین رد شده و این کاه‌های زردرنگ درخشان به زمین ریخته و این مسیر کاروان حکایت از کشیده شدن یک بار کاهی در این مسیر می‌کند. یک وجه هویت بخش دیگر زبان، خاصیت ارتباطی آن است. زبان واحد بین صاحبان آن زبان ارتباط برقرار می‌کند و همه

این افراد به این وسیله هویت جمعی پیدا می‌کنند. انقلاب اسلامی بدون تردید بزرگ‌ترین تحول سیاسی و اجتماعی دوران معاصر و بر همه چیز تأثیرگذار بوده است، از جمله زبان و ادبیات. تأثیر انقلاب بر ادبیات فارسی باید به شکل جزئی بررسی شود. از جمله این سؤال‌ها این است

که پس از رخداد انقلاب اسلامی، چه عناصر جدیدی وارد زبان فارسی شده است، چه شخصیت‌هایی وارد شده‌اند، آیا اسطوره‌های جدید خلق و وارد زبان فارسی شده‌اند؟ تحول واژگانی در چه حدی بوده است؟ چند کلمه عربی غیرمستطوح پس از انقلاب وارد زبان شده است و....

بررسی اشعار و شعارهایی که عامه مردم از آنها استفاده می‌کنند، می‌تواند در این موضوع کمک کند و نشان دهد که فرهنگ عامه چقدر از رخ‌دادها از جمله انقلاب اسلامی تأثیر پذیرفته است.

دکتر حداد عادل اشاره‌ای هم به تأثیر فضای مجازی بر زبان داشتند که دو وجه دارد: وجه عام و وجه





کتاب تخصصی کتابخانه شهید سوداگر

برای کسانی که در حوزه ادبیات پایداری قلم می‌زنند، نام کتابخانه شهید سوداگر موزه ملی انقلاب اسلامی و دفاع مقدس نامی آشناست. این مجموعه به علت برخورداری از گنجینه‌ای غنی شامل بیش از ۲۶ هزار عنوان کتاب و آثار غیرکتابی چون پایان نامه، اطلس‌های جنگ ایران و عراق، لوح فشرده، نشریات ادواری و آرشیو مجلات و روزنامه‌ها است، جامع‌ترین کتابخانه تخصصی با موضوعات انقلاب اسلامی و دفاع مقدس در کشور به‌شمار می‌آید. این کتابخانه به نام و یاد سرلشکر شهید احمد سوداگر از فرماندهان برجسته دوران دفاع مقدس و پایه‌گذار بسیاری از مراکز علمی، فرهنگی و پژوهشی نام‌گذاری شده است. با هدف معرفی و بررسی فعالیت‌های فرهنگی و پژوهشی این کتابخانه تخصصی، روز شنبه ششم شهریور ۱۴۰۰ با عبدالله قهری، مدیر اداره اسناد و مدارک و کتابخانه موزه ملی انقلاب اسلامی و دفاع مقدس، در محل این کتابخانه گفت‌وگو کردیم.

مقدس، ایده ایجاد بخشی که بتواند منابع و اسناد دفاع مقدس را گردآوری کند، در کنار مجموعه خود موزه شکل گرفته بود. از همان ابتدا، یعنی در سال ۱۳۸۹، قرار بود با شروع و در کنار احداث موزه، فضای کتابخانه هم دیده شود. روزی که این کتابخانه شروع به کار کرد، در این فضا هیچ چیزی نداشت. دوستان

□ پیش از همه از اینکه لطف فرمودید و وقتتان را در اختیار اندیشه‌نامه پایداری قرار دادید، سپاسگزارم. برای آغاز گفت‌وگو و به‌عنوان مقدمه، درباره شروع و زمان شکل‌گیری کتابخانه توضیح بفرمایید. این کتابخانه با چه هدفی ایجاد شد؟ از ابتدای تشکیل موزه انقلاب اسلامی و دفاع

باشیم. در حال حاضر، منابع موجود در کتابخانه، حوزه دفاع مقدس، محورهای موضوعی انقلاب، مقاومت و پایداری، جنگ، اسلام، تاریخ ایران و سیاست را نیز دربر می‌گیرد. در حال حاضر، در فضای کتابخانه تعداد منابع بالغ بر ۲۷ هزار منبع فارسی، لاتین، فرانسه و عربی است که شامل بیش از ۲۳ هزار عنوان کتاب فارسی، کودک و عربی، بیش از ۵۰۰ عنوان کتاب لاتین، ۱۰۰۷ پایان‌نامه فارسی، بیش از ۱۸۰۰ عنوان لوح فشرده، بیش از ۱۰۰۰ عنوان مقاله، ۴۰۹ عنوان نشریه و مجله تخصصی حوزه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس، حدود ۵۰ عنوان منبع جغرافیایی و ۵۰۵۱ منبع دیجیتال است. در مخازن، منابعی بسیار غنی جمع‌آوری شده و این کتابخانه از سال ۱۳۹۱ رسماً افتتاح و در معرض استفاده علاقه‌مندان و پژوهشگران در این حوزه قرار گرفته است.

رده‌بندی کتابخانه شهید سوداگر به صورت «کنگره» و شیوه نگهداری کتاب‌ها در این مرکز کتابخانه‌ای به صورت برقی است. البته مراجعان می‌توانند برای بازبینی منابعی چون نشریات و مجلات و برخی اسناد، خودشان از میان قفسه‌ها، منبع مورد نظر را بیابند. این کتابخانه با همکاری مراکزی چون مرکز اسناد و کتابخانه ملی ایران، وزارت اطلاعات و تمامی نهادهای نظامی، مجموعه کاملی از اسناد فراهم کرده که مطمئناً برای هر پژوهشگری جالب توجه و پاسخ‌گوی نیاز اوست.

در اینجا علاوه بر بحث منابع کتابخانه‌ای اعم از کتاب، لوح فشرده، پایان‌نامه و ...، ما یک آرشیو جامع دیجیتال هم داریم، که بالغ بر ۱۳۱ هزار ترابایت اطلاعات حوزه انقلاب اسلامی، دفاع مقدس و مقاومت را در خود گنجانده است. این مجموعه شامل سند، فیلم، صوت، و عکس حوزه دفاع مقدس است. بخشی از اسناد موجود در آرشیو جامع دفاع مقدس، محصول تاریخ شفاهی است

چند کارتن کتاب آوردند و کتابخانه با یک حرکت کاملاً جهادی ایجاد شد. بسیاری از کتاب‌هایی که الان در منابع جمع‌آوری شده‌اند متعلق به سال‌هایی است که بحث شایک و فیپا خیلی منظم و مدون نبوده و از برخی از این منابع، تنها یک نسخه در کتابخانه ملی وجود داشته است. برخی توسط سازمان‌هایی مثل سپاه و ارتش چاپ شده بود و در اختیار همین نهادها بود. واقعیت این است که جمع‌آوری منابع به شدت سخت بود. کسانی که آن زمان در فضای کتابخانه بودند در یک حرکت جهادی و دشوار، شروع به پیدا کردن این کتاب‌ها کردند. بعضی از آثار در بازار موجود و با یک جست‌وجو قابل دستیابی بود. اما از بعضی منابع فقط یک نسخه و آن هم در کتابخانه ملی وجود داشت که خوشبختانه هم‌اکنون در کتابخانه شهید سوداگر نیز موجود است. گاهی فقط نسخه‌ای از یک اثر در دانشکده دفاع ملی موجود بود که همکاران ما آن منابع را هم جست‌وجو و استخراج کردند. برخی از کتاب‌ها را هم با اجازه خود مؤلفان یا ناشران در سه نسخه بازچاپ و وارد مخزن کردیم.

□ در مورد موجودی منابع و وضعیت مخازن به صورت آماری توضیح بفرمایید. نوع رده‌بندی و موضوع‌بندی کتابخانه به چه صورت است؟

تا سال ۱۳۹۶ که اینجا باغ موزه دفاع مقدس بود، محوریت اصلی حوزه دفاع مقدس بود. هرچند کتاب‌ها از زمان پهلوی اول تهیه می‌شد، چون مطالعه پیش‌زمینه انقلاب در حوزه منابع دفاع مقدس مهم است و به عبارتی در حوزه ادبیات پایداری قرار می‌گیرد. از سال ۱۳۹۶، انقلاب و بحث مقاومت هم افزوده شد. سعی کردیم با خرید کتاب از کتابخانه‌های شخصی یا عمومی، منابع کتابخانه را در این موضوعات تکمیل کنیم تا بتوانیم در حوزه مقاومت هم منابع خوبی برای پژوهشگران داشته

و سیاست‌گذاری و به عبارتی ۷۰ درصد شرح وظایف ما این است که بتوانیم کل منابع دفاع مقدس را جمع‌آوری کنیم و حتی به صورت دیجیتال در اختیار مخاطب قرار دهیم. در بحث خرید و فروش هم با ناشران به توافق رسیده‌ایم که درصدهای فروش برایشان بگذاریم، درگاه خرید بگذاریم که هم آنها متضرر نشوند و هم مخاطبان با هزینه‌های کمتر بتوانند استفاده کنند. با توجه به شرایط کرونایی حال حاضر، بحث دیجیتال هم خیلی مهم‌تر شده است چون مخاطب قبلاً حضوری می‌آمد، کتاب را می‌گرفت و در سالن مطالعه می‌کرد. سعی داریم در ساخت اپلیکیشن دسترسی راحت‌تر و سریع‌تر مخاطبان اولویت باشد.

□ معمولاً یکی از مشکلات پژوهشگران همین

دسترسی به منابع است. یعنی نمی‌دانند چه منابعی در موضوع مورد نظرشان وجود دارد و یا در کجا می‌توانند این منابع را بیابند. آیا سامانه یا برنامه‌ای وجود دارد که بتوان منابع کتابخانه‌ای را رصد یا جست‌وجو کرد؟

بله. مشکلی که پژوهشگران دارند این است که دسترسی به منابع برای آنها خیلی سخت است. به همین دلیل، با توجه به وجود منابع غنی، اینجا یک مرکز بسیار مناسب برای پژوهشگران است که از سال ۱۳۹۱ فعالیت خود را شروع کرده و برای عموم هم هست. دسترسی به این کتابخانه از ابتدا برای عموم آزاد بوده و همه می‌توانستند به عنوان یک کتابخانه تخصصی به آن مراجعه کنند و هیچ‌گاه محدودیتی برای حضور مخاطب نداشته‌ایم. این کتابخانه از سال ۱۳۹۷ هم طی تفاهم‌نامه‌ای با نهاد کتابخانه عمومی کشور، به عنوان کتابخانه عمومی هم ثبت شده است. علاوه بر اینکه کتابخانه تخصصی دفاع مقدس و انقلاب اسلامی هستیم، به عنوان

که از سال ۱۳۸۹/۱۳۹۰ در این موزه ضبط شده است. این آرشیو طی دعوت از پیش‌کسوتان دفاع مقدس و مصاحبه و ضبط خاطرات آنها تهیه و به آرشیو جامع اضافه شد. آرشیوهایی که سند، صوت و عکس‌هایی از دوران دفاع مقدس را شامل می‌شود و بخش‌هایی از آن با خرید از آرشیوهای شخصی تهیه شده بود. موزه از همان ابتدا این آرشیوها را خریداری و به مجموعه اسناد اضافه کرده بود. بخشی از آرشیو مجموعه با فراخوان عکس و سند و از طریق رزمنده‌ها تهیه شد، به این صورت که از عکس‌ها و اسناد آنها کپی تهیه می‌شد، سپس نسخه اصلی را به آنها بازمی‌گردانیدیم. این روند کماکان ادامه دارد و به دنبال این هستیم که آرشیو را غنی‌تر کنیم تا پژوهشگران بتوانند دسترسی مناسب‌تری داشته باشند.

□ با توجه به اینکه فرمودید این کتابخانه به لحاظ

موجودی منابع بسیار غنی است، به گونه‌ای که منابعی در اینجا وجود دارد که تک‌نسخه و منحصربه‌فرد است یا اسنادی از فرماندهان در اینجا وجود دارد که جای دیگری نیست، برنامه‌ریزی شما برای استفاده عموم به‌ویژه دانشجویان از این منابع غنی چیست؟

ما برای استفاده از منابعمان محدودیتی نداریم. ضمناً به دنبال ایجاد یک کتابخانه دیجیتال هستیم. سه هزار عنوان منبع در کتابخانه دیجیتال داریم که باید آن را گسترش بدهیم. گسترش کتابخانه دیجیتال با توجه به منابعی که وجود دارد بسیار سخت است چون باید برای استفاده مجوز بدهند و هزینه خریداری هم دارد. ما در تلاش برای ایجاد یک اپلیکیشن کتابخانه هستیم که بتواند مجموعه فرایندها را برای مخاطبان تسریع کند و آنها بتوانند از منابع دیجیتال استفاده کنند چون هدف

کتابخانه عمومی هم هستیم و مراجعه‌کنندگان به راحتی می‌توانند مراجعه کنند.

همان‌طور که اشاره کردید یکی از مشکلاتی که در حوزه دفاع مقدس وجود دارد این است که پژوهشگران نمی‌دانند منابع در کدام کتابخانه یا مرکز وجود دارند. کار دیگری که در سطح ملی در حال انجام آن هستیم، بحث راه‌اندازی کتابخانه مرجع دفاع مقدس است تا پژوهشگران بدانند منبع مورد نظرشان در کدام کتابخانه موجود است. ما سال گذشته کتابخانه مرجع دفاع مقدس را راه‌اندازی کردیم که ان‌شاءالله در هفته دفاع مقدس رونمایی خواهد شد. این کتابخانه مرجع به پژوهشگران کمک می‌کند تا در جست‌وجوی خود بتوانند موجودی مخازن کتابخانه‌های متصل به این مجموعه را ببینند و بدانند که کتاب مورد نظرشان در کجاها وجود دارد. مثلاً شما در اصفهان هستید، کتابی را جست‌وجو می‌کنید و متوجه می‌شوید که در کتابخانه تخصصی بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس، نزدیک محل سکونت شما وجود دارد و نیاز نیست تا تهران بیایید. حال اگر مخاطبی در شیراز به منبعی که در کتابخانه ما موجود است نیاز داشته باشد، خاصه در این دو سال اخیر و به خاطر کرونا، کتاب را به صورت پستی برایش ارسال می‌کنیم. در گذشته، مخاطب مجبور بود حضوری به کتابخانه بیاید، منبع را جست‌وجو کند، برای استفاده ببرد، دو هفته بعد تمديد کند و دوباره کتاب را بیاورد. این برای خیلی از پژوهشگران سخت بود، ضمن اینکه ما در تمامی استان‌های کشورمان یا موزه دفاع مقدس داریم یا دارد ساخته می‌شود و در استان‌هایی که موزه ندارند، در بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس، کتابخانه دفاع مقدس دارند. تقریباً بیش از ۳۱ کتابخانه تخصصی دفاع مقدس در سطح کشور داریم که شاید خیلی از مخاطبان از هیچ‌کدام از آنها

اطلاع نداشته باشند. ضمناً خیلی از این مراکز برخط هم نیستند. یعنی همان سامانه قدیمی است که مخاطب باید برود ببینید در کدام مخزن وجود دارد که آنها هم برخط نیستند. در کتابخانه مرجع دفاع مقدس، همه مراکز کتابخانه‌ای رده‌بندی شده به سامانه برخط متصل می‌شوند و می‌توان موجودی منابع را در آنها بررسی کرد. البته درست کردن رده‌بندی تمام مراکز کار خیلی سختی بود. همه باید یکپارچه می‌شدند. بعضی از مراکز، کتابخانه‌هایشان هیچ برچسبی نداشت. هفت هشت هزار کتاب باید برچسب زده می‌شد. ضمن اینکه پروسه، پروسه طولانی است. اینها وظایف و کارهای دیگری هم دارند. اما ان‌شاءالله در هفته دفاع مقدس رونمایی می‌شود.

ضمن اینکه با بنیاد شهید و امور ایثارگران تهران هم صحبت کردیم که، با همین فرایندی که در کتابخانه مرجع وجود دارد، کتابخانه بنیاد شهید را هم در این سامانه وارد کنیم؛ یعنی مخاطب می‌تواند جست‌وجو کند که اگر منبع مورد نظرش در کتابخانه بنیاد شهید موجود است به آن مراجعه کند. در تلاش هستیم در هر کجای ایران کتابخانه‌ای این‌چنینی وجود دارد، وصل شود. مثلاً ما در استان خوزستان، در بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس اهواز، موزه خرمشهر و دزفول کتابخانه داریم. در برخی استان‌ها کتابخانه‌هایی داریم که همین‌طور شکل گرفته‌اند و جزو مجموعه بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس هم نیستند. آنها را هم پیدا کردیم. با کتابخانه پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس هم صحبت کرده‌ایم. آنها هم به این مجموعه می‌پیوندند. ادعای ما این است که جامع‌ترین کتابخانه دفاع مقدس هستیم، اما ممکن است منابعی را نداشته باشیم درحالی‌که مثلاً در پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس موجود است

آن قرار گرفته است مثل اینکه تا ۲۴ ساعت به کتاب دست نزنند تا خطرات سرایت بیماری هم کمتر شود. کتاب‌ها در تهران با پیک و در شهرستان با پست ارسال می‌شود. چون رفت و آمد برای پژوهشگران هم سخت است، کتاب‌های بیشتری را امانت می‌دهیم و مدت زمان امانت‌دهی را هم بیشتر کرده‌ایم. امکان تمدید کتاب به صورت تلفنی هم وجود دارد. زمان و تعداد کتاب‌ها را نیز افزایش دادیم، مگر در مورد کتاب‌های پژوهشی یا آثاری که تقاضای بیشتری برای آنها وجود دارد. در مورد استفاده از سالن مطالعه هم محدودیتی وجود ندارد. خیلی از کتابخانه‌های تخصصی این را محدود می‌کنند و می‌گویند شما به عنوان مخاطب عمومی اجازه استفاده ندارید. ولی ما اجازه می‌دهیم به همین علت افراد خیلی راحت می‌آیند، عضو می‌شوند و مدت‌ها از سالن استفاده می‌کنند، کتاب امانت می‌گیرند و بعد مشتری ثابت کتابخانه می‌شوند.

در کنار فراهم کردن این امکانات، آیا در این کتابخانه خدمات تخصصی هم به پژوهشگران داده می‌شود. مثلاً به دنبال ارائه موضوع پژوهشی یا مشاوره به پژوهشگران یا دانشجویان رشته ادبیات پایداری هستید؟

اگر لازم باشد آنها را به کارشناسان و مشاوران تخصصی در آن زمینه معرفی و وصل می‌کنیم. شرایطی را ایجاد می‌کنیم که بتوانند استفاده کنند. ما اینجا صرفاً یک کتابخانه نیستیم که بخواهند منابعی را بگیرند و استفاده کنند. سعی ما این است که خصوصاً پژوهشگرانی را که کارشان در دسترسی به این دریای منابع سخت است، یاری کنیم و از طریق ما بتوانند راحت‌تر با اساتید ارتباط بگیرند.

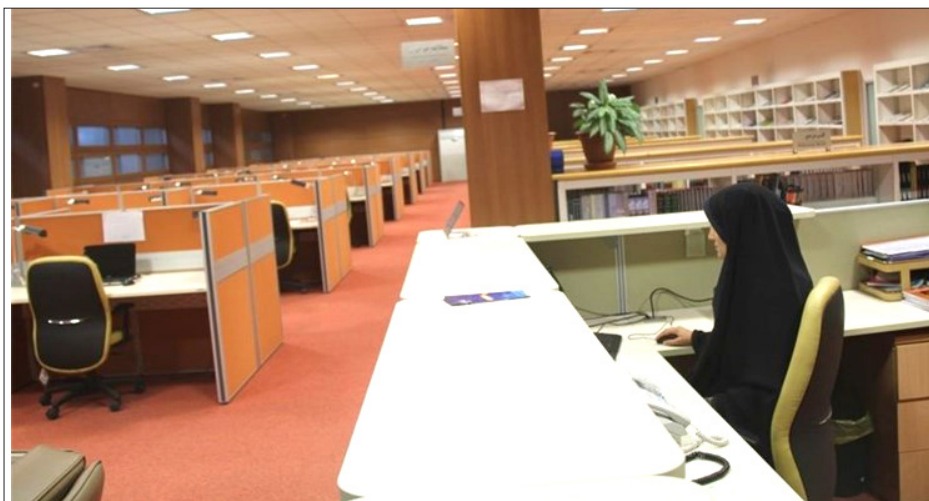
کار دیگری که انجام می‌دهیم، بحث آموزش است که منهای مباحث آموزشی خود سازمان است. ما اینجا دوره‌های داستان‌نویسی داریم. سال گذشته

یا کتاب‌هایی در مراکز استان‌ها چاپ شده باشد و ما نداشته باشیم. این کار ضمن ایجاد دسترسی راحت مخاطب، باعث می‌شود ما به فرایندی برسیم که اگر کتابی را در جست‌وجو پیدا نکردیم، تهیه یا اگر قابل تهیه نبود، باز چاپ کنیم یا مثلاً برخی از منابع مهم حوزه دفاع مقدس را، که باید در تمامی مراکز تهیه شود، فراهم کنیم. ممکن است یک استان از یک کتاب ۵ نسخه داشته باشد و استان کناری نداشته باشد و با هم مبادله کنند. در حال حاضر، به سبب آنکه از وضعیت موجودی منابع مطلع نیستیم، از این طریق می‌توانیم جامعیتی به منابع در حوزه دفاع مقدس بدهیم که منابع قابل دسترسی باشند.

درباره منابع دیجیتال هم یک سامانه‌ای در حال استقرار است که بتوانیم تمام فیلم‌ها و صوت‌هایی را که در کل مراکز بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس در سراسر کشور جمع‌آوری می‌شوند، اینجا در این سامانه ذخیره کنیم تا تحت وب برای مخاطبان قابل دسترسی باشند.

□ الان با توجه به شرایط کرونا، آیا خدمات غیرحضور در مجموعه شما وجود دارد؟

در دو سالی که کرونا پیش آمد، از ابتدا خیلی از کتابخانه‌ها تعطیل شدند ولی ما به خاطر فضایی که داشتیم و اینکه مخاطبان ما بیشتر پژوهشگران هستند نه مخاطبان عمومی، سعی کردیم خدمات رسانی را ادامه بدهیم. در این دوران، عضوگیری به صورت تلفنی انجام شد. با استفاده از سامانه تحت وب هم جست‌وجوی منابع به راحتی امکان پذیر شد. مخاطبان بعد از جست‌وجوی منابع، تماس تلفنی می‌گیرند و دوستان اینجا کتاب‌ها را با رعایت پروتکل‌ها و نکات بهداشتی برایشان آماده می‌کنند. کتاب با دستکش در پلاستیک گذاشته می‌شود و دستورالعمل‌های بهداشتی هم داخل



نیست که آموزش بدهیم و بگوییم خوب یاد گرفتید، حالا بروید و بنویسید. قاعدتاً این نویسندگان بیرون می‌روند و رمان بازاری می‌نویسند. ما می‌خواهیم چنین اتفاقی نیفتد. برنامه‌های حمایتی داریم. کارهای اول را چاپ می‌کنیم و کارهای بعدی‌شان را هم حمایت مالی می‌کنیم.

از دیگر فعالیت‌های جنبی ما، بحث «نذر کتاب، نشر اندیشه» است که یک طرح جهادی هبه و نذر کتاب است. سال‌هاست که بحث هدیه و مبادله کتاب را داریم. کتاب‌های مازاد، برای تجهیز و توسعه کتابخانه‌ها در مناطق محروم یا در روستاها و شهرهایی که کتابخانه ندارند، هدیه داده می‌شود. سعی‌مان این است با هدیه کتاب، کتابخانه‌شان را تجهیز کنیم. ما سال گذشته در دهه فجر، با همکاری گروه‌های جهادی، ۱۰ کتابخانه در ۱۰ روستای محروم اطراف تهران را تجهیز کردیم. کتابخانه ایجاد کردیم. ممکن است خیلی از منابعی که به کتابخانه ما اهدا می‌شود، ارتباط موضوعی با مجموعه ما نداشته باشد که آنها را به کتابخانه‌های دیگر اهدا می‌کنیم. الان این طرح را به صورت سراسری انجام می‌دهیم. چون ارسال کتاب به شهرستان‌ها برای ما سخت

دو دوره داستان نویسی برگزار کردیم که خروجی آن ۱۰ رمان در حوزه دفاع مقدس بود که طبق نظر اساتید برجسته دفاع مقدس، جزو کتاب‌های خوب هستند. نظریکی از اساتید پس از خواندن کتاب‌ها این بود که اگر داوران در زمان داوری به اسامی نویسندگان نگاه نکنند، این آثار جایزه هم می‌برند چون ممکن است به خاطر کتاب اولی بودن به آنها جایزه ندهند. بعضی از این اساتید، داوران جایزه جلال هستند. پارسال دوره داستان نویسی را با آقای شهریار عباسی داشتیم. امسال در حال برگزاری دوره داستان نویسی پیشرفته با آقای ابوالفضل درخشنده هستیم. دوره ۱۰ ترم است که ۵ سال طول می‌کشد اما در حال حاضر در سه ترم فشرده و به صورت برخط برگزار می‌شود. در فضای مجازی در سراسر کشور فراخوان داده‌ایم. هدفمان تربیت نویسندگانی در حوزه دفاع مقدس است؛ چون از میان آثار ادبی، مخاطب عموم با قصه و رمان و داستان راحت‌تر ارتباط برقرار می‌کند. ان‌شالله بتوانیم در این حوزه هم آثار خوبی منتشر کنیم. ضمن اینکه در بحث انتشارات، از این آثار حمایت هم می‌کنیم. وقتی اثر به تأیید استاد می‌رسد، چاپ و اتفاقات بعدی را هم بر عهده می‌گیریم. فقط این

است و افرادی هم در شهرستان‌ها وجود دارند که می‌خواهند کتاب اهدا کنند ولی برایشان هزینه‌بر و سخت است. ما با دفاتر بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس هماهنگ کرده‌ایم که آنها کتاب‌ها را تحویل بگیرند. مخاطب می‌تواند کتاب را در استان تحویل بدهد و ما هماهنگی‌اش را انجام می‌دهیم و دفاتر حفظ آثار کتاب‌ها را تحویل می‌گیرند و کتابخانه‌ها در روستاهایی که شناسایی کرده‌ایم، تجهیز و راه‌اندازی می‌شوند.

□ موانع و مشکلات پیش رو برای ارتقای عملکرد کتابخانه چه مواردی هستند؟ دربارهٔ عناصر بازدارنده و کندکننده یا به عبارت دیگر مهم‌ترین چالش‌های پیش رو در این مجموعه توضیح بفرمایید.

اتفاقی که در فضای کتابخانه افتاده، این است که اینجا به خوبی معرفی نشده است. برای شما مثالی می‌زنم. به دو دانشجوی تاریخ، کنفرانسی با موضوع عملیات ثامن الائمه داده بودند. از بچه‌های شهرستان هم بودند. آنها نتوانسته بودند منبعی مناسب با موضوع کنفرانسیشان آن هم در دورهٔ دکتری پیدا کنند. وقتی شما دانشجوی سال اول لیسانس باشی با جست‌وجو در اینترنت می‌توانی اطلاعاتی را بازیابی کنی. آنها به سختی منابعی را پیدا کرده بودند و متوجه شدند که در اینجا هم منابعی وجود دارد. ما با تماس گرفتند و گفتند منابعی را به ما معرفی کنید. به آنها گفتیم کلیدواژه بزنید. آن قدر تعداد منابع حاصل از جست‌وجو زیاد شده بود که آنها فرصت نکردند همه موارد را بررسی کنند. خوب این نشان می‌دهد که متأسفانه اینجا خیلی معرفی نشده است. مجموعه کتابخانه تخصصی انقلاب اسلامی و دفاع مقدس برای مخاطبان حتی مخاطبان تخصصی، ناآشنا است. شاید در ابتدای

ساخت این مجموعه، معرفی کتابخانه مدنظر نبوده است. با اینکه فضای خوبی داریم، اما در جایگاه خوبی قرار نگرفته است. خوشبختانه بحث ارتباطات خیلی بهتر شده و بیشتر ما را می‌شناسند. تعداد مراجعه‌کنندگان و اعضا رو به افزایش است. اما باز هم کم است و این اتفاق باید بیشتر و شدیدتر در جریان باشد. ضمن اینکه بحث جابه‌جایی مان هم برنامه‌ریزی شده است. طراحی شده که به سمت جنوب شرقی موزه برویم که یک فضای اختصاصی کتابخانه با فضای قابل دسترسی و جلوی دید باشد. فضای جدید ما، در مسیر باغ کتاب قرار می‌گیرد و کنار آن یک فضای کافه کتاب قرار می‌گیرد. فضایی که مخاطب خیلی راحت به آن دسترسی داشته باشد. افراد زیادی به موزه می‌آمدند ولی از وجود کتابخانه بی‌اطلاع بودند. کتابخانه تخصصی جنگ حوزه هنری شاید بیشتر از ما شناخته شده است. مثلاً یک نفر چهار سال به موزه می‌آمده است و در برنامه‌ها شرکت می‌کرده ولی می‌گوید مگر شما کتابخانه داشتید؟ بزرگ‌ترین مشکل ما این است که مخاطبان ما خیلی فضای کتابخانه را نمی‌شناسند.

□ نسبت کتابخانهٔ موزه ملی انقلاب اسلامی و دفاع مقدس با تولیدات فرهنگی و اندیشه را در چه می‌بینید؟

متأسفانه در ایران و در کتابخانه‌های تخصصی درصد بالایی از کتاب‌ها حتی از مخزن خارج نمی‌شود. گاهی در بسیاری از کتابخانه‌های تخصصی مان بالای ۸۰ درصد از منابع حتی یک بار هم خارج نشده‌اند و این اتفاق خوبی نیست. مشکل ما با پژوهشگران نیست، مشکل ما این است که سرانه مطالعه و کتاب‌خوانی مان پایین است. من اصلاً این سرانه کتاب‌خوانی را قبول ندارم چون کتاب‌های درسی و کمک‌درسی را هم تنگ آن می‌زنند. ما کتاب

شدند به دنبال برنامه‌های جنبی بروند و از کارهای جنبی استفاده کنند. داستان کرونا هم مزید بر علت شده، که بتوانند معرفی کنند و شرح وظایفشان کمی متفاوت‌تر می‌شود که بتوانیم معرفی کنیم. مردم بیشتر به سمت کتاب‌های صوتی و کارهای pdf رفتند؛ چون راحت‌تر است و حجم آن هم کمتر است. شما مثلاً هزار کتاب را در فلش یا در کامپیوتر نگهداری می‌کنید در حالی که اگر بخواهید ۲۰۰ کتاب را در خانه بگذارید بخش زیادی را اشغال می‌کند. هرچند من به شدت طرفدار کتاب فیزیکی و کاغذی هستم، اما کتاب صوتی را همه جا می‌شود گوش کرد، ولی کتاب فیزیکی را باید در جایی بگذاری و کتاب را به دست بگیری و بخوانی.

به طور کلی کتاب و کتاب خوانی اوضاع خوبی ندارد. برای همین راجع به این مسائل فکر کردن و صحبت کردن یک مقداری سخت است که واقعاً آیا با شرایط فعلی کتابخانه چه نقشی در تولید فرهنگ دارد و آیا می‌تواند نقشی در حوزه فرهنگ و اندیشه داشته باشد یا نه؟

□ آیا شما به دنبال ارتباط و تعامل با سایر مراکز کتابخانه‌ای و پژوهشی در دنیا هستید؟ اینکه کتابخانه خود را معرفی کنید یا از امکانات و فعالیت‌های آنها بهره‌گیری و استفاده کنید؟

نه متأسفانه وجود ندارد. ولی الان که شما مطرح کردید به نظرم پیشنهاد خوبی است و باید به آن فکر کنیم و برای آن برنامه‌ریزی کنیم. خیلی اتفاق خوبی می‌تواند بیفتد.

□ آیا این کتابخانه تأمین‌کننده نیاز گروه‌های سنی کودک و نوجوان هم هست؟

ما یک بخش کودک داریم که کتاب‌های حوزه دفاع مقدس کودک و انقلاب را جمع‌آوری کرده و به دلیل

نمی‌خوانیم. ما وقتی کمتر از ۲۰ دقیقه سرانه کتاب خواندن داریم، این سرانه کتاب خواندن نیست. سرانه مطالعه‌ای است که محصلان یا دانشجویان کتاب درسی یا کمک درسی می‌خوانند. پژوهشگری که شغلش مطالعه کتاب است نباید جزو سرانه مطالعه کتاب قرار داد. پژوهشگر از من کتاب می‌گیرد، می‌برد، کتاب می‌خرد، چون کارش این است. وظیفه‌اش این است. سرانه مطالعه را با مردم می‌سنجند، مردم کتاب می‌خرند و می‌خوانند. ولی با همه این اوصاف سرانه مطالعه زیر ۲۰ دقیقه است.

من یادم است که یک زمانی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان به شدت شلوغ بود. برای بچه‌ها خیلی خوب بود. نویسندگان زیادی در کانون تربیت شدند. من زمانی در کتابخانه‌های عمومی عضو بودم. آن زمان به گونه‌ای بود که وقتی می‌خواستی در یک کتابخانه عمومی کتاب بخوانی، باید صبح می‌رفتی که جا پیدا کنی. اتفاق می‌افتاد که بارها و بارها برای امانت یک کتاب مراجعه می‌کردی و در امانت بود به طوری که در نهایت با مسئول کتابخانه رفیق می‌شدیم که کتاب را برایمان رزرو کند. همه هم با سلیقه‌های مختلف مراجعه می‌کردند. همه جور کتابی خوانده می‌شد. کتاب‌ها را به همین راحتی تمدید نمی‌کردند. تأخیر را قطعاً از شما می‌گرفتند. یک کتاب فروشی نزدیک محل ما بود که شب‌ها هم کتاب امانت می‌داد؛ مثلاً کتابی را سه روز امانت می‌داد و مبلغی هم می‌گرفت. وقت‌هایی کتاب‌های او را هم سخت می‌شد پیدا کرد. الان کتابخانه‌ها جریمه دیرکرد نمی‌گیرند، تمدید می‌کنند و کتاب‌ها به راحتی قابل دسترس است. با این اتفاقات شما نمی‌توانید دماسنج اوضاع فرهنگی باشید. کتابخانه‌ها خیلی مهجور شده‌اند. کتابخانه صرفاً برای یک قشر خاصی شده است. در صورتی که کتابخانه عمومی برای عموم بود. ضمن اینکه کتابخانه‌ها مجبور

□ با توجه به تغییرات سبک زندگی و برای همگام شدن با تکنولوژی، تولیدات صوتی و دیجیتالی در کتابخانه به چه صورت است؟

ما اینجا تولید کتاب صوتی داریم. در ابتدا تولید کتاب صوتی در کتابخانه برای نابینایان بود؛ یعنی مجوزی که از ناشران گرفته شده بود برای استفاده نابینایان بود. سال بعد این اتفاق افتاد که کتاب صوتی تولید شود. امسال هم در حال پیگیری این هستیم که از یک سری گویندگان مطرح استفاده کنیم. مذاکراتی شده، چون برای برخی از مخاطبان غیر از محتوا، صدا هم مهم است. صدای گرم و جذاب و شناخته شده، خود می تواند به گوش کردن کمک کند. پادکست هایی هم با عنوان آوای کتابخانه برای معرفی کتابخانه تولید می کنیم. پنج شش تا هم تولید کردیم که در جشنواره رسانه ها نهاد کتابخانه های عمومی، رتبه سوم را به دست آورد. پادکست های ده دقیقه ای برای فضای مجازی تولید می کنیم. در فضای مجازی فعالیت می کنیم، البته گسترش آن در این حوزه ها یک مقداری سخت است.

□ به عنوان سخن آخر اگر نکته ای باقی مانده بفرمایید.

در کتابخانه تخصصی انقلاب اسلامی و دفاع مقدس بدون هیچ محدودیتی می توان از منابع استفاده کرد. گنجایش سالن مطالعه آن ۷۰ نفر است و امکان اسکن کردن، استفاده از آرشیو نشریات و اتصال به فضای مجازی هم وجود دارد. قبلاً یک نشریه هم با عنوان سرو چاپ می شد که الان دست روابط عمومی است. این نشریه قبلاً دست ما و جزو وظایف کتابخانه بود که بعدها جدا شد.

□ از شما برای فراهم کردن فرصت این گفتگو متشکرم. مؤید باشید.

اینکه مخزن ما بسته است، به راحتی برای مخاطبان قابل دسترسی نبود و کسی هم نمی دانست. این فضای وسط کتابخانه را به قفسه کودک تبدیل کردیم که کودکان به راحتی بتوانند کتاب ها را ببینند. حتی همسریکی از دوستان ما در یکی از شهرک ها برای بچه ها کتاب خوانی راه انداخته بود. ما گفتیم که کتابش را تأمین می کنیم. بعد از آن بچه ها را عضو کتابخانه کردیم. شاید برای خیلی ها تصور اینکه در کتابخانه تخصصی موزه دفاع مقدس، کتاب کودک وجود داشته باشد دشوار است. ما در منابعمان این را هم دیدیم. سعی مان هم این است که این اتفاق به راحتی برای بچه ها بیفتد. زمانی که کرونا نبود، بحث قصه گویی کودکان داشتیم. هرازگاهی از کودکان ۴ تا ۱۰ سال در بخش های مختلف دعوت می کردیم به دلیل اینکه بعضی وقت ها پدر و مادرها حوصله نمی کنند بچه را به کتابخانه ببرند. حتی خودشان خیلی به سراغ کتابخانه نمی روند چه برسد به اینکه بچه را ببرند. ما دقیقاً این کار را در فضای کتابخانه ای انجام دادیم. همیشه تصور بر این است که بچه ها در کتابخانه سروصدا می کنند و نباید بروند. فکر کردیم این بچه ها باید پایشان به کتابخانه باز شود. کتابخانه برای بچه ها باید جذاب باشد. ما فضای قصه گویی و عروسک گردانی برای کودکان فراهم کردیم. متأسفانه کرونا برنامه های این چنینی را از بین برد. در همین فضای کتابخانه جلوی سالن صندلی های کودکان را می چیدیم و به مراجعان هم از روز قبل اعلام می کردیم که فردا چنین برنامه ای داریم. روزهایی پیش آمد که بیش از صد بچه اینجا جمع می شدند. شعرخوانی، قصه گویی و نقاشی داشتیم. کتاب های دفاع مقدس، مقاومت و انقلاب و مفاهیم آن را برای بچه ها همراه با قصه خوانی و شعرخوانی ترویج می کردیم و نهایتاً به بچه ها هدیه هایی می دادیم که برایشان جذاب باشد.

انتشارات موزه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس

انتشارات موزه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس از زمان تأسیس تا امروز، از فعال‌ترین ناشران در حوزه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس به‌شمار می‌آید که با رویکرد ترویج و تقویت فرهنگ والای انقلاب اسلامی و بیان ارزش‌ها و دستاوردهای دفاع مقدس و تبیین فرهنگ محور مقاومت، به چاپ و نشر آثار اقدام کرده است. مسئولیت انتشارات از اردیبهشت ماه ۱۴۰۰، به داود صلاحی سپرده شده است. سابقه فعالیت و مدیریت ایشان در مجموعه کتابخانه و انتشارات موزه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس به سال ۱۳۹۷ برمی‌گردد. متن پیش رو حاصل مصاحبه با ایشان است که روز شنبه، ششم شهریور ۱۴۰۰ در محل کتابخانه تخصصی شهید سوداگر در موزه ملی انقلاب اسلامی و دفاع مقدس صورت گرفته است.

اصلی آن بود، به کارهای دیگر هم ورود پیدا کرد. از همان ابتدا بحث کتابخانه و تهیه آرشیوی از اسناد و مدارک درباره جنگ پیگیری شد و کم‌کم به این فکر افتادیم که اقدام به چاپ کتاب کنیم. ابتدا کتاب‌ها با کمک ناشران دیگر، یعنی به صورت حمایتی چاپ می‌شد و آرم موزه، به عنوان حامی کتاب، در کنار آرم ناشر آورده می‌شد. اما بعد به این فکر افتادیم که

□ پیش از هر سخنی از طرف اندیشه‌نامه پایداری از شما متشکرم که فرصت این گفت‌وگو را فراهم آوردید. به عنوان اولین سؤال از زمان شروع فعالیت و شکل‌گیری انتشارات بفرمایید.

انتشارات موزه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس از سال ۱۳۹۳ شکل گرفت. خود موزه از سال ۱۳۹۳ شروع به کار کرد. در کنار کار موزه‌داری، که وظیفه



انتشارات داشتید؟

در کنار توسعه کمی، بحث توسعه کیفی هم بود. چون کتاب‌هایی که قبلاً چاپ می‌شد، عمدتاً برون‌سپاری می‌شد و موزه عملاً هیچ کاری را خودش انجام نمی‌داد. کار ویراستاری، صفحه‌آرایی و طراحی جلد و چاپ، همه بیرون انجام می‌شد و موزه فقط مدیریت می‌کرد. ولی بنا شد که همه اینها در خود موزه و با مدیریت موزه انجام گیرد. بنابراین ما در کنار آن توسعه کمی، چند کار دیگر هم انجام دادیم. یکی تدوین آیین‌نامه نشر بود که ما بدانیم در حوزه نشر چه کارهایی باید انجام بدهیم تا سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی داشته باشیم. یک آیین‌نامه یا پیش‌نویس آماده شد که اهداف موزه را در خودش دیده و سیاست‌ها را مشخص کرده بود. در کنار آن وارد حوزه برنامه‌ریزی اجرایی هم شدیم. با گرافیکست‌های مختلف درباره گرافیک داخلی صفحات و طرح جلد کتاب و الگوی کتاب‌سازی صحبت کردیم تا اینکه بتوانیم برای خودمان یک الگوی اختصاصی داشته باشیم و صفحه‌آرا طبق آن الگو کتاب را صفحه‌پردازی کند یا طراح جلد طبق آن الگو جلد‌هایمان را آماده کند. این کارها انجام شد. در کنار آن، ظرف ۶ ماه تا هفته دفاع مقدس، ۲۰

کار چاپ را به صورت مستقل انجام دهیم. از سال ۹۳ پروانه نشر موزه منتشر شد و چاپ کتاب شروع شد. البته کتاب‌هایی که تا آخر سال ۹۶ چاپ شده، کمتر از ۲۰ عنوان است؛ یعنی به صورت حرفه‌ای نیست. بنده از سال ۹۷ مسئول انتشارات شدم. رویکرد دکتر جعفری، که چند ماهی بود مدیریت موزه را در دست گرفته بودند، این بود که موزه به صورت جدی‌تری وارد بحث نشر شود. در واقع، در قامت یک ناشر حرفه‌ای خودش را نشان بدهد. برای همین اهداف جدیدی را ترسیم کردند که از جمله تغییر مدیریت بود و کار را به بنده سپردند و رویکردهای جدیدی را ابلاغ کردند. براساس رهنمودهای مقام معظم رهبری در سال ۹۶ با فاعلان فرهنگی که فرمودند من به این فعالیت‌های خوب شما راضی و قانع نیستم، باید تولیدات ما در سال ۹۷ صد برابر بشود، سردار کارگر ابلاغ کردند که همه فعالیت‌ها بارویکرد صد برابری جلو برود. از انتشارات موزه هم با توجه به این فرمایش رهبری، خواستند که اگر بتوانیم تا آخر سال، ۱۰۰ عنوان کتاب چاپ کنیم.

□ در کنار تمرکز بر افزایش کمی به عنوان یکی از مهم‌ترین اهداف، چه برنامه‌های دیگری برای

آخرتی در مورد شهید مغنیه بود. در نمایشگاه کتاب سال ۱۳۹۸، همکاران ما این کتاب را به مقام معظم رهبری نشان دادند و ایشان امضایی روی برگه اول کتاب انجام دادند که به عنوان یکی از افتخارات موزه هم ثبت شده است. منظور اینکه کارهای خوبی از نویسندگان تازه کار تولید شد. سعی کردیم کار نویسندگان دیگری را که توسط ناشران دیگر پذیرفته نمی شد، بپذیریم و زمینه را برای راهنمایی و مشورت آنها از نویسندگان حرفه ای تر فراهم کنیم. مثلاً آقای دکتر کامور بخشایش کار را ارزیابی می کردند و نقاط ضعف را به نویسنده ارجاع می دادیم. تلاش ما این بود که کار را ارتقا بدهیم و نویسنده برخی از اصول حرفه ای نگارش را در همین رفت و برگشت ها بیاموزد.

از دیگر رویکردهای ما، حمایت از ناشران خصوصی بود که بحث نشر مشترک را پیگیری کردیم. بعضی از ناشران تولیداتی داشتند که نمی توانستند سرمایه گذاری کنند و به انتشار انبوه برسانند؛ یعنی ماکت کتاب آماده بود، ولی نمی توانستند سرمایه گذاری و در شمارگان بالا چاپ کنند. بخشی از این کارها را به صورت نشر مشترک انجام دادیم، حتی شابک و فیپا به اسم همان ناشر اصلی خورد و اسم ما به عنوان ناشر همکار ثبت شد، ولی سرمایه گذاری آن توسط ما انجام شد. چه ناشران خصوصی و چه ناشرانی که متعلق به نهادی بودند که از لحاظ مالی خیلی دستشان باز نبود و نمی توانستند سرمایه گذاری کنند.

□ در مجموعه های انتشاراتی معمول این است که به صورت انفعالی عمل می کنند، یعنی کسانی اثری را می نویسند و اثرشان را برای چاپ به یک ناشر می سپارند. اما برخی ناشران به صورت فعال عمل می کنند؛ یعنی موضوعات و نیازها را می یابند

عنوان کتاب چاپ کردیم. پنجاه عنوان دیگر هم در حال آماده سازی بود که تا دهه فجر و تا آخر سال، آن هفتاد عنوانی را که وعده داده بودیم آماده کردیم. ضمن اینکه کارهای دیگری مثل شرکت در نمایشگاه بین المللی کتاب و نمایشگاه قرآن و ... هم بود که کتاب هایمان را عرضه کردیم. هفتاد عنوان کتابی که مراحل آخرش را طی می کرد، در فروردین ۱۳۹۸ زیر چاپ رفت و در نمایشگاه بین المللی کتاب در اردیبهشت ماه، با حضور سردار کارگر و بعضی از سرداران دفاع مقدس رسماً رونمایی شد. تا اینجا کاری که ما انجام داده بودیم به ظهور و نتیجه رسید. طی دو سال مسئولیت آقای قهری یعنی از آذرماه ۱۳۹۷ تا اردیبهشت ۱۴۰۰، کار چاپ کتاب ها به همت ایشان ادامه داشت تا اینکه آقای دکتر جعفری اردیبهشت ماه به بنده فرمودند که به خاطر حجم زیاد کارها و توقعاتی که از انتشارات می رفت، کار را به عهده بگیرم و به این صورت کتابخانه از انتشارات تفکیک شد.

□ به نظر می رسد یکی از رویکردهای مهم انتشارات موزه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس، حمایت از نویسندگان نو قلم است؛ این در حالی است که اغلب ناشران از نویسندگان تازه کار و ناشناخته حمایت نمی کنند.

یکی از رویکردهای ما حمایت از نویسندگان تازه کار و نو قلم بود. معمولاً ناشران این ریسک سرمایه گذاری را نمی پذیرند. ما این ریسک را پذیرفتیم. کسانی را که کاری دارند یا تمایل دارند کاری در حوزه دفاع مقدس انجام بدهند ولی سابقه و رزومه ای ندارند، حمایت کردیم. کسانی که احتمالاً اگر کارشان را جای دیگری ببرند، کار آنها را چاپ نکنند، مگر به شرط سرمایه گذاری خود نویسنده یا اینکه حق تألیف ندهند. از نمونه های موفق، کار خانم الهه

و می‌شناسند و به نویسندگان متبحر در این حوزه سفارش می‌دهند. آیا مجموعه شما جزو انتشارات فعال است؟ و به عبارت دیگر سهم انتشارات در تولید محتوا چگونه است؟

یکی از برنامه‌های ما، حمایت از پایان‌نامه‌های دانشجویی است. بحث انفعالی را که فرمودید ما خواستیم به این شکل جبران کنیم. بسیاری از پایان‌نامه‌های خوب و ارزشمند، قابلیت تبدیل به کتاب داشت. ابتدا به این شکل بود که دانشجویان از پایان‌نامه‌هایی که خود موزه حمایت مالی می‌کرد، نسخه‌ای هم به ما تحویل می‌دادند. ما پایان‌نامه‌ها را بررسی کردیم و مواردی را که برای مخاطب بیرونی و عام ارزش انتشار داشت، به چاپ سپردیم. با نویسندگان مختلفی هم وارد گفت‌وگو شدیم که کتاب‌هایشان را برای چاپ به اینجا بیاورند و به کسانی که کارآماده نداشتند، موضوع سفارش دادیم. سعی کردیم نویسندگان را فعال کنیم و به آنها حق تألیف دادیم. خیلی از کارهایی که در حوزه پژوهش، رمان، داستان و شعر انجام شده، سفارش خودمان بوده است.

□ این مسئله‌شناسی شما به چه صورت اتفاق می‌افتاد؟

کار روی زمین مانده در حوزه دفاع مقدس آن قدر زیاد هست که به این احتیاج ندارد که بخواهیم یک کار کارشناسی انجام بدهیم. کسی که در این حوزه هست می‌داند چه موضوعاتی کار نشده است. یک دسته از موضوعات به همین شکل است. مثلاً راجع به شهدای مدافع حرم زیاد کار نشده است. کارهایی که دارد انجام می‌شود عمدتاً کارهای بازاری و کارگیشه‌پسند است؛ مثلاً بیشتر به سراغ شهیدی می‌روند که موضوعات جذابی در زندگی‌اش وجود دارد و باعث جذب مخاطب و فروش کار می‌شود. درحالی‌که افراد گمنامی هستند که خیلی هم مؤثر

بوده‌اند ولی شناخته نشده‌اند و باید درباره آنها کاری تولید شود. فرض بفرمایید بزرگان مدافع حرم و پایه‌گذاران حشدالشعبی، پایه‌گذاران بسیج مردمی سوریه، کسانی که جزو حلقه اولیه مدافعین حرم اعزام شده به سوریه بوده‌اند، یا در حوزه سرداران دفاع مقدس هم به همین شکل است. سردارانی که بعدها به سوریه هم رفتند و به شهادت رسیدند و هیچ کاری هم راجع به آنها انجام نشده است. سرداران گمنامی که هم در حوزه دفاع مقدس و هم در فاصله دفاع مقدس تا جنگ با داعش خدمات خیلی زیادی در نیروهای مسلح داشتند و بعد از آن هم وقتی جنگ با تکفیری‌ها اتفاق افتاد، آنجا حاضر شدند و به خاطر رتبه بالای نظامی، خدمات و اثرگذاری زیادی داشتند و بعد به شهادت رسیدند و هیچ اسمی از آنها نیست، نسبت به آن شهید بزرگوار محترمی که یک رزمنده ساده بوده ولی کتاب او به دلیل جذابیت‌هایی که داشته توسط ناشران مختلف چاپ شده است. بنابراین در این حوزه وارد شدیم و سوژه‌هایی را که زمین مانده بود، شناسایی کردیم.

□ یعنی به صورت جدی در بحث تاریخ شفاهی وارد شدید. لطفاً در این مورد بیشتر توضیح بفرمایید.

بله. بحثی که ما به جد وارد شدیم، بحث تاریخ شفاهی دفاع مقدس بود که فصل جداگانه‌ای است که جزو فعالیت‌های موزه بوده است. از ابتدای تشکیل موزه، بخشی به نام تاریخ شفاهی شکل گرفت که از فعالان و ایثارگران مختلف در حوزه دفاع مقدس، از رده‌های جزء تا سردارانی مثل سردار غلامپور، سردار طلایی، بزرگانی که شهید شدند مثل شهید سوداگر یا سردارانی که مسئولیت دارند مثل سردار فضلی، حتی بعضی از بزرگان مثل آقای رفیق‌دوست، سرداران رده‌های عالی جنگ و حتی فرماندهان پاسگاه‌های مرزی را برای ثبت

مقدس بفرمایید. برای مثال، اندیشکده ادبیات پایداری به دنبال تولید محتوای درسی و کتاب‌های مناسب برای رشته ادبیات پایداری در دانشگاه‌ها است. آیا شما در این زمینه آمادگی همکاری با اندیشکده را دارید؟ آیا شما در زمینه پژوهش‌های ادبی فعالیتی داشته‌اید؟

این مسئله از حوزه انتشارات خارج و وارد کار حوزه معاونت آموزش و پژوهش می‌شود. می‌توانید بعداً یک مصاحبه تخصصی با حوزه آموزش و پژوهش داشته باشید. کارهایی در مورد کتاب‌های درسی دانش‌آموزی راجع به درس آمادگی دفاعی انجام شده است. فکر می‌کنم یک دوره عملی داشتند که یک روز برای بازدید موزه می‌آمدند. کارهایی هم در مورد درس مبانی انقلاب اسلامی و دفاع مقدس در دانشگاه‌ها تصویب و از طرف بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس به وزارت علوم ابلاغ شده که محتوایش در موزه آماده می‌شود. دانشکده علمی کاربردی هم شکل گرفته که دانشجو هم می‌پذیرد و اصطلاحاً به آن دیپارتمان آموزش موزه می‌گویند. دوره اول دانشجویهایش را امسال گرفته و از آغاز سال تحصیلی تدریسشان آغاز می‌شود.

□ **با توجه به شروع مجدد مدیریت حضرتعالی از اردیبهشت ماه سال جاری، در دوره جدید مسئولیت چه قدم‌هایی برداشته شده و آیا برای رسیدن به یک مدیریت کارآمد، نقاط ضعفی که در گذشته وجود داشته شناسایی و به عبارتی ارزیابی عملکرد گذشته صورت گرفته است؟**

زمانی که من مجدداً کار را به عهده گرفتم، علی‌رغم زحمات قبلی، ضعف‌هایی وجود داشت. مثلاً کتاب‌های چاپ شده بعضاً ایرادات گرافیکی و فنی داخلی داشتند به طوری که اعتراض برخی ناشران حرفه‌ای و نویسندگان را برانگیخته بود. بنابراین،

خاطراتشان دعوت کردند. ما در حال حاضر، گنجینه عظیمی یعنی بیش از ۸ هزار ساعت تاریخ شفاهی ضبط شده داریم که به صورت صوت و فیلم موجود است و بیش از ۶۰ درصد آنها پیاده‌سازی هم شده است. منبعی غنی که از درون آن می‌شود سوژه‌یابی کرد و بخشی از سوژه‌یابی ما از اینجا است. ما از نویسندگان دعوت می‌کنیم تا با استفاده از مجموعه تاریخ شفاهی، موضوعات و سوژه‌هایی را متناسب با توانایی و تخصص و علاقه‌مندی خودشان انتخاب کنند. مثلاً در مورد فلان آزاده؛ کسی که تک‌نگاری می‌کند و خاطرات فردی می‌نویسد، به سراغ خاطرات آزاده‌ای که با آن بیشتر ارتباط می‌گیرد رفته و خاطرات او را می‌نویسد و به صورت کتاب درمی‌آورد. یا در حوزه پژوهش جنگ هم به همین شکل است؛ مثلاً در حوزه مهندسی رزمی، جنگ الکترونیک و مخابرات، جنگ آبی، توپخانه سپاه و مواردی که تاریخ فتی جنگ است و خاطرات تک‌نگاری نیست، مجموعه‌ای از افراد آمدند و خاطراتشان را بازگو کردند. اینها به صورت پژوهشی است. ما الان حدود ۱۰ کتاب به این شکل داریم که کار پژوهش جنگ است. یا مثلاً در حوزه بهداری، پزشکان و پرستارانی که در جنگ حضور داشتند و خاطراتشان به صورت جمعی شکل دهنده حوزه بهداری دفاع مقدس است. به این شکل موضوعات شناسایی می‌شود و نویسندگان مشغول به کار می‌شوند. در این حوزه فعال بودن ما بیش از موضع انفعالی ماست. کارهایی که ما خودمان سفارش دادیم بیشتر از کارهایی بوده که نویسندگان محترم آوردند و ما قبول کردیم. در مواردی که نویسندگان می‌آوردند، رویکردمان همان بحث حمایتی بود.

□ **در بحث پژوهش، کمی هم درباره تولیدات انتشارات در حوزه پژوهش‌های ادبی جنگ و دفاع**

اولین اولویت مانمونه خوانی و رفع ایرادات متن، ایرادات گرافیکی و صفحه بندی این آثار بود. این کار مراحل نهایی خودش را طی می کند و ان شاء الله در هفته دفاع مقدس رونمایی خواهند شد.

بحث دیگرمان بحث توسعه کمی بود یعنی در هر سال نزدیک ۱۰۰ کتاب تولید کنیم. ان شاء الله برای هفته دفاع مقدس از ۱۰۰ عنوان کتاب رونمایی می کنیم. صد عنوان دیگر هم در شش ماه دوم و تا آخر سال خواهیم داشت. حجم سنگینی از کار می شود که ان شاء الله به همت دوستان و همکاران بتوانیم تا آخر سال تولید کنیم.

□ در مجموعه آثار انتشارات، آثار تولید شده در حوزه کودک و نوجوان یا حوزه زنان چه وضعیتی داشته و دارد؟

تشکیل چند کارگروه در برنامه های اصلی ما قرار داشت که بحث فعال بودن و تولیدکننده بودن را بتوانیم دنبال کنیم. یکی از ظرفیت هایی که در موزه وجود داشت، کارگروه تاریخ شفاهی بود. البته مادر موضوع تاریخ شفاهی به داخل موزه اکتفا نکردیم و در تلاش هستیم با رایزنی با نیروی قدس سپاه، هم مدافعان حرم و هم با بخش های مختلف ارتش و سپاه در مورد دفاع مقدس، هم با ناجا در مورد ایثارگران نیروی انتظامی سوژه های خارج از موزه را هم شناسایی کنیم. سوژه های بکری که برای مردم خیلی جذاب است و روی زمین مانده. ما حتی داریم سوژه هایی از دوره دفاع مقدس را شناسایی می کنیم و به نویسندگان سفارش می دهیم.

کارگروه دوم، کارگروه کودک و نوجوان است که در این زمینه خلأ زیادی داریم، مخصوصاً در حوزه نوجوان. در حال حاضر، به دنبال سفارش تولیداتی به نویسندگان داستان و رمان نوجوان هستیم. به دلیل کار گرافیکی و هزینه زیاد تولید کتاب های

کودک و نوجوان، تا به حال کتاب های تصویری، کمیک استریپ و... نداشته ایم ولی در حال رایزنی با چند مجموعه حرفه ای هستیم که در این زمینه هم وارد شویم. بحث دیگر، بحث بانوان است که در جنگ، چه در جبهه و چه در پشت جبهه، خصوصاً به عنوان بستر فرهنگی شکل گیری جنگ حضور پررنگی داشتند. از دامان مادران و همسرانی که شاید هیچ اقدام مستقیمی در جنگ نداشتند، رزمندگانی پرورش یافتند و به ظهور رسیدند که پشتیبانشان یک زن بوده که دیده نشده است. یک بار متنی در مورد همسر شهید حجی نوشته بودم که خانم زهرا عباسی اصلی ترین زمینه و بستر پرورش شهید حجی هستند. در مورد سایر مادران و همسران شهدا هم به همین شکل است. این غیر از بانوان ایثارگری است که فعالیت داشتند. بحثی نیز درباره همسران و مادران شهدا داشتیم که این را هم داریم با نویسندگانی صحبت می کنیم. بیشتر هم در مورد مادران شهدا چون کم کم داریم این عزیزان را از دست می دهیم.

بحث دیگر، همسران شهدا هستند. مادران شهدا یک حوزه عاطفی دارند، همسران حوزه عاطفی دیگری، خصوصاً همسران جوان در حوزه شهیدان مدافع حرم. بیشتر همسران شهدای مدافع حرم، نوعروس و جوان های امروزی با آرزوهای امروزی بودند. به خاطر همین جذابیت ها است که ناشران به حوزه همسران مدافع حرم وارد می شوند، ولی خیلی از این عزیزان گمنام اند. سعی می کنیم تمام ظرفیت و امکاناتمان را صرف شهدای گمنام کنیم. این موارد، رویکردهایی است که چه به لحاظ کمی و چه به لحاظ کیفی پیگیر آنها هستیم. ان شاء الله که به توفیق خدا بتوانیم به آنها برسیم.

□ از شما متشکرم. خدا به شما توفیق بدهد.

رویدادهای بزرگ بوده‌اند احساس می‌شود، اما رواست ضمن تولید آثار خاطره/مستند، پردازش و پژوهش دربارهٔ تولیدات و فراتر از آن، نظریه‌پردازی در حوزهٔ ادبیات پایداری صورت پذیرد؛ بدین معنی که پس از تولید و پردازش متن، باید نگاهی جامع به آنچه تاکنون اتفاق افتاده است بیفکنیم تا در یک نگاه کلی فراز و فرودهای آن را بباییم. جای خالی آثار پژوهشی و تولید علم و نظریه برای رسیدن به آگاهی جدی از وضعیت موجود در حوزهٔ ادبیات پایداری، همچنین پژوهش‌های تطبیقی در حوزهٔ آثار داخلی و خارجی احساس می‌شود تا داشته‌ها و نداشته‌ها را بشناسیم و با پرهیز از تکرار، به تأمین نیازها بپردازیم.

در فهرست پیش رو در بخش شعر، ۱۰ اثر، در بخش داستان، ۱۸ اثر، یک نمایش‌نامه و دو اثر پژوهشی و ۱۸ کتاب خاطره/مستند معرفی شده است که چه بسا اندک آثاری از قلم افتاده باشد.

چاپ یازدهم.

۵. شهید فلاحی کیه؟ سعید والی‌فر. تدوین: معصومه بیات. تصویرگر: ناصر بافنده. بجنورد: گسترش علوم نوین ۱۲ صفحه. خشتی (شومیز). چاپ اول.
۶. شهید خرازی کیه؟ سعید والی‌فر. تدوین: معصومه بیات. تصویرگر: ناصر بافنده. بجنورد: گسترش علوم نوین ۱۲ صفحه. خشتی (شومیز). چاپ اول.
۷. صدو هفتاد و پنج ماهی. علی پورحسن.

طرح فهرست و نمایه‌ای از آثار منتشرشده بیش از آنکه صرفاً به ارائه فهرستی تقسیم‌بندی‌شده بپردازد، در پی رصد شرایط نشر و پوییش‌ها و گرایش‌ها در حوزهٔ ادبیات پایداری است تا اهل فن و قلم برآیند تازه‌ترین آثار منتشرشده را ببابند و بپیمایند.

در این شماره فهرست آثار منتشرشده در سه‌ماههٔ تابستان ۱۴۰۰ در پنج بخش شامل شعر، داستان، نمایش‌نامه، پژوهش ادبی و خاطره/مستند آمده و عناوین کتاب‌ها در هر بخش به ترتیب نظام الفبایی تدوین شده است.

در نگاه نخست، تفاوت تعداد آثار در چهار بخش اول با تعداد آثار منتشرشده در موضوع خاطره/مستند پیداست. هرچند باگذشت بیش از چهل سال از انقلاب اسلامی و سی سال از جنگ، ضرورت شتاب در حوزهٔ ثبت خاطرات و مستندات انقلاب و جنگ به سبب از دادن نسلی که آفرینندگان این

الف) شعر:

۱. ترکش طلایی. محمد مولوی‌داریانی. تهران: سنایی. ۲۶ صفحه. رقعی (شومیز). چاپ اول.
۲. رسم سرخ. رضا شاهی. حماسه ماندگار. ۱۳۲ صفحه. رقعی (شومیز). چاپ اول.
۳. زیرخاک‌های عزیز درد استخوان گرفته‌اند. یوسف هدایتی. گرافيست: افشین معشوری. رشت: رج. ۹۸ صفحه. رقعی (شومیز). چاپ اول.
۴. شب سپید. روزبه فروتن‌پی. گرافيست: افشین معشوری. رشت: رج. ۷۴ صفحه. رقعی (شومیز).

گرافیسیت: افشین معشوری. رشت: رج. ۱۱۰ صفحه.
رقعی (شومیز). چاپ اول.

۸. **صدای سخن عشق:** برای اسماعیل یکتایی،
رادمرد روزگار ما. بهروز علی آقائزاد. لنگرود: آوای غزل.
۱۵۸ صفحه. رقی (شومیز). چاپ اول.

۹. **لب‌های مخملی.** اسماعیل محمدپور.
گرافیسیت: افشین معشوری. رشت: رج. ۱۱۲ صفحه.
رقعی (شومیز). چاپ اول.

۱۰. **عاشقانه‌های مجنون.** سعیده اصلاحی.
گرافیسیت: افشین معشوری. رشت: رج. ۵۶ صفحه.
رقعی (شومیز). چاپ اول.

ب) داستان:

۱. ۲۸ دی. بهروز خیریه. سنندج: کتابچه. ۹۲ صفحه.
رقعی (شومیز). چاپ اول.

۲. **آرپی‌جی زن.** محمدعلی همتی. تصویرگران:
نفیسه صحرایی، منصوره صحرایی. یزد: خط‌شکنان.
۱۲ صفحه. خشتی (شومیز). چاپ اول. (داستان
کودک و نوجوان)

۳. **اعزام به بهشت:** مجموعه داستان‌های منتخب
دومین جشنواره جایزه ادبی یوسف استان یزد. آرزو
رحمتی، اعظم حجت. یزد: خط‌شکنان. ۱۹۴ صفحه.
رقعی (شومیز). چاپ اول.

۴. **اندکی بنشین که باران بگذرد...** معلم شهید
سیدامیرحسین موسوی به روایت شمسی فلاحی،
همسر شهید. لیلا داورزنی. تهران: سوره مهر. ۲۸۰
صفحه. رقی (شومیز). چاپ اول.

۵. **بازمانده گروه.** بهروز خیریه. سنندج: کتابچه.
۹۲ صفحه. رقی (شومیز). چاپ اول.

۶. **بچه‌های جنگ.** زرین تاج دیلمی. یزد: تفکر
طلایی. ۱۹۰ صفحه. وزیری (شومیز). چاپ اول.

۷. **بهای جان:** روایت زندگانی شهیدان
محمد مهدی، محمدصادق و حسین تقوی.
حمیده احمدی. یزد: خط‌شکنان. ۱۵۸ صفحه. رقی

(شومیز). چاپ اول.

۸. **تخت شماره ۴:** داستان‌های برگزیده نهمین
دوره جایزه ادبی یوسف در لرستان. به‌اهتمام:
عصمت دهقانی. خرم‌آباد: هاویر. ۸۸ صفحه. رقی
(شومیز). چاپ اول.

۹. **تو که هستی.** نرجس خاتون محمدی. تبریز:
بهاردخت. ۸۰ صفحه. رقی (شومیز). چاپ اول.

۱۰. **چفیه.** شمیلا شهرابی. تهران: لک‌لک. ۳۲
صفحه. رقی (شومیز). چاپ اول.

۱۱. **خالکوبی:** مجموعه داستان کوتاه دفاع مقدس
و مقاومت. سیدمهدی موسوی. خرم‌آباد: هاویر. ۲۰۴
صفحه. رقی (شومیز). چاپ اول.

۱۲. **رهبر به روایت همسر شهید.** ابوالفضل
طاهرخانی. تهران: روایت فتح. ۷۲ صفحه. رقی
(شومیز). چاپ دوم.

۱۳. **عشق بدون مرز.** شمیلا شهرابی. تهران:
لک‌لک. ۴۴ صفحه. رقی (شومیز). چاپ اول.

۱۴. **عیدانه مادر.** زهرا درویش‌علیزاده. تهران:
لک‌لک. ۴۰ صفحه. رقی (شومیز). چاپ اول.

۱۵. **قصه‌های من و جبهه.** مجید ملاحمادی.
تصویرگر: سید حامد موسوی. جامعه القرآن الکریم.
۲۴ صفحه. خشتی (شومیز). چاپ اول.

۱۶. **کیسه قند.** محمدرضا کلانتری سرچشمه.
محمد مروج. تصویرگر: طاهره رضایی. یزد: خط
شکنان. ۲۴ صفحه. خشتی (شومیز). چاپ اول.

۱۷. **معلم ریاضی:** این داستان واقعی است.
محمدعلی همتی. تصویرگر: نفیسه صحرایی و
منصوره صحرایی. یزد: خط‌شکنان. ۱۶ صفحه.
خشتی (شومیز). چاپ اول.

۱۸. **هشت:** داستان‌های برگزیده نویسندگان
اردبیلی ویژه بزرگداشت چهلمین سالگرد دفاع
مقدس. به‌اهتمام: سید محمود مهدوی و رضا
کاظمی. چشمه نور. ۲۷۶ صفحه. رقی (شومیز).
چاپ اول.

ج) نمایش‌نامه

۱. خانه مادری و باغ آتش: مجموعه نمایش‌نامه دفاع مقدس. امین ابراهیمی. هاوی. ۱۱۶ صفحه. رقعی (شومیز). چاپ اول.

د) پژوهش ادبی

۱. بررسی ادبیات منظوم دفاع مقدس. توران محمدی. تهران: سوره مهر. ۱۷۶ صفحه. رقعی (شومیز). چاپ اول.

۲. شیوه‌نامه بازخوانی، بازنویسی و انتشار اسناد دفاع مقدس. غلامحسین عزیزی. بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس. ۱۴۴ صفحه. وزیری (شومیز). چاپ اول.

ه) خاطره

۱. می‌خواهم چراغ این خانه روشن بماند: خاطرات جانباز عباسعلی گلوی. سیده‌طوبی موسوی پارسایی. گرمدره: نورالشهدا. ۱۲۴ صفحه. رقعی (شومیز). چاپ اول.

۲. ۶۲ کوله خاکی (روایت زندگی ۶۲ شهید...): امیرحسین صمدی. ساری: مرکز انتشارات توسعه علوم. ۱۴۴ صفحه. وزیری (شومیز). چاپ اول.

۳. Saji: memories of the Iran-Iraq war. narrate. بهناز ضرابی‌زاده. مترجم: احمدرضا اسلامی‌زاده، حسین جهان‌تیغ، علی‌اکبر جباری. یزد: دانشگاه یزد. ۳۰۴ صفحه. وزیری (شومیز). چاپ اول.

۴. ناکو (قله کوه). محسن محسنی‌نیا. گردآورنده: مریم جهان‌گشته. تهران: دانشیاران ایران. ۱۹۲ صفحه. رقعی (شومیز). چاپ اول.

۵. آبنیکی: به روایت همسر شهید. مهدیه داودی. فهیمه روح‌اللهی. محقق: نفیسه عطائیان‌فر. تهران: روایت فتح. ۵۶ صفحه. رقعی (شومیز). چاپ اول.

۶. آخرین اسکاادران: براساس خاطرات امیر سرتیپ

دوم خلبان علیرضا جراح. مهدی بابامحمودی. تهران: آتشبار (وابسته به سازمان حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس، معاونت فرهنگی و هنری ستاد مشترک ارتش). ج. ۱. ۴۰۰ صفحه. رقعی (شومیز). چاپ اول.

۷. آخرین مرخصی: زندگی‌نامه و خاطرات شهید جانباز سید مجتبی مژگانی. وحید وردست‌آرانی. تهیه و تنظیم: لیلا شهریار. تهران: لاهوت. ۱۶۰ صفحه. رقعی (شومیز). چاپ اول.

۸. آقا شیکه، ملای کارگردان (خاطرات داستانی شهید سیدحسن حسینی). مریم یوسفی‌پور. ویراستار: گرگان: نورالشهدا. ۲۰۲ صفحه. رقعی (شومیز). چاپ اول.

۹. آن یار بی‌قرار. حمیدرضا رضانیا. قم: نورالامین. ۸۰ صفحه. رقعی (شومیز). چاپ اول.

۱۰. آنان که رفتند (زندگی‌نامه و خاطرات شهدای طغرالجرد). محمد رشیدی‌طغرالجردی. محمدعلی صیفوری‌طغرالجردی، سیداحمد هاشمی‌طغرالجردی. کرمان: امید کویر. ۸۰۴ صفحه. وزیری (گالینگور). چاپ اول.

۱۱. آینه‌های بی‌غبار: زندگی‌نامه و وصیت‌نامه شهدای دانشجوی دانشگاه شیراز. سیده منصوره هاشمی‌زاده. تهران: آذرفر. ۳۲۶ صفحه. رقعی (شومیز). چاپ اول.

۱۲. آینه‌های حجاب: عفاف و حجاب در کلام و سیره شهدا. محسن صدیق‌نیلیان. مشهد: بهار اندیشه. ۱۰۴ صفحه. بیاضی (شومیز). چاپ اول.

۱۳. آینه‌های ظهور (گزیده موضوعی وصایای شهدا در ارتباط با امام زمان ع.ج). محمد صدیق‌نیلیان. مشهد: بهار اندیشه. ۹۸ صفحه. بیاضی (شومیز). چاپ اول.

۱۴. ثیوارانی کریسکان. امیر سعیدزاده. مترجم: کیانوش گلزاراغب. تهران: سوره مهر. ۳۵۸ صفحه. رقعی (شومیز). چاپ اول. (زبان: کردی)

۱۵. **ابراهیم ایل**. عبدالمجید رحمانیان. تهران: ناطور. ۱۷۲ صفحه. رقعی (شومیز). چاپ اول.
۱۶. **ابراهیم موحد**: سردار شهید ابراهیم موحدی مهرآبادی در دفاع مقدس. محمدرضا بابایی ابرقویی. یزد: خط‌شکنان. ۱۷۴ صفحه. رقعی (شومیز). چاپ اول.
۱۷. **ادهمی‌ها**: سیری در زندگی شهیدان ادهمی. سیده زهره علمدار. یزد: چشم و چراغ وابسته به مرکز حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس و بسیج. ۳۷۶ صفحه. رقعی (شومیز). چاپ اول.
۱۸. **اردوگاه‌های ابری**: مجموعه خاطرات آزادگان (جلد ۲). نورالدین نوراللهی. ایلام: سوره‌های عشق. ۱۴۸ صفحه (در ۲ جلد). رقعی (شومیز). چاپ اول.
۱۹. **از آخر مجلس شهدا را چیدند**: خاطرات سرداران و فرماندهان شهید شهرستان بیجار. فرزاد ذره‌بینان. سنندج: کتابچه. ۶۰ صفحه. رقعی (شومیز). چاپ اول.
۲۰. **از الوند تا اروند**: خاطرات سرهنگ مصطفی خانی. فاطمه رنجبران. همدان: حماسه ماندگار. ۱۸۸ صفحه. وزیری (گالینگور). چاپ اول.
۲۱. **از تپله کوه تا موصل**: تاریخ شفاهی به روایت محمد خوش‌نیت. پروانه شفیعی‌نیا. همدان: حماسه ماندگار. ۲۸۸ صفحه. وزیری (گالینگور). چاپ اول.
۲۲. **از رفاقت تا طبابت**: تاریخ شفاهی دکتر سید محمود اخوی میراب‌باشی. الهه آقابابایی اردکانی. یزد: خط‌شکنان. ۲۱۲ صفحه. رقعی (شومیز). چاپ اول.
۲۳. **از سربازی تا سرداری**: خاطرات غلامعلی سپهری. مریم شیدا. تهران: سوره مهر. ۲۱۲ صفحه. رقعی (شومیز). چاپ اول.
۲۴. **اصحاب آخر الزمانی**. جلد ۱. فاطمه سادات هاشمی‌نیا. تهران: آرام دل. ۲۲۴ صفحه. رقعی (شومیز). چاپ اول.
۲۵. **امام‌زادگان عشق**: پرتوهایی از زندگانی ۲۵۵ شهید گرانقدر شهرستان زرقان فارس. محمدحسین صادقی. قم: هدهد. ۸۵۲ صفحه. وزیری (گالینگور). چاپ اول.
۲۶. **امیر فتح**: امیر سرتیپ شهید محمدرضا فتحی. سیده زهرا علمدار. یزد: خط‌شکنان. ۲۷۲ صفحه. رقعی (شومیز). چاپ اول.
۲۷. **اوستا علی**: خاطرات محمدعلی پردل. مجید زنگویی. تهران: سوره مهر. ۴۶۴ صفحه. رقعی (شومیز). چاپ اول.
۲۸. **با این ستاره‌ها**: زندگی‌نامه و خاطرات شهدای روستای ترک‌آباد اردکان. محمدحسن برزگر، محمدعلی محمدی، محمدحسن میرجانی. یزد: خط‌شکنان. ۴۷۲ صفحه. وزیری (شومیز). چاپ اول.
۲۹. **بانگ جرس**: معرفی اجمالی شهدای روحانی و طلبه استان یزد. محمدهادی خسروی‌راد، امید فتوحی‌بافقی. یزد: خط‌شکنان. ۲۷۶ صفحه. رقعی (شومیز). چاپ اول.
۳۰. **بخوان والعصر**: سیری در زندگی سردار شهید ابراهیم ابراهیمی. جواد بهبودزاده. یزد: خط‌شکنان. ۱۹۲ صفحه. رقعی (شومیز). چاپ اول.
۳۱. **برگی از خاطرات خدمت زیر پرچم**. حمیدرضا کنی. تهران: ندای کادح. ۶۲ صفحه. رقعی (شومیز). چاپ اول.
۳۲. **بندر بی‌لنگر**: خاطرات زنان و مردان خرمشهری از مقاومت. محمدامین پوررکنی. اهواز: خالدین. ۱۸۲ صفحه. جلد ۲. وزیری (شومیز). چاپ اول.
۳۳. **به پاکی شبنم**: مجموعه خاطرات و مکتوبات شهید جعفر رجب‌زاده. هاشم ثانی. تهران: نشر شاهد. ۳۴۰ صفحه. رقعی (شومیز). چاپ اول.
۳۴. **به قدر تشنگی**: مجموعه خاطرات شهدای استان آذربایجان غربی. سلمان سلیمان‌زاده. سنندج: انداز یار. ۱۳۶ صفحه. رقعی (شومیز). چاپ اول.
۳۵. **بوسه بر انگشت** (روایت زندگی سردار سرافراز

حسن بستانی، تازه واردی که زود فارغ التحصیل شد. مظفر سالاری. یزد: چشم و چراغ. ۱۰۴ صفحه. رقی (شومیز). چاپ اول.

۴۶. **تنبيه متجاوز.** ویراستار: حمید فوقانی. احمد ملکی. امیر هوشنگ خادم‌دقیق. تهران: ارتش جمهوری اسلامی ایران، نیروی هوایی، مرکز انتشارات راهبردی نهجا. ۹۲ صفحه. رقی (شومیز). چاپ اول.

۴۷. **تنها، بی‌سلاح، نترس.** به‌اهتمام: مرکز مطالعات، تحقیقات و تدوین آئین‌نامه‌های رزمی نهجا. زیر نظر: علی توکلی و احمد ملکی. تهران: نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران. ۱۰۰ صفحه. رقی (شومیز). چاپ اول.

۴۸. **جا مانده از حبیب:** خاطرات سردار محمد مهدی فرهنگ دوست. محمد علی همتی. یزد: خط‌شکنان. ۶۴۲ صفحه. رقی (گالینگور). چاپ اول.

۴۹. **جامه‌های سفید بارنگ شقایق.** عبدالمحمد نعناکار. تهران: کتاب اظهر. ۱۲۴ صفحه. وزیر (شومیز). چاپ اول.

۵۰. **جان‌برکف کرغند:** زندگی‌نامه و خاطرات سردار شهید محمد علی سالاری. محمد جنگ‌جو. اسماعیل قلی‌پور. قاین: اکبرزاده. ۱۱۴ صفحه. پالتویی (شومیز). چاپ اول.

۵۱. **جلوه‌ای از جمال:** روایتی از سردار شهید جمال خانی‌مقدم. حبیب‌الله رضایی. یزد: چشم و چراغ. ۲۹۶ صفحه. رقی (شومیز). چاپ اول.

۵۲. **چشمان بیدار.** به‌اهتمام: مرکز مطالعات، تحقیقات و تدوین آئین‌نامه‌های رزمی نهجا. ویراستار: علی توکلی. احمد ملکی. تهران: مرکز انتشارات راهبردی نهجا. ۹۸ صفحه. رقی (شومیز). چاپ اول.

۵۳. **چشمان تیزبین.** به‌اهتمام: مرکز مطالعات، تحقیقات و تدوین آئین‌نامه‌های رزمی نهجا. احمد

خطه‌ی قهرمان پرور رودحله - شهید احمد انگالی، فرمانده واحد آموزش نظامی تیپ ۲۱۴ تکاوران امیرالمؤمنین (ع). غلامرضا مریدیان. ساری: توسعه علوم. ۱۱۶ صفحه. وزیر (شومیز). چاپ اول.

۳۶. **بی‌قرار:** مجموعه خاطرات شهید اسماعیل تقاعدیان. عداله‌السادات تقاعدیان. کاشان: ندای فتح‌الفتح. ۵۲ صفحه. پالتویی (شومیز). چاپ اول.

۳۷. **پرستوی مهاجر:** نگاهی به زندگی‌نامه، وصیت‌نامه و دست‌نوشته‌های معلم و دانشجوی شهید محمدرضا شعبانی‌ورکی. تهران: مؤسسه فرهنگی منادی تربیت. ۶۰ صفحه. وزیر (شومیز). چاپ اول.

۳۸. **پروانه‌های بی‌نشان:** روایت زنانی است که با سلاح ایثار و عشق، زینب‌گونه در کنار همسر جانباز قطع نخاعی خود ایستادند تا در اجر جهاد فی سبیل‌الله سهیم باشند. طوبی زارع. یزد: چشم و چراغ. ۱۶۴ صفحه. رقی (شومیز). چاپ اول.

۳۹. **پسر آسیدمصطفی:** خاطرات سیدمجتبی عبداللهی. ساسان ناطق. تهران: سوره مهر. ۲۱۶ صفحه. رقی (شومیز). چاپ ۱ و ۲ و ۳.

۴۰. **پلکانی برای عروج:** مجموعه خاطرات هم‌زمان شهدای کردستان. مختار حق‌شناس. سنندج: اندازیار. ۲۴۰ صفحه. رقی (شومیز). چاپ اول.

۴۱. **پنج ماه بعد ...:** خاطرات شهید محمد ضیائی. زهرا خدائی. گردآورنده: پیمان یاری. همدان: حماسه ماندگار. ۷۴ صفحه. رقی (شومیز). چاپ اول.

۴۲. **پوتین.** رجبعلی علی‌خانزاده. تهران: ترانه سایه‌ها. ۱۳۶ صفحه. رقی (شومیز). چاپ اول.

۴۳. **پوتین‌قرمزها ۲.** مرتضی بشیری. تهران: سادس. ۲۵۶ صفحه. رقی (شومیز). چاپ اول.

۴۴. **پیچ مایلر:** خاطرات آزاده حجت‌الاسلام غلام‌حیدر حیدری. سید محمود مهدوی. تهران: سوره مهر. ۱۷۲ صفحه. رقی (شومیز). چاپ ۱ و ۲ و ۳.

۴۵. **تازه‌وارد:** یادکردی داستانی از طلبه شهید

۶۵. **خط خون:** خاطرات رزمنده و جانباز دوران دفاع مقدس غلامحسین قرجه‌داغی‌پور. غلامحسین قره‌جی‌داغی‌پور. معبر آسمانی (وابسته به اداره کل حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس استان آذربایجان شرقی). ۲۰۰ صفحه. رقعی (شومیز). چاپ اول.

۶۶. **خنده‌های آسمانی:** روایتی از ستارگان هور حسن انتظاری و حسین رحمانی. حبیب‌الله رضایی. چشم و چراغ. ۳۲۸ صفحه. رقعی (شومیز). چاپ اول.

۶۷. **داوودآبادی به روایت همسر شهید.** زهرا حسینی‌مهرآبادی. روایت فتح. ۷۲ صفحه. رقعی (شومیز). چاپ اول.

۶۸. **دو برادر، دو رفیق، دو شهید، جمال و جواد،** آیات پاکی و اخلاص: روایتی از زندگی شهیدان جمال و محمدجواد افروزه. زهره نمازیان. فاطمه افروزه. امید کویر. ۱۵۲ صفحه. رقعی (شومیز). چاپ اول.

۶۹. **دوبیتی‌های دل‌تنگی.** حمیدرضا رضانیا. نورالامین. ۸۸ صفحه. رقعی (شومیز). چاپ اول.

۷۰. **دولت سری:** خاطرات جمعی از اسرای اردوگاه موصل ۲. غلامحسین باغانی. سوره مهر. ۲۸۸ صفحه. رقعی (شومیز). چاپ اول.

۷۱. **دیده‌بان:** زندگی‌نامه، سیره، خاطرات و خصوصیات بارز اخلاقی سردار شهید مدافع حرم، حسنعلی شمس‌آبادی. معصومه عیوضی. زمزم هدایت. ۲۸۴ صفحه. وزیری (شومیز). چاپ اول.

۷۲. **راه ناتمام:** خاطرات سرداران و فرماندهان شهید شهرستان دیواندره. اسماعیل باتمانی. اندازیار. ۶۴ صفحه. رقعی (شومیز). چاپ اول.

۷۳. **رسم ماندن:** مروری بر وصیت‌نامه‌های موضوعی شهدای شهرستان دلیجان. محمود منصوری. فاطمه محمدمیرزایی. اندیشه مطهر. ۳۳۶ صفحه. وزیری (شومیز). چاپ اول.

۷۴. **رهایی از بند:** تاریخ شفاهی آزاده و جانباز سرافراز احمد ملانوری شمس. به‌اهتمام: ولی

ملکی. حمید فوقانی. تهران: مرکز انتشارات راهبردی نه‌جا. ۵۴ صفحه. رقعی (شومیز). چاپ اول.

۵۴. **چلچراغ شهر خورشید:** مجموعه خاطرات ناب و آموزنده از شهدای شهرستان میبد. یوسف بدرالدین. یزد: سیدعلی‌زاده. ۱۲۸ صفحه. رقعی (شومیز). چاپ اول.

۵۵. **چه بی‌ادعا.** غلامرضا شیخعلی. تهران: ماهواره. ۱۱۲ صفحه. وزیری (شومیز). چاپ اول.

۵۶. **حبیب دیار مالک.** زهرا پورشمس‌الدین مطلق. آیات. ۳۶ صفحه. جیبی (شومیز). چاپ اول.

۵۷. **حبیب مرزها:** خاطرات سردار سرتیپ رهام‌بخش حبیبی. مهدی باتقوا. سوره مهر. ۲۰۰ صفحه. رقعی (شومیز). چاپ اول و دوم و سوم.

۵۸. **حماسه آدینه:** تایخ شفاهی جانباز سرافراز حمیدرضا آدینه. خسرو اسدپور. اندیشه مطهر. ۲۸۰ صفحه. رقعی (شومیز). چاپ اول.

۵۹. **خاطرات دفاع مقدس به روایت دشمن.** محمدامین پوررکنی. خالدین. ۲۲۳۲ صفحه. جلد ۲. وزیری (شومیز). چاپ اول.

۶۰. **خانه امن:** خاطرات بهرام نوروزی. ساسان ناطق. تهران: سوره مهر. ۳۱۲ صفحه. رقعی (شومیز). چاپ اول و دوم و سوم.

۶۱. **خاک‌ریزهای سربی.** محمدرضا صیادی. آتشبار. ۳۸۶ صفحه. وزیری (شومیز). چاپ اول.

۶۲. **خاک‌ریزهای شاهد.** حمیدرضا رضانیا. نورالامین. ۸۰ صفحه. رقعی (شومیز). چاپ اول.

۶۳. **خاکی تر از خاک:** روایتی از شهیدان خیبری. حبیب‌الله رضایی. چشم و چراغ. ۲۰۰ صفحه. رقعی (شومیز). چاپ اول.

۶۴. **خستگی ناپذیر:** روایتی از زندگی و فعالیت‌های حاج محمدحسین آراسته در ستاد پشتیبانی جنگ جهاد سازندگی استان یزد. محمدرضا کلانتری سرچشمه. امیرحسین کلانتری سرچشمه. اندیشه کویر. ۱۷۶ صفحه. رقعی (شومیز). چاپ اول.

- سلطانی گردفرامرزی. خط‌شکنان. ۲۴۶ صفحه. رقعی (شومیز). چاپ اول.
۷۵. **رهایی در هور**: سردار شهید حاج ابراهیم جعفرزاده فرمانده تیپ ۱۸ الغدیری. محمد هادی شمس‌الدینی. خط‌شکنان. ۲۰۰ صفحه. رقعی (شومیز). چاپ اول.
۷۶. **روایت صدیقین**: روایت شهدای یزدی از دفاع مقدس. محمدرضا کلانتری سرچشمه. مجتبی اعتمادی. خط‌شکنان. ۳۰۲ صفحه. جلد ۱. رقعی (شومیز). چاپ اول.
۷۷. **روزگار سربازی تا فرماندهی تیپ**: خاطرات سرتیپ ۲ پیاده ستاد رحمان اکبرآبادی از سال ۱۳۴۰ تا ۱۳۹۳. رحمان اکبرآبادی. ایران سبز. ۱۷۶ صفحه. رقعی (شومیز). چاپ اول.
۷۸. **روزگار همدلی** (زخم و مرهم): مجموعه خاطرات ایثارگران دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شهید صدوقی یزد. عبدالحالق جعفری. پوریا معینی. خط‌شکنان. ۲۴۸ صفحه. جلد ۴. وزیری (شومیز). چاپ اول.
۷۹. **روزهای پرفراز و نشیب**: زندگی‌نامه رزمنده جانباز محمد ابراهیم مسلمی از ۱۳۲۲ تا ۱۳۶۶. محمد ابراهیم مسلمی. ایران سبز. ۱۱۲ صفحه. رقعی (شومیز). چاپ اول.
۸۰. **روضة مصور** (روایت دوران اسارت آزاده سرافراز حسین یداللهی). زهره نمازیان. محمدحسن میرزایی. زیرنظر: وحید عضدی. امید کویر. ۴۰ صفحه. رقعی (شومیز). چاپ اول.
۸۱. **رؤیایی که تعبیر شد**: به روایت جانباز و آزاده سرافراز حاج احمد ناجی. هادی اکبری. آیه و آینه. ۱۳۰ صفحه. رقعی (شومیز). چاپ اول.
۸۲. **زر خاکی ۱**: خاطرات رزمندگان شهر امیرکلا در هشت سال دفاع مقدس. حسین محمدیان امیری. تدوین: سید سیف‌الله نحوی. جام جوان. ۲۴۸ صفحه. رقعی (شومیز). چاپ اول.
۸۳. **زمینی که مرا بالا برد**. سید رسول موسوی. سوره مهر. ۲۵۶ صفحه. رقعی (شومیز). چاپ اول.
۸۴. **زندگی به سبک شهید**: خاطرات شهدای شهرستان کامیاران. اسماعیل باتمانی. کتابچه. ۹۸ صفحه. رقعی (شومیز). چاپ اول.
۸۵. **زندگی نامه و مجموعه خاطرات شهدای اطلاعات نیروی زمینی سپاه** (جنوب غرب کشور) جانشین اطلاعات تیپ ۴۸ سپاه فتح استان کهگیلویه و بویراحمد: سردار شهید مصطفی. احمد عامری. ایرمان. ۹۶ صفحه. رقعی (شومیز). چاپ اول.
۸۶. **زندگی نامه و مجموعه خاطرات شهدای اطلاعات نیروی زمینی سپاه** (جنوب غرب کشور) فرمانده اطلاعات برون مرزی قرارگاه کربلا و قرارگاه نصرت: سردار شهید عبدالمحمد. احمد عامری. ایرمان. ۱۲۰ صفحه. رقعی (شومیز). چاپ اول.
۸۷. **زندگی نامه و مجموعه خاطرات شهدای اطلاعات نیروی زمینی سپاه** (جنوب غرب کشور) فرمانده قرارگاه فجر: سردار شهید صدراالله فنی. احمد عامری. ایرمان. ۱۱۲ صفحه. رقعی (شومیز). چاپ اول.
۸۸. **زندگی نامه و مجموعه خاطرات شهدای اطلاعات نیروی زمینی سپاه** (جنوب غرب کشور) فرمانده گردان اطلاعات ۳۱۳ حضرت قائم، قرارگاه نصرت و فرمانده اطلاعات سپاه ششم. احمد عامری. ایرمان. ۸۴ صفحه. رقعی (شومیز). چاپ اول.
۸۹. **زندگی نامه و مجموعه خاطرات شهدای اطلاعات نیروی زمینی سپاه** (جنوب غرب کشور) مسئول اطلاعات تیپ ۱۵ امام حسن (ع) خوزستان: سردار شهید سلیمان یدکام. احمد عامری. ایرمان. ۷۶ صفحه. رقعی (شومیز). چاپ اول.
۹۰. **زندگی نامه و مجموعه خاطرات شهدای اطلاعات نیروی زمینی سپاه** (جنوب غرب کشور) مسئول اطلاعات تیپ ۷ ولیعصر (عج) خوزستان:

۹۸. **سرباز وطن:** خاطرات سرهنگ پرویز فاطمی‌کیا، پروانه شفیعی‌نیا، حماسه ماندگار، ۲۴۰ صفحه، وزیری (گالینگور)، چاپ اول.

۹۹. **سربازی:** کمال پالیزدار، آتشبار، ۱۴۸ صفحه، رقعی (شومیز)، چاپ اول.

۱۰۰. **سربند:** خاطرات رزمندگان شهرستان داراب در دفاع مقدس (شهرستان‌های داراب و زرین‌دشت)، عبدالله عمیدی، برهان نور، ۴۲۰ صفحه، جلد ۱، رقعی (شومیز)، چاپ اول.

۱۰۱. **سرت را بالا بگیر دختر:** فاطمه عابدی، خط‌شکنان، ۱۲۰ صفحه، رقعی (شومیز)، چاپ اول.

۱۰۲. **سرت را به خدا بسپار:** گزیده خاطرات شهید محمدرضا داورزنی، محقق: علیرضا اشرفی‌نسب، اکرم یعقوبی، راه یار، ۲۰۰ صفحه، رقعی (شومیز)، چاپ اول و دوم.

۱۰۳. **سرخ‌ترین سیب:** روایتی از زندگانی سردار شهید مهدی بوستانی، یوسف بدرالدین، خط‌شکنان، ۱۱۲ صفحه، رقعی (شومیز)، چاپ اول.

۱۰۴. **سردار بی‌سنگر:** زندگی‌نامه سردار شهید سید رسول جلالی، محمدرضا بابایی‌ابرقویی، خط‌شکنان، ۱۱۲ صفحه، رقعی (شومیز)، چاپ اول.

۱۰۵. **سردار ماووت:** شهید اکبر شاهپورزاده‌باقی، سیدکاظم عباس‌زاده‌باقی، خط‌شکنان، ۱۲۸ صفحه، وزیری (شومیز)، چاپ اول.

۱۰۶. **سرشت و سرنوشت (خاطرات از طفولیت تا اسارت):** آغاز زندگی‌نامه و خاطرات، علیرضا رازبان، فرهوش، ۳۴۴ صفحه، جلد ۱، رقعی (شومیز)، چاپ اول.

۱۰۷. **سلام بر آفتاب (خاطراتی از جانباز حسین کارگرشورکی):** حسین کارگرشورکی، آفتاب نارین، ۱۶۴ صفحه، رقعی (شومیز)، چاپ اول.

۱۰۸. **سلام بر آنان که زنده‌اند:** زندگی‌نامه شهید روستای ویر، فاطمه حیدری‌ویری، سیده فریده موسوی، نرگس بابایی‌ویری، نیکان کتاب، ۹۰

سردار شهید عبدالکریم پورمحمدحسین، احمد عامری، ایرمان، ۸۴ صفحه، رقعی (شومیز)، چاپ اول.

۹۱. **زندگی‌نامه و مجموعه خاطرات شهدای اطلاعات نیروی زمینی سپاه (جنوب غرب کشور)** مسئول اطلاعات تیپ ۷ ولیعصر (عج) خوزستان: سردار شهید علی کمیلی‌فر، احمد عامری، ایرمان، ۱۱۲ صفحه، رقعی (شومیز)، چاپ اول.

۹۲. **زندگی‌نامه و مجموعه خاطرات شهدای اطلاعات نیروی زمینی سپاه (جنوب غرب کشور)** مسئول اطلاعات عملیات لشکر ۵۷ ابوالفضل (ع) لرستان: سردار شهید حاج رحیم دلفان، احمد عامری، ایرمان، ۱۰۰ صفحه، رقعی (شومیز)، چاپ اول.

۹۳. **زندگی‌نامه و مجموعه خاطرات شهدای اطلاعات نیروی زمینی سپاه (جنوب غرب کشور)** مسئول اطلاعات قرارگاه کربلا: سردار شهید حمید معینیان، نویسنده: احمد عامری، ایرمان، ۸۸ صفحه، رقعی (شومیز)، چاپ اول.

۹۴. **زندگی‌نامه و مجموعه خاطرات شهدای اطلاعات نیروی زمینی سپاه (جنوب غرب کشور)** مسئول اطلاعات گردان ۳۱۳ حضرت قائم (عج) قرارگاه نصرت: سردار شهید سید ناصر سیدنو، احمد عامری، ایرمان، ۱۱۶ صفحه، رقعی (شومیز)، چاپ اول.

۹۵. **ساعتی به وقت دل‌تنگی:** مجموعه خاطرات پدران شهدای استان کردستان، مختار حق‌شناس، اندازیار، ۱۳۰ صفحه، رقعی (شومیز)، چاپ اول.

۹۶. **سبک‌بالان محله:** مجموعه خاطرات کوتاه از شهدای شهر زواره، سجاد تقوی‌زواره، محمدعلی کوچک‌دخت، آیه و آینه، ۸۸ صفحه، رقعی (شومیز)، چاپ اول.

۹۷. **ستاره پنهان:** زندگی‌نامه، سیره، خاطرات و خصوصیات بارز اخلاقی سردار شهید محمدباقر علیخانی، معصومه عیوضی، زمزم هدایت، ۲۵۶ صفحه، وزیری (شومیز)، چاپ اول.

- صفحه. رقعی (شومیز). چاپ اول.
۱۰۹. **سلام بر صبح**: براساس خاطرات آزاده سرافراز محمد ابراهیمی نسب. محمد محمدسیفی. سیدعلی زاده. ۱۶ صفحه. رقعی (شومیز). چاپ اول.
۱۱۰. **سلوکی در پروا**: گذری بر حیات سیاسی و اجتماعی آیت الله حاج شیخ هادی باریک بین. مسعود آتشگران. سوره مهر. ۳۶۲ صفحه. رقعی (شومیز). چاپ اول.
۱۱۱. **سنگر شهید**: خاطرات سرداران و فرماندهان شهید شهرستان سنج. حسن بدخشانی. کتابچه. ۱۰۴ صفحه. رقعی (شومیز). چاپ اول.
۱۱۲. **سیدگردان کمیل**: شرح حال و خاطرات رزمنده شهید سید محمدحسن میریونسی مسئول مخابرات گردان کمیل. مجید صفری. مجید صفری. ۱۰۸ صفحه. رقعی (شومیز). چاپ اول.
۱۱۳. **شاهین زبیدات**: خاطراتی از احمدعلی گودرزی. مهدی زارع. سوره مهر. ۲۳۶ صفحه. رقعی (شومیز). چاپ اول و دوم و سوم.
۱۱۴. **شمعی در باد**: برگرفته از زندگی نامه سردار شهید پرویز بزرگ ابراهیمی. علیرضا پورآقائی قاسم آبادی. ارغون، ثمره. ۱۴۴ صفحه. رقعی (شومیز). چاپ اول.
۱۱۵. **شهید اسماعیل سادین**. سیدعلیرضا میرعرب رضی. صفدر مضمون ملاشاهی. حسین سمیعی پاقلعه. کیسان. ۱۲ صفحه. جیبی (شومیز). چاپ اول.
۱۱۶. **شهید حسن میرعرب رضی**. سیدعلیرضا میرعرب رضی. صفدر مضمون ملاشاهی. سیدحسین میرعرب رضی. کیسان. ۲۰ صفحه. جیبی (شومیز). چاپ اول.
۱۱۷. **شهید حسنعلی درویشی**. سیدعلیرضا میرعرب رضی. صفدر مضمون ملاشاهی. نرگس سادات سجادی. کیسان. ۲۴ صفحه. جیبی (شومیز). چاپ اول.
۱۱۸. **شهید حسین انصاری**: به روایت سادات مقدسی حسینی همسر شهید. لیلا موسوی. روایت فتح. ۱۱۲ صفحه. جیبی (شومیز). چاپ اول.
۱۱۹. **شهید حمیدرضا سلطانعلی**. سیدعلیرضا میرعرب رضی. صفدر مضمون ملاشاهی. حمیده رحمن زائی. کیسان. ۱۲ صفحه. جیبی (شومیز). چاپ اول.
۱۲۰. **شهید شعبانعلی عقیقه**: به روایت طوبی معتمد همسر شهید. عالمه طهماسبی. روایت فتح. ۱۰۴ صفحه. جیبی (شومیز). چاپ اول.
۱۲۱. **شهید شمس الله کوهساری**. سیدعلیرضا میرعرب رضی. صفدر مضمون ملاشاهی. نرگس سادات سجادی. کیسان. ۲۰ صفحه. جیبی (شومیز). چاپ اول.
۱۲۲. **شهید عباسعلی مرزانی**. سیدعلیرضا میرعرب رضی. صفدر مضمون ملاشاهی. زهرا کوهسایان. کیسان. ۱۴ صفحه. جیبی (شومیز). چاپ اول.
۱۲۳. **شهید عباسعلی منصوری**. سیدعلیرضا میرعرب رضی. صفدر مضمون ملاشاهی. پرویز مصطفی لو. کیسان. ۱۲ صفحه. جیبی (شومیز). چاپ اول.
۱۲۴. **شیرین تر از عسل ۲**: خاطرات شهید مرتضی بهمنی. سید حیدر فاطمی. ندای فتح الفتوح. ۵۸ صفحه. پالتویی (شومیز). چاپ اول.
۱۲۵. **صبحانه به وقت انفجار**: خاطراتی از عملیات های تفحص شهدای مفقود ۸ سال دفاع مقدس در مناطق عملیاتی والفجر یک - خیبر (طلائیه) - والفجر مقدماتی (فکه). خلیل باباش پوراصل. معبر آسمانی. ۲۵۶ صفحه. وزیری (شومیز). چاپ اول.
۱۲۶. **ضد تانک ها**: براساس خاطرات خلبانان کبرا هوانیروز. مهدی بابامحمودی. آتشبار. ۴۴۰ صفحه. رقعی (شومیز). چاپ اول.

۱۲۷. **عاشورا بیان زهرایی:** زندگی‌نامه و خاطرات شهیدای زن اردبیل. محمود مهدوی. خط هشت. ۳۶ صفحه. پالتویی (شومیز). چاپ اول.
۱۲۸. **عالم عامل** (خاطرات روحانی شهید محمد قاسم رحیمی). حسین الوند. نورالشهدا. ۱۳۶ صفحه. رقعی (شومیز). چاپ اول.
۱۲۹. **عبور از سیم خاردار.** حسین عسگری. اندیشه مطهر. ۱۸۸ صفحه. رقعی (شومیز). چاپ اول.
۱۳۰. **عرشیان بی‌نشان:** مجموعه خاطرات و سرگذشت ۱۰ شهید سازمان حفاظت اطلاعات سپاه. احمد شهیدی. مهدی مجیدی آرانی. فریبا دلال زاده. زمزم هدایت. ۳۲۰ صفحه. جلد ۱۰. وزیری (شومیز). چاپ اول.
۱۳۱. **عرشیان بی‌نشان:** مجموعه خاطرات و سرگذشت ۱۰ شهید سازمان حفاظت اطلاعات سپاه. احمد شهیدی. فاطمه معصومی. تدوین: مهدی عبدالله زاده. زمزم هدایت. ۱۷۰ صفحه. جلد ۱۲. وزیری (شومیز). چاپ اول.
۱۳۲. **عرشیان بی‌نشان:** مجموعه خاطرات و سرگذشت ۱۰ شهید سازمان حفاظت اطلاعات سپاه. احمد شهیدی. مهدی مجیدی آرانی. فریبا دلال زاده. زمزم هدایت. ۳۲۸ صفحه. جلد ۵. وزیری (شومیز). چاپ اول.
۱۳۳. **عرشیان بی‌نشان:** مجموعه خاطرات و سرگذشت ۱۰ شهید سازمان حفاظت اطلاعات سپاه. فاطمه معصومی. احمد شهیدی. تدوین: معصومه کوشکستانی. زمزم هدایت. ۲۲۴ صفحه. جلد ۹. وزیری (شومیز). چاپ اول.
۱۳۴. **عرشیان بی‌نشان:** مجموعه خاطرات و سرگذشت ۱۰ شهید سازمان حفاظت اطلاعات سپاه. احمد شهیدی. مهدی مجیدی آرانی. فریبا دلال زاده. زمزم هدایت. ۲۲۸۴ صفحه. جلد ۱۱. وزیری (شومیز). چاپ اول.
۱۳۵. **عرشیان بی‌نشان:** مجموعه خاطرات و سرگذشت ۱۰ شهید سازمان حفاظت اطلاعات سپاه. فاطمه معصومی. جواد احمدی. تدوین: مهدی عبدالله زاده. زمزم هدایت. ۲۹۴ صفحه. جلد ۶. وزیری (شومیز). چاپ اول.
۱۳۶. **عشق و آتش:** خاطرات هشت سال دفاع مقدس. محمود رضا آمیرزاده. آتشبار. ۲۲۴ صفحه. رقعی (شومیز). چاپ اول.
۱۳۷. **عطر سال‌های بی‌قراری:** مجموعه خاطرات مادران شهدای استان کردستان. زیبا بدخشانی. انداز یار. ۱۶۲ صفحه. رقعی (شومیز). چاپ اول.
۱۳۸. **علی دوست داشتنی:** روایت‌هایی از زندگی سردار شهید علی دهقان منشادی. مصطفی زمانی فر. چشم و چراغ. ۱۳۶ صفحه. رقعی (شومیز). چاپ اول.
۱۳۹. **عمری که مرا داده شده بود بر زمین چنین گذشت** (خاطرات معلمی که شکارچی هواپیماهای جنگی دشمن بود). سید محمد رضا موسوی نژاد. اوحدی. ۱۵۰ صفحه. رقعی (شومیز). چاپ اول.
۱۴۰. **غیور مردان دره عشق.** سمیه مقصودی. نوروزی. ۱۴۸ صفحه. وزیری (شومیز). چاپ اول.
۱۴۱. **فرار از دوله‌تو.** سمیه ذاکری خلیف. رضا ذاکری خلیف. آتشبار. ۱۱۸ صفحه. رقعی (شومیز). چاپ اول.
۱۴۲. **فرشته‌های زمینی:** یادواره شهدای شهرستان بستک. رشیدیه عالیان. پارلاق قلم. ۸۸ صفحه. خشتی (شومیز). چاپ اول.
۱۴۳. **فرمانده قلب‌ها:** زندگی‌نامه، سیره، خاطرات و خصوصیات بارز اخلاقی سردار شهید حاج عباس حسنی‌نیا. فاطمه معصومی. زمزم هدایت. ۲۰۴ صفحه. وزیری (شومیز). چاپ اول.
۱۴۴. **فرمانده گردان ۱۱:** مروری بر زندگانی و خاطرات هم‌زمان شهید فریدون ذوالفقاری. مهدی بابا محمدی. آتشبار. ۴۲۴ صفحه. رقعی (شومیز).

مخابرات لشکر ۷۷ پیروز خراسان، زهرا ابوعلی، ایران

سبز، ۸۰ صفحه، پالتویی (شومیز)، چاپ اول.

۱۵۵. **مردان آب، مردان آهن:** خاطرات تکاوران

و شهدای نیروی دریایی استان اردبیل، شاهد

مجتهدزاده اردبیلی، سوره مهر، ۱۵۲ صفحه، رقعی

(شومیز)، چاپ ۲ و ۱.

۱۵۶. **مردان آذرخش:** خاطرات ایثارگران

شرکت توزیع نیروی برق استان گیلان، اعظم

خوش خلق سیما، رج، ۲۶۲ صفحه، رقعی (شومیز).

چاپ اول.

۱۵۷. **مسافر نویسنده:** محمدمهدی ریاحی.

مؤسسه آموزشی تألیفی ارشدان، ۱۰۶ صفحه، رقعی

(شومیز)، چاپ اول.

۱۵۸. **مسافر مجنون:** زندگی‌نامه، خاطرات و

یادداشت‌های مسافری جامانده از قافله عشق.

عباس رنجبر، چشم و چراغ، رقعی (شومیز)، چاپ

اول.

۱۵۹. **مظلوم دولاب:** زندگی‌نامه، سیره، خاطرات و

خصوصیات بارز اخلاقی شهید احمد بوجار دولابی.

معصومه کوشکستانی، زمزم هدایت، ۱۹۲ صفحه.

وزیری (شومیز)، چاپ اول.

۱۶۰. **معبر آسمانی:** مروری بر حیات، حماسه‌ها و

شهادت آزاده شهید خلیل فاتح، رضاقلی زاده‌علیار.

معبر آسمانی، ۷۲ صفحه، پالتویی (شومیز)، چاپ

اول.

۱۶۱. **معبر وصال** (وصایای شهدای شهرستان

لنجان) (الف - ذ)، سمیه محمودوند، فاطمه مقیم.

رقیه باباسالاری، هاجر، ۳۹۲ صفحه، جلد ۱، وزیری

(شومیز)، چاپ اول.

۱۶۲. **معبر وصال** (وصایای شهدای شهرستان

لنجان) (ر - ط)، سمیه محمودوند، فاطمه مقیم.

رقیه باباسالاری، هاجر، ۲۶۸ صفحه، جلد ۲، وزیری

(شومیز)، چاپ اول.

۱۶۳. **معبر وصال** (وصایای شهدای شهرستان

چاپ اول.

۱۴۵. **قرارگاه عبور:** خاطرات شفاهی حاج

محمدجعفر مظاهری، محسن صیفی‌کار، ۲۷ بعثت.

۳۴ صفحه، رقعی (شومیز)، چاپ اول.

۱۴۶. **قصه عشق و دلدادگی:** سرگذشت شهدای

فرهنگی شهرستان مریوان، سجاد قلعه‌شاخانی.

اندازیار، ۶۶ صفحه، رحلی کوچک (شومیز)، چاپ

اول.

۱۴۷. **قطره‌های جدا شده از دریا:** محمدرضا

مولایی آرپناهی، نیوشه، ۱۵۰ صفحه، رقعی (شومیز).

چاپ اول.

۱۴۸. **قهرمان جزابه، حسین خرازی، سیدعلی**

بنی‌لوحی، راه بهشت، ۲۰۰ صفحه، رقعی (شومیز).

چاپ ۲ و ۳.

۱۴۹. **گذر از تنگه احد:** تاریخ شفاهی رزمنده

دفاع مقدس علی حسین‌شاهی اردکانی، ولی

سلطانی‌گرددفرامرز، خط‌شکنان، ۲۸۴ صفحه، وزیری

(شومیز)، چاپ اول.

۱۵۰. **لباس خاکی، فرنز بنانی، سروش برتر، ۱۳۶**

صفحه، رقعی (شومیز)، چاپ اول.

۱۵۱. **لواسان تا کانی مانگا:** زندگی‌نامه و خاطرات

سردار شهید مهدی خندان، گروه فرهنگی شهید

ابراهیم هادی، شهید ابراهیم هادی، ۱۶۸ صفحه.

پالتویی (شومیز)، چاپ اول.

۱۵۲. **ماه خندان:** روایتی از حیات و حماسه‌های

روحانی شهید داود عسگرنیا: به همراه نگاهی به

عملیات شکوهمند والفجر ۸، فرید صادقیان، معبر

آسمانی، ۴۲ صفحه، رقعی (شومیز)، چاپ اول.

۱۵۳. **ماه دجله:** روایتی از حیات طیبه سردار

رشید اسلام شهید علی اصغر امینی‌پور، حسین

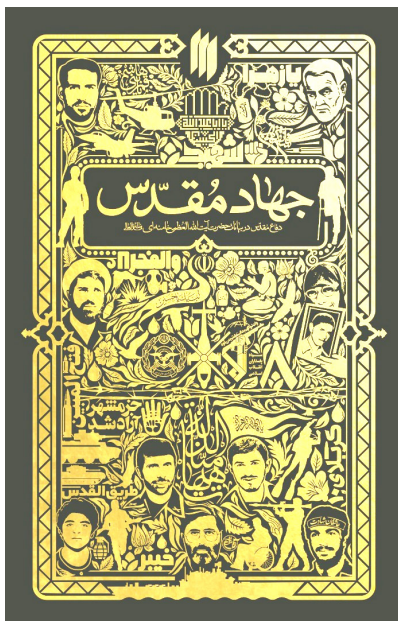
عبداللهیان بهابادی، چشم و چراغ، ۱۹۲ صفحه، رقعی

(شومیز)، چاپ اول.

۱۵۴. **مخابرات در جنگ:** زندگی‌نامه خدمتی

سرهنگ مخابرات قاسم نعمت‌الهی فرمانده گردان

- لنجان) (ع-ی). سمیه محمودوند. فاطمه مقیم. رقیه باباسالاری. هاجر. ۴۲۴ صفحه. (در ۳ جلد). ۳. وزیری (شومیز). چاپ اول.
۱۶۴. **من از قورباغه‌ها می‌ترسم**: براساس خاطرات محمدعلی ضیاءقاسمی. محمدعلی همتی. چشم و چراغ. ۲۴۸ صفحه. رقی (شومیز). چاپ اول.
۱۶۵. **من پاسدار نیستم**: روایت ۱۳۲۲ روز اسارت عزیزاله فرجی‌زاده. حسن شکیب‌زاده. رؤیای آبی. ۱۶۰ صفحه. رقی (شومیز). چاپ اول.
۱۶۶. **مهاجران**: تاریخ شفاهی محمود شاهپورزاده بافقی. ابوالقاسم شایق. خط‌شکنان. ۳۸۴ صفحه. وزیری (شومیز). چاپ اول.
۱۶۷. **میر خط‌شکن**: زندگی‌نامه، سیره، خاطرات و خصوصیات بارز اخلاقی سردار شهید علی بسطامی مسئول حفاظت اطلاعات لشکر ۱۱ امیرالمومنین استان ایلام. مهدی عبدالله‌زاده. زمزم هدایت. ۱۴۸ صفحه. وزیری (شومیز). چاپ اول.
۱۶۸. **نذر علی اصغر (ع)**: مروری بر زندگی و خاطرات شهید حسین رفیعی دولت‌آبادی. طیبیه کربلایی‌پازوکی. اکبر کربلایی‌پازوکی. مؤسسه اطلاع‌رسانی کتاب مرجع اطلاعات. ۴۸ صفحه. جیبی (شومیز). چاپ اول.
۱۶۹. **نگاهی به خاطرات زنان دفاع مقدس**: بررسی نقش زنان در هشت سال جنگ تحمیلی و دفاع مقدس. تهیه و تنظیم: منصورعلی استواری. رزا. ۱۵۶ صفحه. رقی (شومیز). چاپ اول.
۱۷۰. **هشت ریشتری**: براساس خاطرات امیر سرلشکر عزیز پرویزی. علیرضا اسفندیاری. آتشبار. ۲۳۶ صفحه. رقی (شومیز). چاپ اول.
۱۷۱. **هفت روز با من بمان**: زندگی‌نامه سردار شهید سید محمد ابراهیمی سریزدی. فاطمه اوزی‌نژاد. خط‌شکنان. ۱۵۲ صفحه. رقی (شومیز).
۱۷۲. **هم‌صدا با باران**: مینا فراهانی. زیرنظر: علیرضا مرادی. اندیشه مطهر. ۱۶۰ صفحه. رقی (شومیز).
- چاپ اول.
۱۷۳. **وصال پروانه‌ها**: مجموعه خاطرات خواهران شهدای کردستان. مختار حق‌شناس. اندازیار. ۹۶ صفحه. رقی (شومیز). چاپ اول.
۱۷۳. **وصیت‌نامه کامل شهدای استان گیلان**: آثار و اسناد شهدا و ایثارگران، آ-ام (آبدر جگر گیرنده، امام دوست). تهیه و تنظیم: نسرين خادمی خالدي. نشر شاهد. ۹۲۴ صفحه. جلد ۲. وزیری (گالینگور). چاپ اول.
۱۷۴. **وصیت‌نامه کامل شهدای استان هرمزگان**: ج - ی (جمادی پوربندی - یزدی یحیی آباد). تهیه و تنظیم: کیانوش کیانی هفت‌لنگ. نشر شاهد. ۱۰۵۸ صفحه. جلد ۲. وزیری (گالینگور). چاپ اول.
۱۷۵. **کوله‌بار عاشقی**: مجموعه خاطرات پسران شهدای استان کردستان. محمد عثمانی. کتابچه. ۱۳۲ صفحه. رقی (شومیز). چاپ اول.
۱۷۶. **کیلومتر چهار** (خاطرات رزمنده دفاع مقدس سید یحیی مسلمی‌عقیلی). زهرا اسمعیلی. نورالشهدا. ۳۳۲ صفحه. رقی (شومیز). چاپ اول.
۱۷۷. **یاد یاران**: گردآورنده: دفتر روابط عمومی برق باختر. ایلدا. ۵۶ صفحه. رقی (شومیز). چاپ اول.
۱۷۸. **یادگاری‌های جنگ**: ایثارگران تیپ ۲۲۸ متحرک هجومی شهید سرلشکر ابراهیم ثابت. علی کریمی. زیرنظر: محمدرضا جهانگیری. کتابچه. ۱۴۶ صفحه. رقی (شومیز). چاپ اول.
۱۷۹. **یا قوت آسمانی**: شهید محمد صبوری همت‌آبادی. ح. ر. م. امین نگار. ۱۱۸ صفحه. رقی (شومیز). چاپ اول.
۱۸۰. **یوسف تباران**: عبدالمجید رحمانیان. مقدمه: سید علی‌اکبر ابوترابی. پیام آزادگان. ۲۵۶ صفحه. رقی (شومیز). چاپ اول.
۱۸۱. **یک دقیقه تا شهادت**: خاطرات تلخ و شیرین (دفاع مقدس). ولی بختیاری. بید. ۱۸۸ صفحه. رقی (شومیز). چاپ اول.



تازه‌ترین اثر انتشارات انقلاب اسلامی با عنوان جهاد مقدس شامل بیانات حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در مورد دفاع مقدس، هم‌زمان با آغاز هفته دفاع مقدس منتشر و در حاشیه افتتاح نمایشگاه «در لباس سربازی» به دست رئیس‌جمهور رونمایی شد. «دفاع مقدس» یکی از درخشان‌ترین و مهم‌ترین بخش‌های تاریخ انقلاب اسلامی و داستان حماسی پرشکوه مقاومت ملت بزرگ ایران است و آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) از اولین ساعات آغاز جنگ تحمیلی به‌عنوان نماینده حضرت امام خمینی (قدس‌سزه) در شورای عالی دفاع در این جهاد عظیم نقش مؤثری داشتند و در همان روزهای اول جنگ، عازم جبهه‌ها شدند. مسئولیت‌های توأمان معظم‌له در شورای عالی دفاع، امامت نماز جمعه تهران و ریاست کمیسیون دفاع مجلس شورای اسلامی در سال اوّل جنگ و سپس در مقام ریاست جمهوری و ریاست شورای عالی دفاع و ریاست شورای عالی پشتیبانی جنگ، این امکان را به ایشان می‌داد که نگاهی جامع نسبت به مسائل کشور و دفاع مقدس داشته باشند لذا بیانات مقام معظم رهبری درباره هشت سال جنگ تحمیلی

حاوی نکات و محورهای مهمی در این خصوص است. برای تدوین کتاب جهاد مقدس رهنمودها و بیانات فرماندهی معظم‌کل قوا در خصوص ابعاد و موضوعات مختلف مرتبط با دفاع مقدس که طی سال‌های ۱۳۵۹ تا ۱۳۹۹ بیان فرموده‌اند، مورد بررسی و بهره‌برداری قرار گرفته و مطالب آن در ۱۰ فصل تدوین شده است.

کتاب سال دفاع مقدس



ارزش‌های دفاع مقدس، پروژه‌های ۶۸ گانه مربوط به دفاع مقدس را در دست اقدام داریم که به نتایج خوبی رسیده و ۹۰ درصد کتاب‌ها آماده بهره‌برداری است. در ادامه این برنامه، ضمن رونمایی از پوستر نوزدهمین جشنواره انتخاب بهترین کتاب سال دفاع مقدس، احکام مسئولان این جشنواره اهدا شد. براین اساس، محمدقاسم فروغی جهرمی به عنوان دبیر علمی نوزدهمین دوره انتخاب کتاب سال دفاع مقدس، احمد میرابی، مسئول دبیرخانه و محمدحسین کریم‌پور، دبیر اجرایی این جشنواره معرفی شدند.

به گزارش ایبنا، آئین رونمایی از پوستر نوزدهمین جشنواره انتخاب کتاب سال دفاع مقدس، اول تیرماه با حضور سردار محمدقاسم ناظر معاون هماهنگ‌کننده بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس و عباس بایرامی رئیس سازمان ادبیات و تاریخ دفاع مقدس در محل این سازمان برگزار شد. معاون هماهنگ‌کننده بنیاد با اشاره به ضرورت جمع‌آوری مکتوبات مربوط به دوران دفاع مقدس و تاریخ انقلاب اسلامی، اظهار کرد: این مکتوبات در زمان مناسب مورد بهره‌برداری آیندگان قرار خواهد گرفت. دراین راستا در بنیاد حفظ آثار و نشر

نشریه ادبیات پایداری

اسحاق طغیانی؛ حسین آقاحسینی، «بوطیقای روایت ادبیات پایداری در کتاب‌های درسی ادبیات دوره متوسطه ایران» نوشته علی ششتمدی؛ علی تسنیمی؛ مهیار علوی مقدم؛ آدین حسین‌زاده، «مقایسه و تحلیل مضامین اشعار اعتراض در ادبیات معاصر ایران» نوشته نجمه طاهری ماه زمینی؛ محمدصادق بصیری و «پیشنهادهای برای رج‌بندی گروه-مؤلفه‌های ادبیات پایداری» نوشته غلامرضا کافی از عناوین مقالات این شماره است.

تازه‌ترین شماره نشریه ادبیات پایداری (شماره ۲۴، بهار و تابستان ۱۴۰۰) در ۱۶۶ صفحه منتشر شد. «بررسی تطبیقی شیوه کاربست وجه حماسی در شعر جنگ‌های ایران و روس با جنگ ایران و عراق» نوشته منوچهر جوکار؛ داوود پورمظفری؛ داودرضا کاظمی، «مضمون‌سازی با شگرد فراخوانی شخصیت در اشعار علیرضا قزو» نوشته عبدالله حسن زاده میرعلی؛ سعیده بیرجندی، «سبک‌شناسی اشعار آیینی در دوره دفاع مقدس» نوشته منصوره رضایی؛

آثار فاخر، اصل و اساس رویکرد ما در کارها باید حاوی مطالب و محورهایی باشد که نشان‌دهنده حفظ و ترویج هویت ملی باشد. بحث هویت ملی یکی از موضوعاتی است که مقام معظم رهبری سال‌هاست بر آن تأکید کرده‌اند و مشخصه‌هایی نیز برای آن بیان فرمودند. هویت ملی، اساس و پایه اقتدار و ماندگاری نظام و فرهنگ ماست و چنانچه ما در تولید آثار به این امر بی‌توجه یا کم‌توجه باشیم، مسلمانان باورها و آموزه‌های فرهنگی و اعتقادی را نیز کم‌کم فراموش کرده و دچار بی‌هویتی یا بحران‌های فرهنگی و دنیازدگی خواهیم شد. فروغی درباره برنامه‌های جنبی این دوره افزود: در این دوره چرخه کتاب به‌طور کامل دیده شده و شامل بحث سوژه‌یابی، تألیف، تدوین، ارزیابی، مهندسی کتاب، چاپ و توزیع، نقد و معرفی، فعالیت‌های کتابخانه‌ای و کتابداری، بحث رسانه‌ای کتاب، بحث عرضه و فروش کتاب، مسابقه کتابخوانی، خلاصه‌نویسی و چند موضوع دیگر است. امیدواریم که در این برنامه بتوانیم یک فعالیت مطلوب و کامل را داشته باشیم.

محمد قاسم فروغی جهرمی در سخنانی به سوابق فعالیت خود در حوزه نشر آثار دفاع مقدس اشاره کرد و گفت: در سال ۱۳۶۹ به‌عنوان مدیر ادبیات و انتشارات بنیاد حفظ آثار در این مجموعه ورود پیدا کردم که در آن زمان آقای چمران ریاست بنیاد را برعهده داشت و چند ماه بعد از اینکه در این مرکز مشغول به فعالیت شدم، اجرای برنامه‌هایی از جمله انتخاب کتاب دفاع مقدس، کنگره شعر دفاع مقدس و سمینار ادبیات دفاع مقدس را پیشنهاد کردم که انتخاب کتاب و کنگره شعر دفاع مقدس برگزار شد، اما سمینار ادبیات دفاع مقدس متأسفانه اجرایی نشد. فروغی جهرمی در بخش دیگری از سخنانش افزود: اگر در هر حرکت فرهنگی رویکرد هدف‌محور وجود نداشته باشد، مسیر و نقشه راه با سلیقه‌ها و تنوع نگاه‌های غیرمنطبق بر مسیر صحیح و مطلوب دنبال خواهد شد. شعار ما همان اصول اولیه و مسلمی است که در کارهای ما باید لحاظ شود. میناها و اصول باید به طرح برنامه‌ها و اجراهای منطبق بر هدف‌گذاری منطبق شوند، لذا بر اساس شعار «حفظ هویت ملی با تولید

کتاب جمکران

یا مزار آنها در استان قم است. دعوت از نویسندگان با سابقه در کنار استفاده از استعداد های نو قلم و همچنین برگزاری جلسات متعدد ارائه سوژه توسط رزمندگان برای نویسندگان از ویژگی‌های آغاز به کار تألیف این آثار است. رمان، زندگی‌نامه، داستان کودک، مجموعه خاطره، مجموعه طنز و کمیک استریپ از جمله قالب‌هایی هستند که توسط کتاب جمکران و نویسندگان قلمی در حال نگارش هستند.



به همت دفتر ادبیات پایداری و مقاومت کتاب جمکران و با همکاری دبیرخانه کنگره ۶ هزار شهید استان قم، ۴۵ اثر با محوریت شهدا و رزمندگان قم در حال تدوین و نگارش است. انتشارات کتاب جمکران وابسته به مسجد مقدس جمکران در راستای ترویج فرهنگ جهاد و شهادت و با حمایت و همراهی کنگره شهدای استان قم، نگارش و تدوین ۴۵ اثر با محوریت شهدا و رزمندگان قم را آغاز کرد. این آثار با محوریت شهدایی است که محل تولد

جایزه شهید اندرزگو



امیرحسین فردی، از نویسندگان خوب، متوجه این نقیصه شد و جشنواره داستان انقلاب به همت وی راه اندازی شد. این امر فتح بابی برای تولیدات مرتبط با انقلاب اسلامی شد. پرویز در ادامه به تلاش همه جانبه دشمن برای تظہیر چهره خاندان پهلوی اشاره کرد و اظهار داشت: ما مواجه شده ایم با خیل عظیم شبهاتی که ضدانقلابیون تدارک می بینند و جوانانی را که شاهد وقایع پیش از انقلاب نبوده اند، بمباران تبلیغاتی می کنند تا مطالب خلاف و خطا را به آنها القا کنند. ما تاریخ انقلاب را کم نوشتیم یا ننوشتیم و نتیجه این شد که بعضی ها بیایند و وقایعی را که درست است، به عنوان حکومت پهلوی جا بزنند و کسانی که آن روزها را ندیدند، این

به نقل از ایبنا، محسن پرویز، دبیر علمی دومین دوره جایزه ادبی شهید سیدعلی اندرزگو، انقلاب اسلامی را بستری برای هنرمندان دانست و گفت: یکی از رخدادهای بسیار بزرگ در کشور ما، انقلاب اسلامی بود که بنا بر دلایلی به قدر کفایت در ادبیات داستانی و بخش های مستندنگاری تاریخ، به آن پرداخته نشد. معمولاً رخدادهای بزرگ اجتماعی بستری فراهم می کنند برای نویسندگان و شعرا که به آن مسائل بپردازند و بتوانند آفرینش هنری انجام دهند. دبیر علمی جایزه ادبی شهید اندرزگو درباره علل کاهش تولیدات مرتبط با انقلاب در بین آثار نویسندگان چنین گفت: شاید به دلیل نزدیکی دفاع مقدس و ظهور انقلاب و تأثیر هیجانی و بزرگی که صحنه های دفاع مقدس بر نویسندگان و شاعران گذاشت، خواسته یا ناخواسته نویسندگان و شاعران ما جذب این حماسه آفرینی ها شدند و تلاششان معطوف به ثبت و ضبط وقایع و رخدادهایی شد که در دفاع مقدس اتفاق می افتاد و نتیجه این شد که از ثبت و ضبط وقایع انقلاب غافل شویم. شاید حدوداً ۱۵ سال پیش، مرحوم

شعر مقاومت

شعر مقاومت محصول حملات فیزیکی و مجازی متجاوزان به حریم یک ملت و خلق اشعار سیاسی، فرهنگی و اجتماعی توسط شاعران است. وی افزود: شعر مقاومت در جمهوری آذربایجان در پنج محور رشد داشته است که مقاومت در برابر فرهنگ کمونیستی شوروی، اشغال قره باغ توسط ارمنستان و خلق قوی ترین اشعار حماسی و ملی در آذربایجان با این موضوع، انقلاب اسلامی ایران و

به گزارش ایبنا، شعر مقاومت در جمهوری آذربایجان، با حضور مصطفی قلیزاده علیار در چهارمین کارگاه پژوهشی مجازی حوزه هنری انقلاب اسلامی آذربایجان غربی معرفی و نقد و بررسی شد.

در این کارگاه مجازی، مصطفی قلیزاده علیار با معرفی شعر مقاومت به عنوان فرهنگ ایستادگی در مقابل فرهنگ های بیگانه و مهاجم بیان کرد:

در حوزه کودک و نوجوان برای بررسی به گروه‌های داوری ارجاع داده است. دبیر جایزه اندرزگو با اعلام اینکه داوران اسامی آثار منتخب هر بخش را به دبیرخانه اعلام کرده‌اند گفت: فرایند داوری از زمانی که آثار به دبیرخانه رسید، شروع شد و کتاب‌ها در اختیار داوران قرار گرفت. در حوزه داستان و رمان بزرگسال پنج اثر، در حوزه داستان کودک و نوجوان پنج اثر و در حوزه تاریخ شفاهی و روایت تاریخی سه اثر و در مجموع، سیزده اثر به دبیرخانه معرفی شد. در واقع این سیزده اثر، برندگان این دوره از جایزه شهید اندرزگو هستند و از تمامی آثار تقدیر خواهد شد. وی در پایان گفت: در مرحله آخر داوری، این آثار در اختیار بیش از بیست نفر از نخبگان حوزه کتاب و ادبیات و رسانه قرار می‌گیرد و این هیئت نخبگانی با مطالعه آثار منتخب هیئت‌های داوری و رأی‌دهی به آنها، برگزیدگان جایزه ویژه اندرزگو را انتخاب می‌کنند. در نهایت، در مراسم اختتامیه - که در هفته اول شهریورماه، هم‌زمان با سالگرد شهادت شهید اندرزگو برگزار می‌شود- اسامی منتخبان آرای نخبگانی اعلام می‌شود.

حرف‌ها را باور کنند. این نویسنده با سابقه افزود: با توجه به کم‌کاری که در نمایش انقلاب و کسانی که در انقلاب فداکاری کردند، زمینه‌ها و دلایل بروز انقلاب و مسائلی از این دست صورت گرفته بود، تصمیم بر این شد که مشوق جدیدی ایجاد کنیم برای پرداختن به واقعه مهم انقلاب و در نتیجه به جایزه شهید اندرزگو منجر شد. پرویز با اشاره به اینکه این جایزه در سه بخش «داستان و شعر کودک و رمان نوجوان»، «داستان بلند و رمان بزرگسال» و «روایت تاریخ» برگزار می‌شود، گفت: در این دوره ۳۱۵ عنوان کتاب به دبیرخانه جشنواره ارسال شد که از میان اینها ۱۳۷ عنوان در حوزه روایت و تاریخ شفاهی، ۷۶ عنوان در حوزه داستان کودک و نوجوان، ۹۳ عنوان در حوزه داستان بزرگسال و ۹ عنوان هم به حوزه شعر اختصاص داشته است. در این بین، دبیرخانه دائمی جایزه بعد از پالایش تمامی آثار و حذف آن دسته از آثاری که متناسب با رویکرد و موضوع جایزه نبوده است، در نهایت ۵۵ عنوان کتاب را در حوزه داستان بزرگسال، ۸۶ عنوان در حوزه تاریخ شفاهی، ۹ عنوان در حوزه شعر و ۲۲ عنوان کتاب هم

و شاعران تأثیرگذار این عرصه ادبی از جمله منظومه «پیغمبر» از حسین جاوید، اشعار «بختیار و هاب زاده و ممد آراز» و همچنین شاعرانی مانند «امیل علی‌آف و علمدار ماهر»، گفت: شعر مقاومت در جمهوری آذربایجان بسیار بالنده و پویا است و شاعران این عرصه ضمن توجه به مسائل داخلی در خصوص حوادث و مسائل جهان اسلام عملکرد خوبی از خود داشته‌اند.

اندیشه‌های امام خمینی (ره)، حوادث جهان اسلام و جنبش بیداری اسلامی و همچنین مهدویت و انتظار فرج و اعتراض به نابرابری‌های داخلی و خارجی، موضوعاتی هستند که شاعران در جمهوری آذربایجان طی دوران معاصر به آنها علاقه بیشتری داشته‌اند.

این پژوهشگر عرصه ادبیات آذربایجان در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به برخی از کتاب‌ها

هویت ملی در ادبیات داستانی

نشست «ظهور و بروز هویت ملی در ادبیات داستانی دفاع مقدس»، ۱۶ شهریورماه با حضور محمدقاسم فروغی، احمد شاکری و مهدی کاموس از سوی خانه کتاب و ادبیات ایران با همکاری سازمان ادبیات و تاریخ دفاع مقدس برگزار شد. مهدی کاموس در ابتدای این نشست گفت: در میان ابعاد مختلف هویت ملی، معمولاً ابعاد شش‌گانه‌ای را در نظر می‌گیرند. مثلاً ابعاد سرزمینی یا جغرافیایی که مشهورترین بعد هویت ملی است. ابعاد دیگر هم ابعاد اجتماعی، سیاسی، دینی و بالاخره فرهنگی است و صاحب‌نظران و کارشناسان میان ابعاد مختلف دربارهٔ هویت ملی صحبت می‌کنند ولی آنچه که مدنظر من هست، تغییراتی است که در سه دهه اخیر در دنیا اتفاق افتاده، به خصوص در دو دهه گذشته و آن بحث تأثیر جهانی شدن و فناوری‌های نو بر هویت ملی و جامعه جهانی است. در واقع، هویت فرهنگی یعنی هویتی که تولید معنا می‌کند و معناها را برای ملت‌ها می‌سازد؛ یعنی معنای مرگ، زندگی، خانه، خانواده و کاشانه را برای ملت‌ها می‌سازد و هویت ملی به نوعی همان هویت فرهنگی است. کما اینکه مرحوم روح‌الامینی در یکی از آثار خود می‌گوید که «هویت ایرانی همان هویت فرهنگ ایرانی است» و به نظر من هم مهم‌ترین بعد هویت ملی، هویت فرهنگی است. با این توافق اگر بحث را شروع کنیم، می‌توانیم بگوییم فلسفه هویت ملی همان هویت فرهنگی است و در یک توسعه مفهومی می‌توانیم هویت ملی را تحت هویت فرهنگی بررسی کنیم. اما در هویت فرهنگی آنچه مؤلفهٔ محوری است، بحث هنر و ادبیات است و به همین سبب در مطالعات فرهنگی طی سه چهار دههٔ اخیر برای شناخت ملت‌ها عموماً به

بررسی هنر و ادبیات آن کشور می‌پردازند. کاموس ادامه داد: هویت ملی در ادبیات دفاع مقدس در سه شاخص «هویت شیعی»، «هویت امام‌محور» و «ولایت‌محور» خودش را نشان داده است، یعنی در ادبیات داستانی دفاع مقدس، هویت ملی به سمت هویت دینی سوق داده شده و هویت دینی به سمت هویت شیعی حرکت می‌کند و از میان ابعاد مختلف هویت ملی، آنچه که در ادبیات داستانی دفاع مقدس تداوم فرهنگی پیدا کرده، بحث شیعه بودن است. وی در ادامه به «هویت عاطفی بودن» و «هویت شاعرانگی ایرانیان» اشاره کرد و گفت: بحث شیعی، عارفانه، عاطفی یا شاعرانگی ایرانیان است. حال می‌خواهیم بدانیم به چه شکلی ادبیات داستانی دفاع مقدس، هویت ملی ما را در این سه بعد و زمینه‌ای که بیان شد به نوعی هدایت می‌کند. در واقع می‌شود گفت که ظهور و بروز عاطفی هویت ایرانی ما در تفسیر مسائل سیاسی، خانوادگی، اجتماعی و مسائل تاریخی تبیین شده و می‌توانیم بگوییم که ماهیت جنگ ما را در دوران دفاع مقدس شکل می‌دهد و تفسیر می‌کند. در ادامه این نشست، احمد شاکری، نویسنده و پژوهشگر و منتقد عنوان کرد: مسئله یا موضوعی که در این جلسه مطرح می‌شود به شدت به سمت کلان موضوع سوق پیدا می‌کند، لذا به شدت مقدمات این مجهول نیاز به کار بین‌رشته‌ای سنگین دارد. ادبیات داستانی یک هندسهٔ معرفتی است. تقلیلی که خیلی از پژوهشگران را به بیراهه برده این است که تصور می‌کنند ادبیات داستانی یعنی تولید خلاق، درحالی‌که داستان خودش که محقق نمی‌شود، پس چه چیزی به داستان هویت می‌دهد؟ خود داستان هویتش را از پژوهش و نقد می‌گیرد. داستانی که



ایجاد کند. ادبیاتی که معرفی نمی‌شود تا مخاطب همگانی داشته باشد، نمی‌تواند ظهوری در هویت ملی داشته باشد، حتی اگر هویت ملی را نمایش دهد. شاکری تصریح کرد: هنوز ادبیات داستانی ما به لحاظ فنی و به لحاظ تعریف تئوریک، واجد هویت ملی نشده است. یعنی ادبیات داستانی ما به شدت جنبه ترجمه‌ای دارد و هنوز نظریه‌پردازی و تبیین تئوریک نشده، لذا این نکته مهم است که وقتی در مورد زمینه و ظرف داریم به موضوع نگاه می‌کنیم و انتظار داریم هویت ملی در آن انعکاس پیدا کند، باید راجع به خود آن ظرف که یک عنصر هویت‌ساز است، ببینیم تعلق به هویت ملی ما دارد یا خیر؛ یعنی از صد و اندی سال پیش که ادبیات داستانی به کشور ما وارد شد، آیا آن بایسته‌ها و مؤلفه‌ها که در ادبیات و هویت ماست در ساختار، بطن و قالب‌های آن نفوذ پیدا کرده و ابزار مناسبی برای بازتاب هویت ملی ما شد یا خیر؟ پس ما باید متوجه باشیم که علی‌القاعده توجه به یک گونه انحصار در نتیجه‌گیری را موجب نشود.

مبانی‌اش در فضای دانشگاه تأیید و تفسیر نشود، هویت پیدا نکرده است. یکی از دلایلی که ادبیات داستانی ما فاقد هویت دقیق و کامل ملی است، این است که تئوری‌پردازی نشده و یکی از دلایلی که این ادبیات در جهان و غرب جاافتاده و صاحب مکتب است، این است که تئوری‌پردازی می‌شود. متأسفانه جریان نقد به معنای واقعی کلمه نداریم. چگونه ادبیات می‌تواند هویت داشته باشد؟ این نکته مهمی است پس ظهور و بروز هویت ملی در ادبیات، اولاً در تولید نیست، ثانیاً ادبیات، این هویت را از چیز دیگری می‌گیرد. وی در ادامه بیان کرد: ادبیات موضوع شخص و فرد است و هر چیزی که در ارتباط با آن است جزء هویت فردی اوست و داستان به صورت اولی و به صورت ذاتی اتفاقاً این هویت فردی را منتقل می‌کند، چون موضوعش فرد است. در ادامه این سؤال به ذهن متبادر می‌شود که اصلاً داستان هویت چه چیزی را در چه سطحی نشان می‌دهد؟ پاسخ این است که ادبیاتی که مخاطب ملی ندارد، نمی‌تواند هویت ملی

کنگره شعر و یوسف



معرفی کنیم. مسعود امیرخانی هم ضمن اشاره به کم توجهی به ادبیات نوجوان در سال‌های اخیر از اضافه شدن بخش نوجوان به این جشنواره خبر داد: برای کمبود آثار این حوزه، بخش ویژه داستان نوجوان را به دهمین دوره جایزه ادبی یوسف اضافه کردیم. وی افزود: بخش ویژه دیگر در این دوره، «داستان شهیدان» خواهد بود و قصد داریم از این مجال بهره ببریم و از نویسندگان دعوت کنیم داستان‌هایی کوتاه درباره شهیدان و قهرمانان ملی‌مان در هر استان بنویسند.

به گزارش خبرنگار کتاب و ادبیات خبرگزاری فارس، آئین رونمایی از پوستر دو رویداد ملی «بیست و سومین کنگره سراسری شعر دفاع مقدس» و «دهمین دوره جایزه ادبی یوسف» صبح یکشنبه ۱۳ تیرماه با حضور امیر سرتیپ سهرابی جانشین رئیس بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس و رئیس سازمان ادبیات و تاریخ دفاع مقدس در بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس برگزار شد و دکتر محمدرضا سنگری و مسعود امیرخانی به عنوان دبیران این دو رویداد انتخاب شدند. محمدرضا سنگری در این جلسه گفت: هر چیزی که سه ویژگی زایایی، پویایی و پایایی را داشته باشد، کوثر است. این شاعر با تأکید بر اینکه جریان شعر دفاع مقدس این هر سه ویژگی را دارد، تصریح کرد: اگر قرار باشد که ادبیات کشورمان را معرفی کنیم باید ادبیات دفاع مقدس و شعر که بخشی از آن است را به عنوان بخشی هویت بخش

پرسه در خاک غریبه

گرمای ذاتی و کلامی همیشگی خود به سراغ جبهه‌های سرد و برف‌گرفته غرب کشور رفته است و داستانی چنان بدیع را در این منطقه روایت می‌کند که در سطر سطر آن چیزی جز انتظار و میخکوب شدن بر روی واژه‌ها و صحنه‌های ترسیم‌شده نصیب خواننده نمی‌شود. گروهی از رزمندگان در سرما و بوران منطقه کوهستانی غرب کشور و به منظور نجات مردم گرفتار در کردستان عراق، به دل کوه می‌زنند تا با انجام عملیاتی آنها را از دست مزدوران بعثی نجات دهند و این ماجراجویی است که برای آنها در طول داستان حواشی فراوانی را به وجود می‌آورد.

به گزارش خبرنگار فرهنگ خبرگزاری تسنیم، ترجمه انگلیسی رمان پرسه در خاک غریبه نوشته احمد دهقان، توسط کارولین کراسکری، شرق‌شناس و محقق دانشگاه یوسی‌آی آمریکا، به اتمام رسید. انتشارات شمع و مه در نظر دارد تا این کتاب را در انگلستان رونمایی کند. این دومین اثر احمد دهقان است که توسط انتشارات شمع و مه از به زبان انگلیسی منتشر می‌شود.

پیش از این، کتاب من قاتل پسران هستم نیز به ترجمه کراسکری و از سوی انتشارات شمع و مه منتشر و در کشورهای انگلیسی‌زبان و آمریکا توزیع شده بود. دهقان در این رمان برخلاف

نمایشگاه کتاب فرانکفورت



امیرشهریار امینیان، مدیرعامل مجمع ناشران دفاع مقدس در گفت و گو با خبرگزاری کتاب ایران، با اشاره به برنامه های این مجمع در حوزه بین الملل، عنوان کرد: این برنامه ها عمدتاً نقش ترویجی، تسهیل گری و شتاب گری دارد؛ یعنی سیاست مجمع به گونه ای است که شرایط حضور ناشر، فعالیت آژانس های ادبی و کارگزارهای ادبی تقویت و توسعه بین المللی نشر دفاع مقدس است. وی افزود: با توجه به این موضوع مشخص است که یکی از فعالیت های مادر حوزه شناسایی آثار مطلوب و آثاری است که قابلیت فرهنگی انتشار به زبان های دیگر را دارند و در مسیر رشد و اعتلای دفاع مقدس، مقاومت و مقاومت اسلامی در سطح بین الملل مؤثر هستند. امینیان با بیان اینکه مجموعه آثاری که در چارچوب مفهومی موضوع نهضت ترجمه هستند، برای ما اهمیت دارند، گفت: در این زمینه طی چند ماه گذشته

یک سری از آثار را بررسی کرده ایم زیرا طبق روال هرساله آثار گزینش می شوند. البته از خود ناشران هم درخواست کردیم که آثار خود را برای ما ارسال کنند. وی تأکید کرد: در این میان هر سال آثاری که جوایز ملی مثل جایزه کتاب سال دفاع مقدس، جایزه ادبی یوسف، جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی و ... را کسب کرده بودند، بررسی شدند؛ همچنین آثاری که مورد تقریظ مقام معظم رهبری قرار گرفتند و آثار پرفروش در اولویت بودند.

رونمایی از ۴۵۱ عنوان کتاب

بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس اعلام کرد: ۳۲۰۰ برنامه از سوی سازمان ها و نهادهای کشوری و لشکری به مناسبت چهل و یکمین سالگرد گرامیداشت دفاع مقدس در سراسر کشور اجرا می شود که از میان آنها می توان به رونمایی از ۴۵۱ عنوان کتاب در قالب ۷۰ برنامه اشاره کرد. بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس به مناسبت گرامیداشت این ایام اجرای برنامه هایی مانند رونمایی از اثر فاخر و ملی کتاب «پسر تفتان»، برگزاری پانزدهمین نشست تخصصی خاطره نگاری دفاع مقدس به صورت مجازی، برگزاری نشست تخصصی نقد کتاب از خاک تا افلاک (اشعار برگزیده بیست و دومین کنگره شعر دفاع مقدس)، برگزاری

نشست تخصصی نقد کتاب یوسف (داستان های برگزیده نهمین جشنواره جایزه ادبی یوسف) و رونمایی از کتاب شهدای روحانی ترور را در نظر دارد. از دیگر برنامه هایی که به مناسبت گرامیداشت ایام دفاع مقدس در نظر گرفته شده است، می توان به رونمایی از ۱۲ دایره المعارف استانی، نقش ناجا در دوران دفاع مقدس از سوی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، برگزاری رویداد نمایش نامه نویسی با عنوان «نخل سرخ» از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و برگزاری وبینار زنان در دفاع مقدس از نگاه قلم، هنر و پژوهش از سوی معاونت زنان و خانواده ریاست جمهوری اشاره کرد.

یادها و نام‌ها



به گزارش گروه حماسه و مقاومت خبرگزاری فارس، در چهل و یکمین سالگرد گرامیداشت هفته دفاع مقدس، مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس سومین مراسم «یادها و نام‌ها» را در ۳۱ شهریورماه با حضور فرماندهان و پیش‌کسوتان دفاع مقدس در سالن خلیج فارس موزه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس برگزار کرد. در این مراسم از ۱۲ عنوان کتاب از گروه مطالعات و جغرافیای نظامی شامل ۳ عنوان اطلس (اطلس لشکر ۳۳ المهدی، اطلس لشکر ۱۱ امیرالمؤمنین، اطلس نبردهای هور)، ۵ عنوان شناسنامه یگان‌ها (شناسنامه لشکر ۸ نجف، شناسنامه لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله، شناسنامه لشکر ۲۵ کربلا، شناسنامه لشکر ۳۳ المهدی، و شناسنامه قرارگاه کربلا)، یک عنوان نبرد یگانی (نبرد حمربین) و ۳ عنوان کتاب موضوعی (مباحث استراتژیک جنگ، عملیات خیبر؛ تفکری نو در جنگ، درس‌ها و دستاوردهای جنگ) رونمایی شد. همچنین در این مراسم ۱۵ اثر در حوزه‌های ترجمه، کتاب‌های روایت مستند مردمی شامل خاطرات و زندگی‌نامه شهدا و کتب پژوهشی در سه بخش اجتماعی، فرهنگی و سیاسی و ۱۰ عنوان روزنامه

شامل ۴ عنوان مربوط به روزشمار جنگ ایران و عراق و ۶ عنوان مربوط به روزشمار تحولات انقلاب اسلامی رونمایی شد. جلد چهارم تاریخ شفاهی سرلشکر محسن رضایی، جلد دوم تاریخ شفاهی سرلشکر سید یحیی رحیم صفوی، تاریخ شفاهی حجت‌الاسلام عبدالله حاجی صادقی، تاریخ شفاهی سردار عبدالمحمد رئوفی‌نژاد، تاریخ شفاهی سردار احمد فتوحی، تاریخ شفاهی مرحوم سردار علی‌اصغر زارعی، تاریخ شفاهی سردار محمدرضا عطارزاده، تاریخ شفاهی سردار علیرضا مزینانی، تاریخ شفاهی سردار نصرالله فتحیان هم در این مراسم رونمایی شد.

مجمع ناشران دفاع مقدس



به گزارش خبرنگار کتاب و ادبیات خبرگزاری فارس، سومین دوره از انتخابات هیئت مدیره مجمع ناشران دفاع مقدس برگزار شد. براساس این گزارش، در این دوره، «رحیم مخدومی» به‌عنوان رئیس هیئت

سال‌ها در برگزاری چندین دوره نمایشگاه ملی کتاب دفاع مقدس، برگزاری نشست‌های تخصصی با خانه کتاب و ادبیات ایران و مؤسسه نمایشگاه‌های وزارت ارشاد و برپایی دوره‌های تخصصی آموزش خاطره و داستان‌نویسی در استان‌های مختلف کشور مشارکت کرده و در نمایشگاه‌های بین‌المللی کتاب در چندین کشور جهان حضوری فعال داشته است.

مدیره و «امیرشهریار امینیان» به‌عنوان مدیرعامل مجمع برگزیده شدند. مجمع ناشران دفاع مقدس حدود هشت سال سابقه فعالیت دارد و طی این



علیرضا شهماپی پور، سولماز صادق زاده نصرآبادی، اکبر صادقی، فاطمه عزتی سوران، آیدین ضیایی، داوود غفارزادگان، حسین قربان زاده خیاوی، توران قربانی صادق، رضا کاظمی، نیره محرمی رنجبر، مونا منادی، عارف مهتاب، محمود مهدوی و ساسان ناطق به چاپ رسیده است.

این مجموعه با گزینش رضا کاظمی، محمود مهدوی و پری آخته و حمایت مالی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی، حوزه هنری استان اردبیل و مؤسسه فرهنگی-هنری گلشن آراز در شمارگان ۱۰۰۰ نسخه از سوی انتشارات چشمه نور چاپ شده است.

به گزارش ایبنا، طی مراسمی در فرهنگسرای بانوان در اردبیل، از مجموعه داستان هشت، برگزیده آثار نویسندگان اردبیلی با موضوع دفاع مقدس، رونمایی و از پدیدآوران آثار تجلیل شد. هشت ۳۷ داستان فارسی و ترکی با موضوع دفاع مقدس است که از میان آثار نویسندگان اردبیلی و برگزیدگان جشنواره‌ها انتخاب شده است.

در این کتاب آثاری از پری آخته، فرنام آگاه، جعفر اسفندیاری، اسماعیل امامی، فرانک انصاری، حکیمه باباکیشی زاده، محمدرضا بایرامی، آذر بشیرزاده، محمد بهرام پور، زهرا جعفری، خدیجه خانی، ماهرخ داش تیموری، فرشاد رهنما، خدیجه سلمانی سولا،

کتاب دفاع مقدس در ترکیه

که در کمیته گزنت به تصویب رسیده است. وی ادامه داد: قرارداد کپی رایت این دو کتاب از سوی آژانس ادبی پل با انتشارات اونسوز ترکیه به امضا رسیده است و قرار است این دو کتاب به زبان ترکی استانبولی منتشر شوند. برای هر کدام از این کتاب‌ها مبلغ حمایتی هزار یورو به تصویب رسیده است.

علی فریدونی، مدیرکل اداره مجامع و تشکل‌های فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، در گفت‌وگو با خبرنگار فرهنگی خبرگزاری تسنیم، از تصویب کمیته گزنت برای حمایت از دو کتاب حوزه ادبیات دفاع مقدس و پایداری خبر داد و گفت: راز نگین سرخ نوشته حمید حسام و نه آبی و نه خاکی نوشته علی مؤذنی از کتاب‌های انتشارات سوره مهر است

جنگ و صلح



تقریباً هیچ دستاورد نظامی برای ایران وجود نداشته و مسئولان به این جمع‌بندی رسیدند که نمی‌توانند جنگ را ادامه دهند و امام (ره) را به این جمع‌بندی رساندند که جنگ قابل ادامه نیست. وی ادامه داد: جنس و نوع پیام‌های اول جنگ و انتهای جنگ امام (ره)، کاملاً متفاوت است که بعد از ۳۳ سال هنوز جای تأمل و کار دارد که به نظر نیازمند تحلیل و بررسی است. در کتاب جنگ و صلح سعی کردیم درباره قطعنامه با افراد مختلف مصاحبه کنیم،

به نقل از ایبنا، کتاب جنگ و صلح نوشته سید محمد مهدی دزفولی، عصر شنبه ۲۶ تیرماه در موزه ملی انقلاب اسلامی و دفاع مقدس رونمایی شد. این کتاب روایتی متفاوت از ماه‌های قبل و بعد از قطعنامه ۵۹۸ است. سید محمد مهدی دزفولی، نویسنده کتاب، در این آئین، با بیان اینکه کتاب جنگ و صلح ۳۳ سال بعد از پذیرفته شدن قطعنامه نوشته شده، گفت: قطعنامه ۵۹۸ را عبرت تاریخی ببینیم. تاریخ به ما می‌گوید چهارماه پایان جنگ،

جایزه سرو

اختتامیه دوره نخست هم‌زمان با عید غدیر خم، در شاخه‌هایی همچون کارگردانی تئاتر، بازیگری تئاتر و بهترین نمایش نامه، از کارهای برتر تجلیل شد. وی ادامه داد: تاکنون کارهای پژوهشی فاخری در زمینه تئاتر انقلاب اسلامی و دفاع مقدس در قالب‌های پایان نامه، نمایش نامه، کتاب و ... در کشور تولید شده که متأسفانه کمتر دیده شده و بیشتر در قفسه کتابخانه‌ها یا گنج پژوهشگاه‌ها مانده‌اند و مخاطبان آنها نیز بیشتر پژوهشگران بوده‌اند. لذا در دومین دوره جایزه «سرو» هدفمان را روی آثار پژوهشی و کتاب متمرکز کردیم.

انجمن تئاتر انقلاب و دفاع مقدس بنیاد فرهنگی روایت فتح در راستای اهداف و سیاست‌های خود و به منظور تجلیل از هنرمندان فعال تئاتر انقلاب اسلامی و دفاع مقدس، دومین دوره جایزه «سرو» را ویژه تئاتر تلویزیونی و آثار مکتوب مربوط به دهه ۹۰ (از سال ۱۳۹۰ تا سال ۱۳۹۹)، در مهرماه ۱۴۰۰ هم‌زمان با هفته گرامیداشت دفاع مقدس، برگزار می‌کند. حمید نیلی مدیرعامل انجمن تئاتر انقلاب و دفاع مقدس در گفت‌وگو با خبرنگار ایبنا، درباره کیفیت برگزاری جایزه «سرو»، بیان کرد: نخستین دوره جایزه سرو، بر تولیدات تئاتر متمرکز بود. در سال ۱۳۹۸ حدود ۲۵۰ اثر در کل کشور تولید شد که در آئین

یا صدام بود گفت: وقتی جنگ شروع شد، راهبرد ایران جلوگیری از پیشروی صدام و آزادسازی سرزمین‌ها و پایان دادن به جنگ بود. امام (ره) تا آخر معتقد بودند نتیجه جنگ باید ساقط شدن حزب بعث برای مردم عراق باشد. ولی این اتفاق را به وسیله مردم عراق خواهان بودند نه با عملیات نظامی. امام (ره) منتظر بودند حزب بعث به وسیله ارتش عراق یا مردم برچیده شود و جنگ با حفظ تمامیت ارضی ایران پایان یابد. امام (ره) مخالف عبور از مرز بودند و در این شکی نیست که آقایان هاشمی رفسنجانی و محسن رضایی در این خصوص تأیید کردند، ولی ایشان معتقد بودند با دست برتر جنگ پایان یابد. علایی افزود: دستگاه دیپلماتیک کشورمان برنامه‌ای برای پایان جنگ نداشت؛ لذا در هیچ عملیاتی ما پیوست دیپلماسی نداشتیم، پس ما از ابتدا تا انتهای جنگ ابتکار عملی برای پایان دادن به جنگ مطرح نکردیم.

به همین دلیل با افرادی همچون ابراهیم یزدی و شخصیت‌های نظامی مصاحبه انجام دادیم و یک مستند ۵۳ ثانیه‌ای نیز درباره این کتاب تولید کردیم که سعی بر این بوده به نکات مهم اشاره شود. سردار حسین علایی هم در این مراسم با تأکید بر اینکه بعد از گذشت سال‌ها از پایان جنگ بهتر است به عنوان تاریخ به موضوع قطعنامه ۵۹۸ بپردازیم، اظهار کرد: وقتی هر جنگ و حادثه‌ای شروع می‌شود، مهم‌ترین مسئله برای سیاستمداران پایان آن است. جنگ‌ها در طول دوره تاریخ بشر هیچ‌کدام تا ابد ادامه نداشته‌اند بلکه به چند شیوه پایان یافته‌اند. یکی اینکه یک طرف دیگری را با شکست نظامی تسلیم می‌کند. روش دیگر این است که طرفین به دنبال مذاکره و مصالحه می‌روند تا توافق کنند یا اینکه جنگ‌ها به قدری طولانی و فرسایشی می‌شود که طرفین جنگ را پایان می‌دهند. وی با طرح این سؤال که آیا در طول دفاع مقدس ابتکار پایان جنگ دست ما

قدر ولایت

فرهنگی انقلاب ترسیم و تعیین نشده است؛ لذا خلأها کاملاً شناسایی نشده‌اند، قوت‌ها نیز همین طور. عطایی مهم‌ترین راهبرد و سیاست مؤسسه فرهنگی‌هنری قدر ولایت در دهه پیش رو را پرداختن جدی‌تر



خبرنگار کتاب و ادبیات خبرگزاری فارس گفت وگویی با احمد عطایی مدیر انتشارات قدر ولایت درباره تحولات نشر در سال‌های اخیر انجام داده است. عطایی یکی از ضعف‌های موجود در این حوزه از نداشتن بانک اطلاعاتی کامل و به روز از

وضعیت ناشران و نیروهای فرهنگی جبهه انقلاب می‌داند که می‌تواند در هم‌افزایی و به‌کارگیری منابع و نفرات مستعد و برنامه‌ریزی درازمدت بسیار مؤثر باشد و معتقد است نیازهای امروز انقلاب اسلامی تنوع و گسترش بیشتری نسبت به دهه‌های هفتاد و هشتاد دارد. او معتقد است نقشه راه در جبهه

و گسترده‌تر به مطالبات و انگشت اشاره‌های رهبر حکیم و آگاه نظام جمهوری اسلامی به‌ویژه در حوزه تاریخ معاصر ایران، فرهنگ عمومی و گسترش اخلاق اسلامی، فلسفه و تاریخ انقلاب برای کودکان و نوجوانان و ارزش‌های دفاع مقدس و مقاومت می‌داند.

درگذشتگان

حجت الاسلام ابوالقاسم اقبالیان



حجت الاسلام ابوالقاسم اقبالیان مسئول بسیج قم در دوران دفاع مقدس و راوی خاطرات کتاب حجره شماره دوروز جمعه ۲۵ تیر درگذشت. وی از جانبازان دوران دفاع مقدس بود که پس از تحمل یک دوره بیماری در بیمارستان خاتم الانبیا (ص) شهر تهران درگذشت.

محمد سرور رجایی



محمد سرور رجایی، شاعر و نویسنده برجسته فارسی زبان معاصر صبح روز پنجشنبه هفتم مرداد ۱۴۰۰ بر اثر ابتلا به ویروس کرونا درگذشت. رجایی متولد ۱۳۴۸ کابل بود. وی از سال ۱۳۷۳ به ایران مهاجرت کرده و مدیریت خانه ادبیات افغانستان و مدیریت دفتر شعر و داستان افغانستان در حوزه هنری را برعهده گرفت. از جمله آثار او می توان به کتاب های: در آغوش قلب ها: اشعار و خاطرات مردم افغانستان درباره امام خمینی، مأموریت خدا: هفت روایت از احمد رضا سعیدی، شهید ایرانی جهاد اسلامی افغانستان، گرگ های مهربان کوه تخت: داستانی از افغانستان و سفیدتر از آفتاب: گزیده شعرهای حیدری و جودی اشاره کرد.

علی سلیمانی



علی سلیمانی بازیگر سینما، تلویزیون و تئاتر با مدام پنجشنبه ۲۱ مردادماه به علت عوارض ناشی از کرونا دچار ایست قلبی شد و در سن ۵۰ سالگی از دنیا رفت. او متولد ۱۳۵۰ در تهران و دارای مدرک کارشناسی نمایش باگرایش بازیگری بود و فعالیت خود در سینما را با سفر بخیربه کارگردانی داریوش مؤدبیان آغاز کرد. در کارنامه کاری او علاوه بر بازیگری، طراحی دکور و اجرا هم دیده می شود. بازی در تئاتر خنکای ختم خاطره و فیلم سینمایی تنگه ابوقریب از جمله آثار علی سلیمانی در ژانر دفاع مقدس است.

۱۰۴

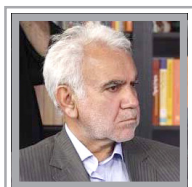
فصلنامه اطلاع رسانی و
اطلاع بخشی اندیشه
ادبیات پایداری
شماره سوم | آذر و دی ۱۴۰۱

رحیم نیکبخت



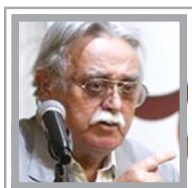
رحیم نیکبخت از نویسندگان مطرح حوزه تاریخ انقلاب جمعه ۱۵ مرداد در سن ۵۰ سالگی بر اثر ابتلا به ویروس کرونا درگذشت. وی دانش آموخته کارشناسی ارشد تاریخ از پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی بود. در کنار پژوهش در حوزه تاریخ انقلاب اسلامی و تاریخ معاصر آذربایجان، مدیریت بخش تدوین اسناد و تاریخ شفاهی مرکز اسناد انقلاب اسلامی و مدیریت بخش تحقیقات تاریخ مجلس را نیز عهده دار بود. این نویسنده فقید مقالات و تألیفات متعددی در حوزه تاریخ انقلاب و فرهنگ ایرانی اسلامی آذربایجان منتشر کرده است. دوره سه جلدی پژوهشنامه انقلاب اسلامی، دوره دوجلدی مبدا نهضت و نامه نیمه خرداد از جمله آثار برجسته اوست. زندگانی و مبارزات شهید قاضی طباطبایی، جنبش دانشجویی تبریز به روایت اسناد و خاطرات، خاطرات حجت الاسلام حسینی همدانی، زندگانی و مبارزات آیت الله مروج، زندگانی و مبارزات شهید دکتر مفتاح، مبارزات آیت الله سید یونس اردبیلی به روایت اسناد و خاطرات، مجموعه مقالات همایش پنجاهمین سالگرد شهادت نواب صفوی و فدائیان اسلام، بازخوانی مشروطیت، مطهری بدون سلاح بخش دیگری از آثار این مؤلف و پژوهشگر فقید حوزه تاریخ است.

حاج اسدالله احمدی



حاج اسدالله احمدی از روایان دفاع مقدس و نویسنده کتاب دست‌های خالی پاهای خونین: تاخت و تازهای ضد انقلاب و ارتش عراق در قصر شیرین، سرپل ذهاب و گیلان غرب ۱۳۵۹-۱۳۵۷ شامگاه دوشنبه ۲۵ مرداد بر اثر ابتلا به کرونا درگذشت.

محمود دست‌پیش



محمود دست‌پیش، استاد برجسته زبان و ادب آذری و پارسی در سن ۸۷ سالگی درگذشت. محمود دست‌پیش در سال ۱۳۱۳ در باکو متولد شد. او از شاعران ترک‌زبان ایران بود. از آثار او می‌توان به تدوین دایره‌المعارف، و تألیف آثاری چون از فضولی تا شهریار، ائل سوغاتی، داغ‌دونموشم، برگردان نمایشنامه مشدی عباد، ترکی سوزلوک و ... اشاره کرد.

